

امام رضا علیه السلام فرمودند:

کسی که حضرت فاطمه  
معصومه را زیارت کند  
پاداش او بهشت است.

نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸





|       |                                      |
|-------|--------------------------------------|
| ۱     | طرح گرافیکی                          |
| ۳-۲   | شناسنامه                             |
| ۴     | مناجات                               |
| ۵     | سرمقاله                              |
| ۶     | در محضر امام                         |
| ۷     | چلچراغ                               |
| ۹-۸   | آیه‌ها و نکته‌ها                     |
| ۱۱-۱۰ | راز عدم استجابت دعا                  |
| ۱۳-۱۲ | سفر جمکران آن سال                    |
| ۱۴-۱۵ | مهدویت در نگاه امام حسن              |
| ۱۶    | گیس اسلامی                           |
| ۱۷    | شرط بهره‌مندی از امداد غیبی          |
| ۲۰-۱۸ | امدادهای غیبی در حمایت از آخرین منجی |
| ۲۱    | پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی             |
| ۲۲    | کتابخانه مهدوی                       |
| ۲۳    | امیدبخش‌ترین آیه (آیه امید)          |
| ۲۵-۲۴ | آن سید آزاده                         |
| ۲۶    | صاحب شب قدر                          |
| ۲۷    | آن مرد خدا                           |
| ۲۹-۲۸ | به این کتاب ظلم نکنیم                |
| ۳۱-۳۰ | او با قرآنش شناسایی شد               |
| ۳۳-۳۲ | شعر                                  |
| ۳۴    | تقویت ولایت‌مداری در مدرسه دعا       |
| ۳۷-۳۵ | بزرگترین رویداد قرآنی                |
| ۳۸    | راه قدس                              |
| ۳۹    | انتفاضه و زمینه‌ساز                  |
| ۴۱-۴۰ | این روزها همه چیز بوی التماس می‌دهد  |
| ۴۳-۴۲ | زالال معرفت                          |
| ۴۴    | اصطلاحات مهدوی                       |
| ۴۷-۴۵ | آیه از بهشت                          |
| ۴۹-۴۸ | کیک و نگاه                           |
| ۵۱-۵۰ | تهاجم رسانه‌ای                       |
| ۵۳-۵۲ | فرصت‌های اوقات فراغت                 |
| ۵۵-۵۴ | دل‌نوشته                             |
| ۵۷-۵۶ | رازها و روزها                        |
| ۵۸    | پیامک                                |
| ۶۱-۵۹ | با یاران امان                        |
| ۶۲    | جدول و مسابقه تستی                   |
| ۶۳    | فرم نظر سنجی                         |
| ۶۴    | پست جواب قبول                        |



حسینی لیلوری، علی رستمیان پور، صالح صادقی، الهام بیدآبادی، محمد صباغ.

با تشکر از شورای نویسندگان و تمام مهدی‌یاورانی که به نوعی یاری‌گر ما بوده‌اند.

امور مخاطبان: محمد جواد کمار  
مدیر توزیع و اشتراک: سیدفخرالدین موسوی زاده  
امور رایانه: سید علی حسینی  
با همکاری: روح‌الله علیاری، مسلم عباسپور، امید درویشی، سید علی

مدیر مسئول: مجتبی کلباسی  
سر دبیر: محمد صابر جعفری  
دبیر تحریریه: موسی جوانشیر  
مدیر علمی: حسن ملائی  
مدیر هنری: مهدی سلامی  
صفحه‌آرا: فاطمه ستاری الماسی

# خود الله

فکر یاریگرتان هستیم. با آراء، پیشنهادها، انتقادهای، مطالبتان و... ما را در ادای این امر یاری کنید.

سامانه پیامک: ۳۰۰۱۴۴۱۴۱

[www.aman.ir](http://www.aman.ir)

[amanmag313@gmail.com](mailto:amanmag313@gmail.com)

امان در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است. می‌خواهیم نشریه‌ای ارائه دهیم نه برای عنوان و تیراژ و...؛ فقط ویژه امام زمان، آن که سست و بی‌پایه نباشد. زیبا و شایسته برای همه علاقه‌مندان به ساحت مقدس امام مهربانمان؛ پس مشتاقانه نیازمند دست و

نشانی: قم، خیابان شهید، کوی آمار، بن‌بست شهید علیان، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵ \*\*\*

تحریریه: ۳۷۸۳۲۵۰۰-۰۲۵ \*\*\* تفلکس

توزیع و اشتراک: ۳۷۷۳۸۴۶۰-۰۲۵



حضرت مهدی علیه السلام:

اللَّهُمَّ احْبُبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ

بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي وَانْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي

وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي

ظُهُورِي

خداوندا مرا از چشم‌های دشمنانم پیوشان  
و من و دوستانم را به هم برسان و آنچه به  
من وعده داده‌ای برآور و مرا از بلاها در  
زمان غیبتم تا آن زمان که اذن ظهورم دهی،  
نگهدار!

مہج الدعوات و منہج العبادات، ص ۳۰۲.

به بیماری، گریسته‌اند، دست به دعا به آسمان برده و سر به سجود و استغفار برایشان، گذرانده‌اند. خواسته خود از معبود را، شفاعت آنان در این دنیا و آن سرا، قرار داده‌اند. حتی وقتی قاطعانه دست به سلاح شمشیر چون تیغ جراحی برای حذف غده سرطانی برده‌اند، گریسته‌اند. دل سوزی و رحم و شفقت ویژگی خداگونه اولیای خداست. خصلت دیگر رمضان مغفرت است. بخشش، جلوه و مظهري از عفو الهی، ستار بودن و گذشت ویژگی این ماه است و درب توبه و گذشتی که با عنوان رمضان خدا گشوده است، کسی را ممنوع ورود نداشته و ندانسته است. امام و ولی خدا هم، با گذشت عجین است. معذرت نخواسته، بخشیده‌اند. دل را جای کینه از مؤمنین قرار نداده دیگران را نیز چنین خواسته‌اند: «وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا»؛ «با ظهور، کینه توزی از دل‌ها رخت بر می‌بندد که:» «ذهب الشحنا من قلوب العباد.»<sup>۱</sup> چه قدر ما رضائی هستیم و با ماه خدا و ولی خدا هماهنگیم؟ از مغفرت، برکت و رحمت خدا بهره‌مندیم؟ چه قدر نشست و برخاست ما، تأثیرگذار و مثبت است. چه قدر بودن با ما، دیگران را به خدا نزدیک می‌کند و یا خدای ناکرده افراد را از یاد خدا غافل کرده و از او دور می‌کند؟! به تعبیر روایت، باران حضرت مانند مشک‌اند<sup>۲</sup> و تأثیرگذار، نه منفعل که اسیر جو، فضا، افراد و شرایط جامعه گردند. هم‌نشینی با آنان، انسان را به یاد خدا می‌اندازد. خود یک بهشت‌اند، معطر و خوشبو؛ نه این که انسان را از خدا و یاد او غافل کنند. چون بهشتی هستند که باید با آنان بود و از خدا خواست این درب با برکت رفاقت بهشتی، بسته نگردد. بلند نظری و نگاه وسیع، دعا برای همه اقشار، خیرخواهی برای عموم، سخن حکیمانه و دور از زشتی آنان، برخی از خصلت‌های خوب آنان است که چون بهشت آنان را سلامت و امن قرار داده است. به دنبال ترویج و تعمیق ایمان و معنویت‌اند. جو جامعه، ارتجاع برخی و دلبستگی برخی، جناح‌بازی و جو غالب و مغلوب، آنان را از مسیر الهی جدا نمی‌کند و درب بهشت را بر دوستان نبسته و درب جهنم را برایشان نمی‌گشاید. سنت خوب را فراموش نمی‌کند و سنت بد را ایجاد نکرده یا احیا نمی‌کند. دغدغه دین و ولی خدا را دارند. رحمت و مغفرت نیز دو ویژگی خوب منتظران واقعی و باران حضرت است. اهل بخشش و گذشت‌اند. کارشان برای خداست. از کینه‌توزی‌ها و تندخویی‌ها به دورند. اهل کینه و کدورت نیستند و دلسوز و خیر خواهند.

و ما کدامیم؟

مهم نیست که این نوشتار قبل از رمضان، یا بعد از رمضان خوانده شود؛ مهم این است که برکت، رحمت و مغفرت که شناسه رمضان است، ویژگی همه ما قرار گیرد. ماه رمضان را پیامبر خدا ﷺ با عنوان ماه برکت، رحمت و مغفرت معرفی نمود. برکت، خیر فراوان و مفید بودن است؛ تمام امور در ماه رمضان چند برابر اجر و پاداش دارد؛ درب جهنم بسته است. شیطان به زنجیر کشیده شده و درب بهشت باز است.

این فضیلت ماه خدا، همان خصلتی است که ولی خدا نیز دارای آن است. عیسیای پیامبر ﷺ وقتی در آغوش مادر به سخن در آمد، خود را این گونه معرفی نمود: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ؛ خداوند مرا هر جا که باشم، باعث برکت قرار داد.» اولیای خدا نه فقط در این که با زدن به سنگ سخت، چشمه سارها می‌جوشانیدند<sup>۳</sup> و یا امت‌ها را از فرعون‌ها نجات می‌دادند و گاه دریا را می‌خشکاندند تا راه را باز کنند و امت را از فرعون نجات دهند<sup>۴</sup> و حیات ایجاد کنند بلکه هر جا که بودند انسان را احیا می‌کردند. انسان را از بندگی زر و زور و تروییر، جهالت و ضلالت حتی به قیمت ایثار جان خویش، می‌رهاندند<sup>۵</sup> ویژگی دیگر رمضان، رحمت است؛ خدای رحمان و رحیم، رحمت خود را همه جا گسترانیده و فرموده: «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»<sup>۶</sup>، با رحمت خود عالم را آفرید و با رحمت خود تعلیم نمود: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»<sup>۷</sup>

هستی، لحظه و آنی از رحمت او خالی نیست، با این حال، ماهی را به طور ویژه با ویژگی رحمت نام نهاده است؛ محبت خود را کامل و همه را به سفره لطف و انعام خود دعوت نموده است. نگاهش، نگاه محبت و مودت و مهربانی است. ویژگی رحمت نیز، ویژگی ولی خداست، پیامبر اکرم ﷺ<sup>۸</sup> و حضرت مهدی ﷺ<sup>۹</sup> هر دو «رحمة للعالمین» هستند. تمام پیامبران و اولیای خدا، از رحمت، بهره‌ها داشته‌اند و بی‌توقع و درخواست مزد و اجر، کوشیده‌اند. مهربان‌ترین و متواضع‌ترین، نسبت به بشر بوده‌اند.<sup>۱۰</sup> از رنج مردم در رنج و از غم آنان محزون و غمگین، با بیداری آنان بیدار و از شادیشان، شاد بوده‌اند. طبیب دل‌سوزی بوده‌اند که از غفلت و بی‌توجهی بیمارشان

## و ما کدامیم؟

محمدصابر جعفری



۱. سوره مریم، ۳۱.

۲. «وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ نَضِيبًا؛ و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: «با عصایت بر آن تخته‌سنگ بزن.» پس دوازده چشمه از آن جوشیدند گرفت»؛ سوره بقره، ۶۰ و تفسیر آن سوره اعراف، ۱۶۰.

۳. «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ؛ و هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات بخشیدیم و فرعونیان را - در حالی که شما نظاره می‌کردید- غرق کردیم»؛ سوره بقره، ۵۰.

۴. «وَبَدَّلْ مِهْجَتَهُ فَبِكَ لَيْسَتْ نَفْدَ عِبَادِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ وَالْعَمَى وَالشَّكِّ وَالْإِزْتِيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى وَالرَّشَادِ»؛ تهبذب الاحکام، ج ۶، ص ۵۹. زیارت امام حسین ﷺ.

۵. سوره اعراف، ۱۵۶.

۶. سوره الر حمن، ۴-۱.

۷. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ سوره انبیاء، ۱۰۷.

۸. «... ثُمَّ أَكْبَلَ ذَلِكَ يَابِيئَ، رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ سپس سلسله امامت را با فرزند امام حسن عسکری که رحمت برای جهانیان است، کامل می‌کنم»؛ الامامة و التبصرة، ص ۱۰۵.

۹. «فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَبِثْتُ لَهُمْ»؛ سوره آل عمران، ۱۵۹.

۱۰. سوره حشر، ۱۰.

۱۱. تحف العقول، ص ۱۱۵.

۱۲. «مَتَّعُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمَسْكِ يَسْطُخُّ رِيحُهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا»؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۸.



### حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالى علیه)

در شب قدر، مسلمانان با شب زنده داری و مناجات خود از قید بندگی غیر خدای تعالی که شیاطین جن و انسند، رها شده و به عبودیت خداوند در می آیند؛ و در روز قدس که آخرین روزهای شهر الله اعظم است، سزاوار است که مسلمانان جهان از قید اسارت و بردگی شیاطین بزرگ و ابرقدرت‌ها رها شده و به قدرت لا یزال الله بپیوندند و دست جنایتکاران تاریخ را از کشورهای مستضعفان قطع و رشته طمع آنان را بگسلانند. هان، ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی! بپاخیزید و مقدرات خود را به دست بگیرید.

(صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۶۰)

### حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

من به همه شما مردم عزیزمان توصیه می‌کنم... شب قدر را قدر بدانید. دعا، تضرع، توبه و انابه و توجه به پروردگار، جزو وظایف همه ماست. مشکلات عمومی مسلمین، مشکلات کشور، مشکلات شخصی‌تان و مشکلات دوستان و برادرانتان را با خدای خودتان مطرح کنید. از خدای متعال توجه بخواهید؛ از خدای متعال مغفرت بخواهید؛ از خدای متعال انابه و حال و توجه بخواهید. شب بسیار مهمی است؛ شب بسیار عزیزی است. به ولی عصر، ارواحنا فدا، توجه کنید؛ به در خانه خدا مسجد بروید و به برکت امام زمان از خدای متعال خواسته‌هایتان را بگیرید. بنده هم از همه شما ملت‌مس دعا هستم.

(۱۳۷۱/۰۱/۰۷)



أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام):

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَيْعَتِنَا مَسْجِدِ الْكُوفَةِ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ

النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ كَسَرَهُ وَ سَوَّى قَبْلَتَهُ.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: «گوئی هم اکنون به شیعیانمان در مسجد کوفه می‌نگرم که خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده است به مردم می‌آموزند، بدانید که قائم ما چون قیام کند آن مسجد را بازسازی و قبله آن را راست و استوار خواهد ساخت.»

الغیبة نعمانی، ص ۳۱۸

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

سیمای یهود  
در قرآن

﴿وَقَصَّيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ (۴) فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا (۵) ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶) إِنَّ أَحْسَنَئُمْ لَأَنفُسِكُمْ وَإِنَّ أَسْأَثَكُمْ فَلَهَا إِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيَبُذِّرُوا مَا عَلَوْا تَتِيرًا<sup>۱</sup>﴾

«ما در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً شما دوبار در زمین فساد می‌کنید و برتری‌جویی بزرگی خواهید کرد؛ پس همین که وعده نخستین فتنه فرا رسد، گروهی از بندگان توانمند و جنگجوی خویش را [برای سرکوبی شما] بر انگیزیم؛ پس درون خانه‌ها را جست‌وجو کنند [آنها فتنه‌گران را یافته کیفر دهند] و آن، وعده‌ای قطعی است؛ سپس، جنگ را به سود شما و علیه آنان برگردانیم و شما را با اموال و فرزندان کمک کنیم و نیروهای شما را بیشتر قرار دهیم. اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید [باز هم] به خود بد کرده‌اید؛ پس همین که وعده [افسادگری] دوم فرا رسد، [جنگجویان نیرومند و مؤمن را برای قلع و قمع شما می‌فرستیم] تا سیمای [نظامی و عزت دنیوی] شما را زشت و [برای گرفتن قدرت] به مسجدالاقصی وارد شوند، همان گونه که بار نخست وارد شدند و تا آنچه را زیر سلطه در آورده‌اند، به سختی ویران کنند.»

این آیه به صراحت از یهود و فساد این قوم در زمین سخن به میان آورده است. برای شناخت ویژگی‌های این قوم پرداختن به همین یک آیه و برداشت نکاتی چند از آن، راهگشاست:

و زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌شوند؛ همان طور که امام صادق علیه السلام درباره: «عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» چنین تطبیق کرده است یا امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر آن فرمود: «هو القائم و أصحابه».

(۷) از سنت‌های الهی، نابودی مستکبران طغیان‌گر است: ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ﴾.

(۸) تحقق وعده‌های الهی به معنای کنار بودن انسان از وظیفه جهاد نیست: ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا﴾.

(۹) فراز و نشیب‌های تاریخ و نابودی یهود در پی بلندپروازی آنها بر مبنای قانون و سنت الهی است: ﴿إِنَّ أَحْسَنَئُمْ لَأَنفُسِكُمْ...﴾.

(۱۰) مساجد، پیوسته پایگاه قدرت ادیان و سمبل قدرت بوده و آزاد کردن مساجد نیز از سلطه کفار از وظائف مؤمنان است. برای سرکوب یهودیان متجاوز، مردان خدا وارد بیت المقدس می‌شوند؛ چنان‌که مسلمانان با فتح مکه وارد مسجدالحرام شدند: ﴿يَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ﴾.

بعثت انبیا آمده و دومی نیز برای افرادی همچون پیامبران به کار رفته است؛ بنابراین شاید نظر آیه به آینده‌ای باشد که هنوز نیامده است.

(۵) بعضی تفاسیر، استکبار و فساد یهود و قلع و قمع شدن آنان را در دو نوبت به افرادی در گذشته‌های دور یا نزدیک نسبت داده‌اند؛ زیرا مسجدالاقصی در طول چند هزار سال، بارها شاهد حوادث و خاطرات تلخ بوده است؛ ولی شاید با توجه به آیات و روایات، باید منتظر تجاوز و استکبار اسرائیل در آینده و شکست حتی آنان از بندگان صالح خدا باشیم؛ چنان‌که از ظاهر آیه ۵ و ۶ بر می‌آید، هنوز بنی‌اسرائیل چنین فساد گسترده‌ای را در زمین انجام نداده و چنین پیروزی حتی برای مردان خدا رقم نخورده است.

(۶) در ذیل این آیات روایات متعددی در تفاسیر آمده که براساس آن برخی نبرد انقلابیون و نابودی یهودیان متجاوز را قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام مؤمن دانسته‌اند که شمشیرهای خود را بر دوش می‌نهند و تا مرز شهادت پیش می‌روند

(۱) در حوادث تاریخی جزئیات حوادث مهم هستند و موجب سازندگی نیستند؛ بلکه باید آنها درس و عبرت بیاموزیم. خداوند ماجرای نابودی مستکبران یهود را به دست بندگان مؤمن خدا بیان می‌کند تا بگوید: استکبار و کفر، بی‌پاسخ نیست؛ چون همین هدف کلی و تربیتی مقصود بوده؛ لذا آیه جزئیات درگیری و نیروها و سلاح را ذکر نکرده است.

(۲) سوابق قوم یهود در تورات هم ثبت شده است. «فِي الْكِتَابِ»

(۳) فساد، شامل انواع فسادهای جانی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی می‌شود. «لَتُفْسِدُنَّ» به صورت مطلق آمده است.

(۴) قرآن برای آن گروهی که فسادگران بنی‌اسرائیل را سرکوب می‌کنند، مصداقی بیان نکرده است؛ اما در تفاسیر، آن را به بخت‌النصر، طالوت، پادشاه روم، هیتلر و ... تطبیق داده‌اند؛ ولی هیچ کدام از آنان با کلمه مقدس «بَعَثْنَا» و کلمه «عِبَادًا لَنَا» سازگار نیست؛ زیرا اولی برای قیامت و

مسلمانان واقعی می‌فرماید: «اَشْدَاءُ عَلَى الْكَفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا»؛ آنان به کفار سخت و به مؤمنان مهربان هستند. آنان را در حال رکوع و سجود می‌یابی که در صدد کسب رضای خداوند هستند. در این آیه، قبل از رکوع و سجود، «اَشْدَاءُ عَلَى الْكَفَّارِ وَ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» مطرح شده است. شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» مصداق و نمونه‌ای برای عمل به آیه «اَشْدَاءُ عَلَى الْكَفَّارِ» است که در متن قرآن آمده است؛ البته نباید فقط به سر دادن شعار اکتفا کرد که مهم‌تر و بهتر از شعار، شدت عمل است که در سایه تحصیل وحدت، ابتکار، خودکفایی، عزت نفس، نفوذناپذیری و دوری از هر نوع سازش و نرمشی که سبب طمع بدخواهان شود، به دست می‌آید.

(۱۳) سؤال: آیا در قرآن، دلیلی برای شرکت در راهپیمایی و تظاهرات داریم؟ پاسخ: خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾، ۱۲. اهل رفاه طلبی هستند: «إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»، ۱۴. انتظارات و توقعات زیاد دارند: ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِنْ تَحْتِ الْأَرْضِ مِنْ بَقْلِهَا وَ فَنَاتِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا قَالَ أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ﴾، ۱۵. تعصب نابجا دارند: ﴿وَ قَالَتِ الْيَهُودُ لَبِئْسَ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ﴾، ۱۶. دنیا گرایی ویزگی آنهاست: ﴿قَوْلِیْ لِلَّذِینَ یُکَذِّبُونَ الْكِتَابَ بِأَیْدِهِمْ ثُمَّ یَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَیْسَ شَیْءٌ بِهِ فَمِنَّا قَلِیلًا﴾، ۱۷. پیمان شکن هستند: ﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِیثَاقَ بَنِی إِسْرَءِیْلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَینِ إِحْسَانًا وَ ذِی الْقُرْبَى وَ الْیَتَامَى وَ الْمَسَکِینِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِیمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّکَاةَ ثُمَّ تَوَلَّیْتُمْ إِلَّا قَلِیلًا مِّنْکُمْ﴾؛

۱) یهود ابتدا قوم خوبی بودند؛ لذا خدا راجع به آنها می‌گوید: ﴿فَطَلَّئْکُمْ عَلَى الْعَالَمِینَ﴾. زنده باد بر شما! بعد گفت: خاک بر سرتان باشد! ﴿وَ بَاؤُوا بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ﴾. چرا خدا یکبار می‌گوید: زنده باد و یک بار می‌گوید: مرگ بر شما؟ چون قرآن به شدت از افکار و رفتار آنها انتقاد کرده است. برای نمونه می‌فرماید:

۱. رفاه طلب هستند: ﴿لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ﴾؛

۲. آنان غرق در گناه و نافرمانی شده اند و قابلیت پاکیزگی را ندارند: ﴿لَمْ یُرِدِ اللَّهُ أَنْ یُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ﴾؛

۳. در زمین فساد می‌کنند: ﴿یَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا﴾؛

۴. حتی به خداوند تهمت می‌زنند و می‌گویند که دست خدا بسته است: ﴿یَدِ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ﴾؛

۵. کتاب الهی را تحریف می‌کنند: ﴿



وَلَا یَطُؤُونَ مَوْطِئًا یَغِیْظُ الْکَفَّارَ... إِلَّا کُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ». هیچ حرکت دسته جمعی که کفار را عصبانی کند، صورت نمی‌گیرد؛ مگر این که برای آن، پاداش عمل صالح ثبت می‌شود. آری! راهپیمایی‌هایی که دشمنان اسلام و مسلمین را عصبانی کند، عمل صالح است. این راهپیمایی‌ها به خصوص آن گاه که از طریق وسایل ارتباطی و ماهواره منعکس می‌شود، اگر برای اهداف مقدسی صورت گیرد، نوعی حضور در صحنه، عبادت دسته جمعی و امر به معروف و نهی از منکر عملی و عامل تقویت روحیه مردم و تهدید دشمن است.

۱۸. انحصار طلبی، روش آنهاست: ﴿وَ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أُنَامًا مَّعْدُودَةً﴾؛

۱۹. خوی استکباری دارند: ﴿وَ قَضَیْنَا إِلَى بَنِی إِسْرَءِیْلَ فِی الْکِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیرًا﴾؛

۲۰. در پی اختلاف افکنی هستند: ﴿وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْکِتَابَ فَاحْثِلِفْ فِیهِ﴾؛

۲۲. گناه خود را توجیه می‌کنند: ﴿وَ سَأَلَهُمْ عَنِ الْقُرْآنِ الَّذِی کَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ یَعْبُدُونَ فِی السَّبْتِ إِذْ آتَانَهُمْ حِینَانَهُمْ یَوْمَ سَبِّهِمْ شَرْعًا وَ یَوْمَ لَا یَسْأَلُونَ لَأَنْتَابَهُمْ کَذِکَ تَبْلُوهُمْ مَا کَانُوا یَفْسُقُونَ﴾.

یُحْزِقُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾؛

۶. هر کجا وحی طبق میل آن‌ها نباشد، تکبر می‌ورزند: ﴿فَکَلَّمَا جَاءَکُمْ رَسُولٌ مِّنْهُ لَا تَقُولُوا أَنُفْسُکُمْ اسْتَکْبَرَتْ﴾؛

۷. از اهل ایمان، بیشترین کینه را دارند: ﴿النَّاسِ عَدَاوَةٌ لِلَّذِینَ آمَنُوا الْیَهُودُ﴾؛

۸. بعضی انبیا را به قتل رساندند و برخی را تکذیب کردند: ﴿لَلْقَدْ أَخَذْنَا مِیثَاقَ بَنِی إِسْرَءِیْلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَیْهِمْ رُسُلًا کَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُ لَا تَقُولُوا أَنُفْسُکُمْ قَرِیْقًا کَذَّبُوا وَ قَرِیْقًا یَقْتُلُونَ﴾؛

۹. غضب شده خداوند هستند: ﴿فَبَاؤُوا بِغَضَبِ عَلَی غَضَبٍ﴾؛

۱۰. حضرت عیسی و حضرت داوود گروهی از آنان لعن کرده بوده‌اند: ﴿لَعِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ بَنِی إِسْرَءِیْلَ عَلَی لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِیْسَى﴾؛

۱۱. در مقابل منکرات بی‌اعتنا هستند:

۱. سوره اسرا/ ۷-۵.

\*. برگرفته از تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین قرآنی.

# راز علمم استجاب دعا

ماه مبارک رمضان، بهار دعا و مناجات و راز و نیاز با پروردگار است. به تعبیر روایات، دعای روزه‌داران در این ماه مستجاب است: «و دعائکم فیه مستجاب»<sup>۱</sup> اما چرا بعضی از دعاهاى ما مستجاب نمی‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال، نوشته حاضر سامان یافته است.

بیشتر ما فکر می‌کنیم زمانی دعای ما مستجاب می‌شود که خداوند به سرعت خواسته ما را اجابت کند؛ به عبارت دیگر، استجاب دعا را در «اعطای مستقیم» پروردگار می‌بینیم؛ درحالی که استجاب دعا فقط در آن نیست؛ بلکه خداوند به صورت «غیر مستقیم» دعای ما را مستجاب می‌کند؛ یعنی به وسیله این دعا حفظ می‌کند و از ما نمی‌گیرد. به راستی فکر کرده‌ایم که خداوند کریم چقدر نعمت به ما داده و ما غافلیم؟! مثلاً می‌دانید که «قلب» در بدن انسان‌ها چقدر ارزش دارد؟ اولین قلب مصنوعی پس از جنگ جهانی دوم ساخته شد و فقط ۲۴ ساعت کار کرد؛ ولی هزینه‌ای بالغ بر ۳۵ میلیون تومان داشت. حالا حساب کنید حدود هفتاد سال پیش قلب من و شما ۳۵ میلیون ارزش داشته است، امروز چقدر ارزش دارد؟ پس استجاب دعا فقط رسیدن به آن خواسته نیست؛ بلکه از دست ندادن خواسته‌های قبلی است که به استجاب رسیده است؛ همچنین هر شخصی موفق به دعا کردن نمی‌شود؛ لذا خود دعا «مطلوبیت» دارد؛ اما چرا برخی دعاها مستجاب نمی‌شود؟ جواب این سؤال را در چند قسمت عرض می‌کنیم:

۱. خیلی از خواسته‌های ما از خدا به ظاهر به نفع ماست؛ ولی در «باطن» به «ضرر» ماست و باطن اشیا را خالق اشیا بهتر از همه کس می‌داند: «وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> «چه بسیار چیزهایی که دوست دارید؛ ولی برای شما مایه شر است و خداوند [به مصالح امور] داناست و [شما از آنها] آگاهی ندارید».

۲. «ظرفیت» آن خواسته را نداریم داستان پیرمردی در این باره شنیدنی است: از یکی از بانک‌ها با منزل پیرمرد روستایی تماس گرفتند و به او گفتند: شما یک مژدا دو کابینه برنده شده‌اید. پیرمرد، فردای آن روز از دنیا رفت. برای عرض تسلیت به خانه آن پیرمرد رفتیم و از همسرش پرسیدیم: مادر! با وجود سلامتی کامل، چرا آقا فوت کرد؟ همسر پیرمرد گفت: دیروز خبر برنده شدنش را دادند ایشان با شنیدن این خبر شروع کرد به راه رفتن در خانه و مدام با خود حرف زد و گفت: حالا چه کار کنیم؛ من رانندگی بلد نیستم... ماشین را بفروشم... پولش خیلی زیاد است؛ با پولش چیکار کنم... این قدر راه رفت و این حرف‌ها را زد تا صبح سخته کرد و مرد.

۳. چون «طغیان» و «سرکشی» می‌کنیم: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»<sup>۳</sup> خدا همه ما را دوست دارد و نمی‌خواهد از جرگه بندگان خارج بشویم. امثال فرعون‌ها و قارون‌ها در طول تاریخ زیاد بودند که تا به مال و مکتب رسیدند، خدا را فراموش کردند. بین اصحاب پیامبر ﷺ هم شخصی فقیر بود و مدام از پیامبر ﷺ می‌خواست تا برای او دعا کند تا صاحب مال و ثروت شود؛ ولی پیامبر ﷺ می‌فرمود: به صلاح تو نیست تا اینکه آن شخص اصرار کرد و بالاخره پیامبر دعا کرد و یک گوسفند آن شخص تبدیل به دو عدد و همین طور زیاد شد؛ تا جایی که دیگر نتوانست در مدینه بماند و به بیرون مدینه رفت و زمینی را اجاره کرد و در آنجا به دامپروری مشغول شد و دیگر مسجد و صف اول نماز جماعت را هم فراموش کرد. پس از مدتی پیامبر، مأموران زکات را نزد آن شخص فرستاد تا زکات گوسفندانش را بگیرند؛ ولی آن شخص انکار کرد و گفت: برای چه بدهم؟ خودم زحمت کشیدم و این دامپروری را به راه انداختم. حالا چرا به پیامبر زکات بدهم؟ بالاخره بر اثر نافرمانی او دام‌های او دچار مرضی شدند و او ماند و همان یک گوسفندش؛ سپس شرم‌منده و خجل به نزد پیامبر آمد و اعتراف به اشتباه

خود کرد.

۴. خداوند به جای آن خواسته چیز دیگری به ما می‌دهد. ممکن است. خواسته ما نباشد؛ ولی چیز دیگری عوض آن به ما می‌دهد که اتفاقاً خیلی وقت‌ها هم از آن غافلیم.

۵. خداوند به جای اجابت آن خواسته، «بلایی» را از ما دفع می‌کند.

۶. خداوند به جای آن خواسته؛ در آخرت «چند برابر» آن را به انسان به صورت پاداش می‌دهد و این پاداش آن قدر برای انسان شگفت‌انگیز است که آقا امام صادق (علیه السلام) درباره انسانی که دعایش مستجاب نشده و در عوض از پاداش پروردگار در آخرت برخوردار شده است می‌گوید: «ای کاش هیچ کدام از دعاهاى من در دنیا به اجابت نمی‌رسید؛ او در عوض از این پاداش‌ها برخوردار می‌شدم».

۷. خداوند، دوست دارد صدای بنده‌اش را بیشتر بشنود؛ لذا استجاب دعاى او را به تأخیر می‌اندازد. در این زمینه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «همانا مؤمن، خدای عزوجل را دربارہ حاجت خود بخواند و خدای عزوجل فرماید: اجابت او را به تأخیر اندازید به سبب شوقی که به آواز و دعای او دارم»<sup>۴</sup>

کلام را با ذکر حکمتی از حکیم فرزانه حضرت علامه طباطبائی<sup>۵</sup> به پایان می‌بریم. یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: «وقتی به حضور شریف علامه طباطبائی<sup>۶</sup> تشرف حاصل کرده بودم و عرض حاجت کردم، ایشان فرمود: آقا! دعای سحر باقر العلوم النبیین (علیه السلام) را فراموش نکن که در آن بهاء و جمال و جلال و عظمت و نور و رحمت و علم و شرف است و حرفی از حور و غلمان نیست. اگر بهشت شیرین است، بهشت آفرین شیرین تر است»<sup>۷</sup>.

۱. مفاتیح الجنان، در فضیلت ماه رمضان،

خطبه رسول اکرم ﷺ

۲. سوره بقره / ۲۱۶.

۳. سوره العلق / ۶.

۴. اصول کافی، ج ۴ ص ۲۴۶.

۵. همان.

۶. سیمای فرزندگان، ص ۱۷۱.

این بار نوبت سفر پسرهای دانشگاه بود؛ بچه‌های خوبی بودند. هر چند خودشان می‌گفتند: تمام بچه‌های خلاف دانشگاه در یک اتوبوس جمع شده بودند. یک اتوبوس! اصلاً این سفر قرار بود شمال باشد؛ اما تبدیل به جمکران شد.

در میان همسفرانمان طلبه‌ای بود که کمتر با محیط دانشگاهی ارتباط داشت، ولی خیلی علاقه داشت در این محیط کار فرهنگی انجام دهد.

هنوز درست و حسابی از شهر خارج نشده بودیم که صدای دست زدن، سوت زدن و جیغ و فریادهای عجیب و غریب شروع شد. طبق معمول برای کسانی که مشاوره می‌خواستند یا سؤالی داشتند یا می‌خواستند حرفی بزنند؛ صندلی کنار من خالی بود؛ من از اول سفر به نوبت با دوستان از ۱۵ دقیقه تا ۱ ساعت درد دل کردم؛ با وجود این،

حساسیتی به شادی بچه‌ها نشان ندادم تا از سفر خسته نشوند؛ اما رفیق طلبه‌ای ما که تا به حال با بچه‌های دانشجوی خیلی انس نداشت، وحشت زده شده بود؛ پیش من آمد و گفت: فلانی! مگر خواست نیست دست می‌زنند و شعر می‌خوانند؟

گفتم: خوب! گفت: همین! برای ما زشت است، در اتوبوسی که در آن روحانیت سوار شده است، این کارها را نکنند. اصلاً این‌ها قیافه‌هایشان با جمکران متناسب نیست. اگر این افراد برای تمسخر آمده‌اند. برای من و تو زشت نیست؟ گفتم: من و تو! پس ناراحت گناه و خدا و رضایت خدا نیستی. ناراحت شخصیت خودمان هستی؛ می‌ترسی ما ضایع بشویم؟

گفتم: آخه... گفتم: دست‌زدن و جیغ‌زدن و سوت‌زدن و خندیدن جرم نیست. اگر شعر بی‌موردی

خواندند، من تذکر می‌دهم. مطمئن باش، بچه‌ها خودشان می‌دانند تا چه حد مجاز است. اگر هم ناراحت شخصیت من و خودت هستی، بگذار یک بار برای خدا هم شخصیت ما زیر پای این‌ها له شود.

بنده خدا همین جور مردد به من نگاه می‌کرد. نمی‌دانست چکار کند. شاید هم دلش می‌خواست خودش را از پنجره به بیرون پرتاب کند.

محبت و احترام از همه بیشتر بر دلها اثر می‌گذازد به ویژه بر جوانان. یکی از خصوصیات جالب دانشجویان نیز وقتی بروز می‌کند که شما به آنها احترام بگذارید؛ زیرا آنها در مواجهه با احترام حد و حدودها را رعایت می‌کنند؛ به هر حال نزدیک جمکران بلند شدم و برای بچه‌ها شروع به صحبت کردم. از محبت آقا امام زمان (عج) و بزرگواری او گفتم. بچه‌ها در نهایت سکوت به من خیره شده بودند. این طلبه هم

# سفر جمکران آن سال

(روایت یک روحانی از یک اردوی دانشجویی)



با این کارهایی که ما می‌کنیم، گناهی که انجام می‌هیم، واقعا آیا امام ما را قبول دارد؟ راه می‌دهد؟ بخدا از خودم متنفر و کلافه شده‌ام. یادم افتاد که امشب شب ولادت امام حسن (علیه السلام) است. نگاهی به آسمان کردم و گفتم: چرا که نه، اینها خانواده محبتاند، کسی را از در خانه خود نرانده‌اند، مهم این است که پشیمان باشی، مهم این است که تصمیم به جبران داشته باشی. آنها تو را دوست دارند. او در حالی که بلند بلند گریه می‌کرد گفت: حاج آقا به خدا آدم می‌شوم؛ به خدا آدم می‌شوم! فقط به من بگویید یعنی قبول است؟ یعنی من را هنوز دوست دارند. من را هنوز جزء آدم‌ها حساب می‌کنند.

من چه داشتم در برابر محبت ائمه (علیهم السلام) به آن جوان بگویم؟ بدون خجالت از اشک ریختن مقابل او من نیز به گریه افتاده بودم. هیچ کداممان آرام نمی‌شدیم. نسیم خنکی می‌وزید.

برای اولین بار به جمکران آمده بودند و اصلاً تا به حال هیچ تصویری از جمکران نداشتند. من پشت سر گروه می‌آمدم که یکی از بچه‌ها سراغم آمد. از پسرهای شاد گروه بود. از دانشجویان موفق دانشگاه. شاید بشود گفت: یکی از افتخارات دانشکده بود. با قیافه‌ای عجیب و غریب آن چنان گریه می‌کرد که توجه هر رهگذری را به خود جلب می‌کرد. از من تقاضا کرد، با دیگران نروم و بمانم. گفت: حرف مهمی با من دارد! می‌خواست شروع به صحبت کند؛ اما گریه امانش نمی‌داد. کم کم آرامش کردم و شروع به حرف زدن کرد:

حاج آقا راستش را بخواهید من چند بار تا پشت در و نزدیک این مسجد آمده بودم؛ ولی داخل نیامدم. آخر پیش خودم می‌گفتم: من کجا اینجا کجا؟! راستش روی آمدن و وارد شدن را ندارم.

به بچه‌ها نگاه می‌کرد و از تعجب نمی‌دانست چیکار کند. شاید پیش خودش می‌گفت: یعنی این‌ها همان بچه‌های یک ساعت پیش هستند. ضمن صحبت، گاهی قطرات اشکی را می‌دیدم که روی صورت‌های آنها می‌لغزید. انگار من داشتم از گمشده‌ای برای آنها صحبت می‌کردم که سال‌ها بود که در پی یافتن او بوده‌اند.

هنگام ورود به مسجد، کفش‌هایم را از پا در آوردم؛ به دنبال من بچه‌های دیگر هم همین کار را کردند. دعای فرج شروع شد و امان همه بریده شد.

بعضی از همین افراد که خیلی‌ها به آنها بر چسب ضد دین می‌زنند، آن چنان با سوز دعا می‌خواندند که آدم نمی‌توانست باور کند. بعضی‌ها هم اصلاً بلد نبودند، دعای فرج بخوانند و فقط گریه می‌کردند. اصفهان تا قم خیلی نزدیک است؛ ولی هشتاد درصد این افراد



اگر امام و حجت خدا لحظه‌ای از روی زمین و از بین افراد جامعه برداشته شود، زمین اهل خود را در خود می‌بلعد و فرو می‌برد همان طوری که دریا چیزهای خود را در خود متلاطم و آشفته می‌سازد. امام محمد باقر (علیه السلام)

# مهدویت در نگاه امام حسن

محمد رضا فاویان

احادیث پیامبر ﷺ درباره امام مهدی ﷺ آغازی نیکو در ترویج آموزه مهدویت است که بعد از آن در دوره کوتاه مدت، ولی بسیار پربرکت حکومت امیرمؤمنان (علیه السلام) رو به فزونی یافت. از نقل‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت که امام حسن (علیه السلام) تحت تربیت پدر گرامی وجد بزرگوارش. احادیث مهدویت را فرا گرفته باشد. عبدالله بن حارث گوید: به علی (علیه السلام) گفتم: ای امیرالمؤمنین! از رخدادهای پس از امام قائم (علیه السلام) مرا مطلع گردان. فرمود: ای پسر حارث! این چیزی است که ذکر آن موکول به خود اوست و رسول خدا ﷺ به من سفارش کرده است که آن را جز به حسن و حسین (علیه السلام) نگویم.<sup>۱</sup>

براساس این روایت، قطعاً امام حسن (علیه السلام) روایات مهدوی را از محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرا گرفته است و در دوران زندگی برای مردم سخنانی را درباره امام مهدی ذکر کرده‌اند؛ منتهی هم‌زمان بودن حکومت ظاهری امام حسن مجتبی (علیه السلام) با دوران تاریک و مسموم حکومت معاویه که از سخت‌ترین دوره‌ها برای امام حسن و شیعیان بود و به دلیل فراهم نبودن زمینه برای مباحث علمی و اعتقادی شیعه، سخن از امام مهدی ﷺ در این دوره چندان مطرح نشده است.

توجه داریم که این رکود به معنای ناآشنایی جامعه شیعی با این آموزه نبود؛ بلکه بیشتر بدان معنا بود که ترویج و تقویت این آموزه در این دوره بسیار کند شد. بروز سیاسی این آموزه در دوره بعد، خود بهترین شاهد است که اصل این آموزه جایگاه خود را در ذهن و باور شیعیان حفظ کرده بود، هرچند ویژگی‌ها و جزئیات آن کاملاً روشن نبود.

روزگار پر آشوب عهد امام حسن مجتبی (علیه السلام)

موجب شد که شیعیان نتوانند احادیث فراوانی از آن حضرت بشنوند و برای نسل‌های بعدی روایت کنند. از این رهگذر، روایاتی مربوط به حضرت ولی عصر (علیه السلام) نیز از آن حضرت کمتر روایت شده است.<sup>۲</sup> در این احادیث به این مطلب، اشاره شده است:

۱. ولادت مخفیانه؛ ۲. نهمین فرزند امام حسین (علیه السلام)؛ ۳. غیبت؛ ۴. سختی‌ها و گرفتاری‌های عصر غیبت؛ ۵. طول عمر؛ ۶. ظهور و امدادهای غیبی؛ مانند یاری فرشتگان در سن جوانی؛ ۷. سیره حضرت بر این اساس حضرت بیعت هیچ طاغوتی را نمی‌پذیرد؛ ۸. حکومت و مدت آن؛ ۹. برکات دولت حضرت؛ مانند فرونی نعمت، گسترش عدالت، هدایت و اطاعت همگانی، پایان یافتن بدی‌ها، کشته شدن دجال و...؛ ۱۰. نزول عیسی بن مریم (علیه السلام) و نماز خواندن پشت سر امام مهدی. در اینجا برخی از این احادیث به دست ما رسیده است.

حدیث اول: روزی حضرت علی (علیه السلام) همراه با امام حسن مجتبی (علیه السلام) در حالی که به دست سلمان تکیه داده بودند، وارد مسجد الحرام شدند. در آن هنگام مردی نیکو صورت که جامه‌های زیبا بر تن داشت، وارد شد و به خدمت امیرمؤمنان (علیه السلام) عرض ادب و تقدیم سلام کرد؛ سپس گفت: من از محضر شما سه پرسش می‌کنم. اگر آنها را پاسخ فرمائید، می‌فهمم که این مردم به شما ستم کردند و حق شما را به ناحق غصب کردند. امیرمؤمنان فرمود: آنچه می‌خواهی بپرس. چون آن مرد سؤالاتش را بیان کرد، امام (علیه السلام) به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی (علیه السلام) رو کرد و فرمود: ای ابو محمد! سؤالات این مرد را پاسخ بگو. چون امام حسن مجتبی (علیه السلام) هر

سه پرسش را پاسخ گفت، آن مرد به وحدانیت خدا و رسالت رسول اکرم گواهی داد؛ سپس به امامت امیر مؤمنان و امام حسن مجتبی و امام حسین سیدالشهدا (علیه السلام) گواهی داد و آن‌گاه امامان را یکی پس از دیگری شمرد و به امامت هر یکی شهادت داد تا به امام حسن عسکری (علیه السلام) رسید و آن‌گاه گفت: «و گواهی می‌دهم به امامت فرزند امام حسن عسکری که نام و کنیه‌اش گفته نمی‌شود تا روزی که ظاهر شود و جهان را پر از عدالت کند؛ آن‌گاه از امیر که پر از ستم شده است؛ آن‌گاه از امیر مؤمنان خداحافظی کرد و از مسجد خارج شد. امیرمؤمنان خطاب به امام حسن (علیه السلام) فرمود: ای ابو محمد! برخیز و این مرد را تعقیب کن. امام حسن مجتبی (علیه السلام) بلند شد و به دنبال آن مرد حرکت کرد. لحظاتی بعد برگشت و عرض کرد: این مرد تا از مسجد خارج شد، اصلاً متوجه نشدم که کجا پای نهاد و به کجا رفت! امیر مؤمنان فرمود: آیا این مرد را شناختی؟ امام حسن عرض کرد: خدا و پیامبر و امیرمؤمنان داناترند. امیرمؤمنان فرمود: او حضرت خضر بود».<sup>۳</sup>

حدیث دوم: امام حسن (علیه السلام) با شروطی که در صلح‌نامه مندرج است با معاویه صلح کرد؛ در چنین شرایطی برخی از شیعیان حضرت را ملامت کردند که چرا با معاویه صلح کردی. حضرت فرمود: وای بر شما! نمی‌دانید مقصود من چه بود؟ صلح من با معاویه از آن‌چه آفتاب بر آن می‌تابد و غروب می‌کند، برای شیعیانم بهتر است. نمی‌دانید که من امام شما هستم و اطاعت از فرمانم برای شما واجب است و به فرموده رسول خدا ﷺ یکی از دو آقای اهل بهشت هستم؟ گفتند: می‌دانیم. فرمود: آیا نمی‌دانید، چون خضر (علیه السلام) کشتی را سوراخ

# محبت امام کرم اهل بیت



او شوند. زمین را از عدل و نور و برهان او هدایت [پر می گرداند. تمام اهل زمین تسلیم او می شوند و کافری باقی نمی ماند، جز آنکه به او ایمان می آورد و شخص بد سرشت و ناپاک یافت نخواهد شد، جز آنکه صالح و پرهیزگار می شوند. درندگان در حکومت او در آرامش هستند، و زمین، نباتات خود را ظاهر و آسمان بر کاتش را نازل می کند و گنج ها برای او آشکار شوند و چهل سال بر شرق و غرب جهان حکومت خواهد کرد، خوشا به حال کسی که او را در آن روزها درک کند و سخنانش را بشنود! <sup>۵</sup>

\* معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

۱. کمال الدین ج (ص ۱۵۱): عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْخَارِثِ قَالَ قُلْتُ لَعَلِّي (عليه السلام) يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنِي بِمَا يَكُونُ مِنَ الْأَخْدَاتِ بَعْدَ قَاتِمِكُمْ قَالَ يَا ابْنَ الْخَارِثِ ذَلِكَ شَيْءٌ ذِكْرُهُ مَوْكُولٌ إِلَيْهِ وَإِنْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أَخْبِرَ بِهِ إِلَّا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (عليهما السلام).

۲. در کتاب معجم احادیث الامام المهدی نه روایت از امام حسن مجتبی در باره مهدویت نقل شده است، در کتاب شریف کمال الدین شیخ صدوق بابی با این عنوان آمده است: «باب ما أخبر به الحسن بن علی بن ابی طالب (عليه السلام) من وقوع الغيبة بالقائم (عليه السلام) و أنه الثاني عشر من الأئمة (عليه السلام)» که سه حدیث از امام حسن مجتبی نقل شده است.

۳. محاسن، ص ۲۳۳، ح ۹۹: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴: کافی، ج ۱، ص ۵۲۵: غیبت نعمانی، ص ۶۶ ب ۴، ج ۲: اثبات الوصیه، ص ۶۳۱: کمال الدین ج ۱، ص ۳۱۳، ج ۹۲، ح ۱: عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۶، ص ۶، ح ۵۳: دلائل الامامة، ص ۸۶: غیبت طوسی، ص ۴۵۱، ح ۴۱۱.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۶۱۳، ب ۹۲، ح ۲، کفایه الاثر، ص ۴۲۲.

۵. الاحتجاج، ج ۲، ص ۹۲.

سنت و برنامه ای شود برای تمامی بنی هاشم از زنده ها و مرده های آنها.

راوی می گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا شیعه هایت را بدون سرپرست رها می کنی؟ فرمود: چه کنم؟ ای برادر جهینه؛ به خدا سوگند! من چیزی را می دانم که اشخاص مطمئن و راستگو آن را به من گفته اند. امیرالمؤمنین علی (عليه السلام) روزی مرا خوشحال دید و فرمود: حسن خوشحالی؛ چه حالی خواهی داشت اگر مرا کشته ببینی؛ چه حالی خواهی داشت، اگر بنی امیه والی و حاکم این مردم شوند؛ در حالی که رئیس آنها مردی است که حلقوی گشاد و پائین تنه بزرگ دارد و هر چه می خورد سیر نمی شود؟ روزی خواهد مرد که دیگر یک یار و یاور در آسمان و زمین نخواهد داشت. بر شرق و غرب آن [دنیا یا سرزمین عرب] تسلط یافته و مردم مطیع او شده اند و مدت فرمانروایش نیز به طول خواهد انجامید؛ با روش بدعت گذاران و گمراهان رفتار می کند و حق و سنت رسول الله (ص) را می کشد و اموال را در میان اهل ولایت و حکومت خود تقسیم و صاحبان حق را منع می کند و بی بهره خواهد گزارد. مؤمن در حکومت او خوار و ذلیل و فاسق قدرتمند خواهد بود و اموال را در میان یاران خودش موجب قدرت و سربلندی قرار می دهد و بندگان خدا را اسیر می کند؛ حق در حکومت او کهنه و باطل پدیدار و آشکار می شود. هر که برای احقاق حق با او مخالفت کند، کشته شود و هر که بر باطل با او همکاری می کند، پاداش می گیرد و همین گونه خواهد بود تا در نهایت خداوند در آخرالزمان مردی را مبعوث می گرداند تا مردم را از فتنه و بلا و نادانی نجات دهد و او را بر اهل زمین پیروز گرداند و همه به رضایت یا کراهت مطیع

کرد و آن بچه را به قتل رسانید و دیوار را استوار کرد، باعث خشم موسی بن عمران (عليه السلام) شد، زیرا که حکمت آن کار بر او پوشیده بود؛ ولی نزد خداوند، عمل خضر کار حکمت آمیز و درستی بود؟ آیا نمی دانید [چنین مقدر شده است] که هر یک از ما ائمه سازش با سلطان زمانش را به گردن می گیرد، جز قائم ما که عیسی روح الله پشت سر او نماز می گزارد و خداوند، ولادت او را از مردم پوشیده می دارد و خود وی از نظرها پنهان خواهد شد تا چون ظهور کند بیعت هیچ کس در گردن وی نماند [و مجبور نشود در برابر سلاطین زمانش سکوت و با آنها بیعت و سازش کند]. او نهمین فرزند برادرش، حسین پسر فاطمه بانوی بانوان است. خداوند در طول غیبت، عمر او را طولانی گرداند! آن گاه با قدرت کامله خود به صورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد ظاهر کند. این برای اینست که همه بدانند خداوند بر همه چیز توانا است. <sup>۶</sup>

حدیث سوم: زید بن وهب جهنی از امام حسن (عليه السلام) نقل کرده است که فرمود: به خدا سوگند! می بینم که معاویه برای من از کسانی که خیال می کنند شیعه من هستند، بهتر است. اینها [شیعه ها] به دنبال این هستند که مرا کشته و مال و اموال مرا غارت کنند و بگیرند. به خدا سوگند! چنانچه از معاویه پیمانی بگیرم که خون و ناموسم محفوظ بماند بهتر است مرا بکشند و خاندان مرا ضایع گرداند. به خدا سوگند! اگر با معاویه می جنگیدم، همین ها [شیعه ها] مرا مجبور می کردند تا با او صلح کنم. به خدا سوگند! اگر صلح کنم و محترم باشم، بهتر از این است که در اسارت کشته شوم یا بر من منت گذاشته شود و آزاد گردم و این امر برای معاویه و خاندان او تا آخر دنیا

# گینس می استلا

محمد رضا فوادیان



آزادی اسیر، جهاد و اطعام فقرا را داشته باشد. آیا می‌دانید، در این دنیا عملی است که موجب نوشته شدن هزار حسنه و پاک شدن ده هزار گناه است.

پیامبر می‌فرماید: «اگر کسی به فرزندش قرآن را تعلیم دهد، گویی ده هزار حج و همچنین ده هزار عمره انجام داده است؛ ده هزار بنده از فرزندان حضرت اسماعیل را آزاد کرده است و ثواب شرکت در ده هزار جنگ و دفاع از اسلام را به او می‌دهند و ده هزار گرسنه را سیر کرده و ده هزار برهنه مسلمان را پوشانده است و به هر حرفی که از قرآن به فرزندش یاد داده باشد، ده هزار حسنه به او می‌دهند و ده هزار گناه را از نامه عملش پاک می‌کنند.»<sup>۲</sup>

مولوی هم چه زیبا می‌گوید:

بیدار شو ای دل که جهان می‌گذرد

وین مایه عمر رایگان می‌گذرد

در منزل تن مخسب و غافل منشین

کز منزل عمر کاروان می‌گذرد<sup>۳</sup>

حالا که تا این جا با ما آمدید، شما را مهمان یک حدیث دیگر درباره همین موضوع می‌کنیم:

پیامبر می‌فرماید: بهترین، نیکو کارترین و برترین شماها کسی است که قرآن را فرا گیرد و آن را به دیگران بیاموزد.<sup>۴</sup>

ان شاء الله همه ما بهترین و نیکو کارترین و برترین باشیم!

۱۴ هزار و ۸۳۳ نفر در تیتا بار هندوستان به مدت ۱۵ دقیقه پرکارشن نواختند.

این گروه به «خول» شهرت دارند و با این کار خود، رکورد جدیدی را در کتاب گینس به ثبت رساندند.

ما منکر هنر و دیگر مسائل انسان ساز نیستیم و معتقدیم که تمام رکوردهای گینس زشت و ناپسند نیست. قطعاً رکوردهای سودمند و پرفایده هم وجود دارد؛ اما رکوردهای بی‌ارزش هم وجود دارد؛ مانند بلندترین آروغ جهان متعلق به مردی در شهر بوگنور ریجرات.

به نظر شما ثبت چنین رکوردهایی انسانیت را از بین نمی‌برد؟ چه خوب بود، انسان‌ها با اعمالشان، انسانیت خود را خدشه‌دار نمی‌کردند. و چه خوب‌تر که انسان با اعمالش خود را در دایره انسانیت، شرافت و فضیلت و بزرگی قرار دهد.

اگر خواهان مدال بالارزش‌ترین انسان هستیم، مناسب است، سخن یکی از انسان‌های منحصر به فرد را بشنویم که در عالم انسانیت فردی از او بهتر نیست؛ پیامبر می‌فرماید:

«خیرکم من تعلم القرآن و علمه؛ بهترین شما کسی است که قرآن را فراگیرد و به دیگران تعلیم دهند.»<sup>۵</sup>

چرا پیامبر، خادم قرآن را ارزشمندترین انسان معرفی می‌فرماید؟

روشن است که بهترین کتاب در هستی، قرآن است و کسی که برای بهترین کتاب و ارزشمندترین سخن که توسط فرشته‌ای مقرب بر قلب بهترین انسان در والاترین زمان نازل شده است خدمتی انجام بدهد، او نیز بهترین می‌شود. راستی دوست دارید آدرس و نشانی کاری را به شما بدهیم که ارزش ده هزار حج عمره،

\*معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۶۸۱.

۲. جامع الاخبار، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. دیوان شمس، رباعیات، قسمت پنجم.

۴. محجة البیضاء، ج ۴، ص ۱۳.



# شرط بهره‌آزار امداد غیبی

◀ شب‌نم محمد زاده

تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاورشان [گریبان] آنان را گرفتیم. در نهایت، صبر و بردباری را می‌توان یکی دیگر از مقدمات لازم جهت بهره‌مندی از امدادهای غیبی به شمار آورد. قرآن کریم با اشاره به این مطلب می‌فرماید: ﴿بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾<sup>۱</sup>. آری! اگر صبر و پرهیزگاری پیشه کنید و با همین جوش او خروش بر شما بتازند؛ همان گاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد؛ بنابراین، شرایط بهره‌مندی از امداد های غیبی را می‌توان در تلاش صبورانه و مخلصانه انسان متقی خلاصه کرد.

امداد غیبی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ آنانکه در راه ما کوشش و جدیت به خرج می‌دهند، ما راه‌های خود را به آنها نشان می‌دهیم؛ خداوند با نیکوکاران است. این آیه نیز هم کوشش و هم «در راه خداوند» بودن را ذکر می‌کند، هم صرف نیروی بدنی و هم صرف نیروی روحی را شرط قرار می‌دهد؛ در این صورت است که هدایت و روشنی باطنی به انسان داده می‌شود.

تقوا از دیگر شرایطی است که قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۲</sup>؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی

الطاف غیبی گزاف و رایگان نیست. چنین نیست که انسان در خانه اش بنشیند و دست روی دست بگذارد و منتظر باشد تا دستی از غیب بیرون آید و کاری بکند؛ بلکه بهره‌مندی از آن مستلزم وجود شرایطی در فرد و جامعه است. خداوند در قرآن کریم ضمن اشاره به این موضوع می‌فرماید: ﴿إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>۳</sup>؛ اگر خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می‌کند و ثابت قدمتان می‌دارد. این آیه، یاری الهی را که مدد غیبی است، مشروط می‌کند به یاری قبلی خدا؛ یعنی: خدمت و عمل و مجاهدتی در راه خیر عموم صورت بگیرد و مخصوصاً در راه خدا، لله و فی الله باشد؛ پس هم عمل و مجاهدت و کوشش شرط است، هم اخلاص و حسن نیت.

در جای دیگر، ضمن اشاره به لزوم تلاش جهت بهره‌مندی از

۱. سوره محمد/ ۸.

۲. سوره اعراف/ ۶۹.

۳. سوره آل عمران/ ۱۲۵.

گفت و گو با استاد ربانی گلپایگانی

# امدادهای غیبی در حمایت از آخرین منجی

حجت الاسلام والمسلمین علی ربانی گلپایگانی، متولد ۱۳۳۴ در شهر گلپایگان و از استادان برجسته حوزه علمیه قم در رشته کلام اسلامی است. از وی بیش از ۴۰ کتاب و ۱۶۰ مقاله در نشریات مختلف چاپ شده است که درباره امدادهای غیبی در عصر ظهور گفت و شنودی با ایشان انجام شده است که تقدیمتان می‌کنیم.

دل دشمنان باعث می‌شد تا آنان در مقابل سپاه اسلام عقب نشینی کنند. یکی از ویژگی‌های حضرت ولی عصر علیه السلام هم این است. ایشان هم منصور بالربع است؛ یعنی به وسیله ایجاد ترس در دل دشمنان به ایشان یاری می‌شود.

**آیا در مسئله ظهور امام عصر علیه السلام اصل بر امدادهای غیبی است یا به کارگیری اسباب و فراهم شدن علل و شرایط عادی؟**

اگر ما سنت‌های الهی را در تمام انبیا در نظر بگیریم، اصل اولیه تبلیغ و تبشیر و ارشاد و بعد هم تدبیر و بسیج کردن مردم است و از آن طرف هم گویا به مرور زمان که شرایط به گونه‌ای خواهد شد که آمادگی برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و حکومت عدل جهانی فراهم می‌شود. در این زمینه محمد حسین یعقوب کتاب خوبی به نام «حقیقه المهدی المنتظر» نوشته است. ایشان در بخشی از کتاب، از دوران ظهور و نحوه غلبه حضرت ولی عصر علیه السلام بر ادیان، مکاتب و مذاهب تصویری ارائه داده است. برای مثال، حضرت

**آیا اساساً امدادهای غیبی در تحقق ظهور امام زمان نقشی و دخالتی دارد؟**

قطعاً پاسخ این مثبت است؛ همان طور که در طول تاریخ ادیان آسمانی و انبیای الهی همواره این گونه بوده و خداوند متعال هم وعده فرموده است. اصولاً آیاتی در قرآن تحت عنوان سنت‌های الهی داریم. برای نمونه خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْنَ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾<sup>۱</sup> این آیات، ناظر بر همین مسئله سنت‌های تاریخی و اجتماعی است. این قانون تا انتهای تاریخ استمرار دارد. چنان که الآن هم، چنین است. یعنی سنت الهی باعث نصرت در عصر غیبت می‌شود. ملاحظه می‌کنید که با وجود همه مخالفت‌های استکبار جهانی، نظام جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت فقیه و امامت روز به روز بر عزتش افزوده می‌شود؛ زیرا عنایت الهی، نصرت می‌کند. در آیات و روایات آمده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله منصور بالربع بود؛ یعنی بر اساس ﴿سَنُلْقِي قُلُوبَ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ﴾<sup>۲</sup> عنایت الهی از راه القای رعب در



احتمالاً شما هم در باره امدادهای غیبی حرف و حدیث های فراوانی شنیده‌اید. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نزول فرشتگان؛ مثل فرشتگان یاری دهنده حضرت لوط (علیه السلام) یاری فرشتگان به مسلمانان در جنگ احزاب و جنگ بدر یا الهاماتی که به دل می‌شود یا امدادهایی که از طریق جمادات حاصل می‌شود، مثل شن‌های صحرای طیس برای سرنگونی بالگرد دشمن و گاهی توسط حیوانات؛ خداوند پرندگان را به طور دسته جمعی مثل ابابیل آماده می‌کند و گاهی به طور فردی مثل کلاغی که چیزی را زیر خاک کرد تا دفن مرده را به قابیل بیاموزد یا عنکبوتی که ورودی غار را پوشاند تا مشرکان بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دست نیابند و گاهی امداد از طریق افراد است؛ حتی از طریق کودکی همچون حضرت عیسی (علیه السلام) است که در گهواره، نبوت خود و پاکدامنی مادرش را ثابت کرد یا مثل کودکی که به پاکدامنی حضرت یوسف (علیه السلام) شهادت داد و گاهی امداد از طریق گیاهان است، مثل درخت خشکی که برای حضرت مریم خرمای تازه آورد.

گاهی امداد غیبی به وسیله تصرفی است که در نگاه انسان می‌شود. برای مثال در جنگ بدر، خداوند دو تصرف در چشمان کفار کرد. در مرحله اول، کفار مکه مسلمانان را کم دیدند؛ تا آنجا که گفتند: بردگان ما این چند نفر را از پای درمی‌آورند و نیازی به خود ما نیست؛ ولی در وسط جنگ، تصرف دوم صورت گرفت و آنها مسلمانان را دو برابر خود دیدند؛ وحشت کردند و جنگ را باختند. در این ماجرا کفار در یک جنگ دو دید متضاد پیدا کردند.

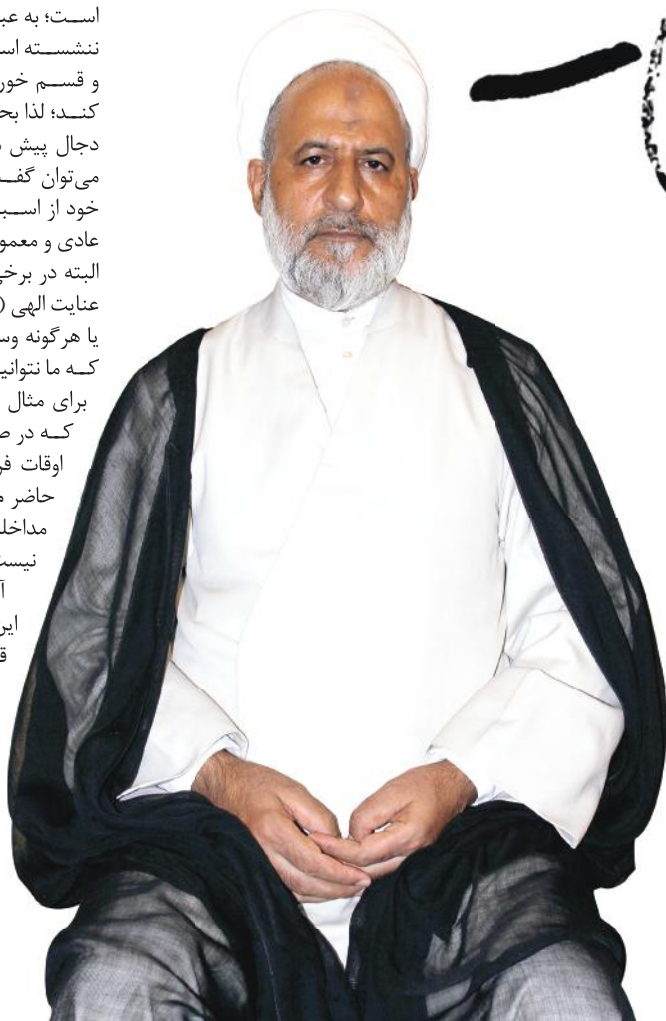
نگاهی که مسلمانان را کم دید و به آنها حمله کرد و نگاهی که مسلمانان را زیاد دید و خود را باخت.

نمونه دیگر، عصای حضرت موسی (علیه السلام) است. در یک جا دریا را خشک می‌کند و در جای دیگر از سنگ سفت و خشک دوازده چشمه آب بیرون می‌آورد.

مسیح (علیه السلام) می‌آید و با حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) بیعت می‌کند و از ایشان حمایت می‌کند؛ بنابراین، حجت بر مسیحیتی که بخش عظیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، تمام می‌شود. حداقل بخشی از مردم اقبال می‌کنند. یک عده نوعاً سکولار و لائیک هستند که اصولاً حساسیت مذهبی ندارند و از این برنامه‌های بشری خسته می‌شوند. وقتی می‌بینند که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) با این خصوصیات، آرمان‌ها و ایده‌ها است، جذب ایشان می‌شوند؛ چون آنها حساسیت مذهبی ندارند که بخواهند موضع بگیرند. مسلمانان هم وقتی حضرت ظهور می‌کند، قطعاً با یک سلسله علائم و نشانه‌هایی که وعده داده شده است، حجت بر آنها هم تمام می‌شود؛ بنابراین اصل این است که عوامل و شرایط بشری و اجتماعی و مردمی، فراهم می‌شود. نیروهای حضرت هم افرادی زبده و ویژه هستند که در روایت گفته شده است: ۳۱۳ نفر هستند. اینها اخص الخواص هستند و بیکار نمی‌نشینند. ما جزئیاتش را نمی‌دانیم؛ اما قطعاً فعالیت‌هایی خواهند داشت و می‌توان تصویری را با این قرائن و شواهد ارائه داد؛ منتهی استکبار هیچ وقت در تاریخ بیکار ننشسته است؛ به عبارت دیگر شیطان ننشسته است و بیکار نمی‌نشیند و قسم خورده است که مخالفت کند؛ لذا بحث خروج سفیانی و دجال پیش می‌آید، بر این اساس می‌توان گفت: حضرت برای قیام خود از اسباب و علل و شرایط عادی و معمولی استفاده می‌کنند؛ البته در برخی موقعیت‌ها باید آن عنایت الهی (منصور بالرعب بودن) یا هرگونه وسیله ممکن وارد شود که ما نتوانیم آن را تصور کنیم. برای مثال قرآن تصریح می‌کند که در صدر اسلام گاهی اوقات فرشتگان؛ در جنگ‌ها حاضر می‌شدند البته منظور مداخله مستقیم در جنگ نیست.

آیات می‌فرمایند: این‌ها را برای قوت قلب می‌فرستادیم. فرض کنید جاهایی جبرئیل بر مرکبی می‌آمد و تمثل پیدا می‌کرد؛ سوار می‌شد و می‌دیدند و تشویق می‌شدند که به جلو بروند.

# فرشتگان





در جامعهٔ امروزی دشمنان اسلام، جامعه را بیشتر به سوی مادیات و دوری از معنویات سوق می‌دهند. چطور می‌شود که عموم مردم، آمادگی عمومی برای پذیرش امر ظهور پیدا می‌کنند؟

– بدون شک، مستکبرین و سردمداران استکبار، تلاش می‌کنند با استفاده از اسباب و ادوات مختلف، مردم را از معنویت جدا کنند و به سمت مادیات سوق بدهند. برای مثال با بهره‌گیری از ماهواره و اینترنت و شبکه‌های جهانی، دنیا را به یک دهکده جهانی تشبیه می‌کنند؛ اما حالا واقعاً با همهٔ این تلاش‌ها چقدر توانسته‌اند که بشریت را از معنویت دور کنند؟! اگر حقیقتاً به دور از غرض و تبلیغات منفی یک بررسی میدانی و تحقیق دقیق انجام شود، منهای مسلک و آئین خاص توجه مردم به امور اخلاقی و معنوی بیشتر شده است. گاهی اوقات در تبلیغات رسانه‌ای کلیاتی را می‌بینیم که نشان می‌دهد تحت تأثیر فطرت و آفرینش همچنان آتش گرایش به معنویت در فطرت انسان‌ها شعله‌ور است؛ البته یکسری روپوش‌هایی گذاشته‌اند که این امر مکتوم بماند، به خصوص درباره جامعهٔ خودمان خیلی تبلیغات می‌کنند؛ اما به اعتقاد من نمی‌توان گفت که مردم روزبه‌روز به سمت غرب نزدیک می‌شوند و معنویت را فراموش می‌کنند؛ بلکه فکر می‌کنم که برعکس خواهد شد. همین یأس و سرخوردگی از این لیبرالیسم و کمونیسم و مکتب‌های الحادی و مکتب‌های غیر دینی، باعث می‌شود که

اینها به معنویت اقبال کنند.

به تازگی آقای رفیع دوست در مصاحبه‌ای به کسانی اشاره کرده است که اصلاً ضدیت داشتند و بعد برگشتند. در این زمینه استادی نقل کرده است که یکی از دانشجویانم قبل از انقلاب پسری بود چهره خود را مانند دختران آرایش می‌کرد؛ به نحوی که از نگاه کردن به چهرهٔ وی شرم می‌کردم؛ اما بعد از انقلاب و شروع جنگ روزی به من گفتند: یک نفری آمده است و با شما کار دارد. دیدم که همان شخص است؛ اما به کلی دگرگون شده بود. امام چنین جاذبه‌ای داشت. چون اخلاصش را مردم دیده بودند، همه دوستش می‌داشتند. حالا وقتی امام علیه السلام این گونه است، دیگر همان‌طور که می‌دانید، هیچ کس را نمی‌توان با عظمت و کمالات حضرت ولی عصر علیه السلام مقایسه کرد. این نمونه‌ها می‌تواند نشانه یک قانون و قاعده‌ای باشد که می‌تواند بسط پیدا کند. چه بسا! روند به سمتی برود که توجه به معنویت هم زیاد بشود. اگر هم برفرض این گونه نشد، می‌توانیم به عامل خارق العاده و اعجاز هم توجه کنیم.

– خیلی متشکرم. از اینکه وقت شریفتان را در اختیار ما قرار دادید سپاسگذاریم.

حضرت مسیح علیه السلام  
می‌آید و با حضرت  
ولی عصر علیه السلام بیعت  
می‌کند و از ایشان  
حمایت می‌کند؛  
بنابراین، حجت بر  
مسیحیتی که بخش  
عظیمی از جمعیت دنیا  
را تشکیل می‌دهند  
تمام می‌شود، حداقل  
بخشی از مردم  
اقبال می‌کنند. یک  
عده نوعاً سکولار و  
لایک هستند، که  
اصولاً حساسیت  
مذهبی ندارند، از این  
برنامه‌های بشری  
خسته می‌شوند. وقتی  
می‌بینند که امام زمان  
علیه السلام با این خصوصیات،  
آرمان‌ها و ایده‌ها است  
جذب ایشان می‌شوند.

کارشناس: حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی\*

# پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی



**سؤال سوم:** می‌گویند: امر ظهور حضرت بقیه‌الله علیه السلام در یک شب اصلاح می‌شود. این را چگونه باید تفسیر کنیم؟

در روایت داریم که «یصلح الله امره فی لیلۃ...»<sup>۱</sup> این به معنی ناگهانی بودن ظهور است. خداوند در همان روایت مثال می‌زند که خدا کار حضرت یوسف را در یک شب اصلاح کرد و از زندان نجات پیدا کرد؛ اما این بدین نیست که یک مرتبه تغییراتی ناگهانی در حوادث جهان رخ می‌دهد؛ بلکه حوادث بسیار طولانی پشت سر این قضیه بوده؛ منتها در یک شب آن تحول اساسی صورت گرفته است؛ یعنی همواره نقاط عطف بر سر راه همه حوادث به وجود می‌آید. این نیز نقطه عطفی در تاریخ است. «یصلح الله امره فی لیلۃ»<sup>۲</sup> بدین معنا نیست که اسباب و معدّات ندارد. اصلاً ربطی به آمادگی‌ها ندارد باید این سخن را این گونه معنا کنیم که بالاخره در یک مقطعی این تحول ناگهانی صورت خواهد گرفت و البته مبتنی بر آن زمینه‌ها و اسباب و علل است؛ چنان که در همان حدیث هم مثال می‌زند.

**سؤال دوم:** جایگاه حکمت و عدالت خداوند در مورد امداد غیبی چطور تبیین می‌شود؟

طبیعتاً اصل این امداد بر مبنای حکمت است؛ زیرا خداوند به کسانی امداد می‌دهد که به او اعتماد و در مسیر خداوند حرکت و ضوابط و قوانین رسیدن امداد غیبی را رعایت می‌کنند. این؛ عین عدالت است و هم مطابق حکمت؛ چون اگر این نصرت و امداد نباشد، نیروهای شیطانی و دنیا پرستان، اجازه نمی‌دهند، مؤمنین رشد کنند. شما در حوادث مختلف تاریخی این را می‌بینید برای مثال اگر امداد الهی بر مسلمانان صدر اسلام نبود، دشمن آنها را نابود می‌کرد. شاید هر روز ده‌ها و صدها مورد امداد الهی را در چهره‌ها دید و این عین عدالت است؛ طبق آیه شریفه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ»<sup>۳</sup>؛ یعنی همان‌هایی که دیگران می‌خواهند آنها را خوار کنند، ضعیف کنند، اراده خداوند بر یاری اینها قرار گرفته است: «وَتَجْعَلْهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلْهُمْ الْوَارِثِينَ»<sup>۴</sup>؛ پس این هم به مقتضای حکمت است؛ زیرا اینها نوعاً کسانی هستند که در زمین به ضعف و استضعاف کشیده شده‌اند، محرومیت کشیده و زجر کشیده‌اند. حرکت تاریخ هم همین را نشان می‌دهد که در یک زمانی خداوند کسانی را یاری می‌کند که مستمر و مستقر و ثابت باشند؛ بنابراین، هم مطابق عدالت است هم مطابق حکمت.

**سؤال اول:** امداد غیبی در ظهور و حوادث بعد از ظهور امام زمان علیه السلام چه جایگاهی دارد؟

امداد غیبی یکی از سنت‌هایی الهی است؛ به این معنا که یکی از قوانین ثابت و تغییر ناپذیر الهی است که اگر زمینه‌های آن فراهم شود، قطعاً جریان پیدا می‌کند؛ یعنی این قاعده «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»<sup>۱</sup> «اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند.» یا در آیات متعدد دیگری با الفاظ بسیار مؤکد این سنت را بیان می‌کند، مثل «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»<sup>۲</sup>؛ در صورت فراهم شدن شرایط این امداد در هر زمانی تحقق پیدا خواهد کرد، خواه در زمان طالوت و جالوت و حضرت داوود باشد؛ چه در صدر اسلام و در بدر و سایر مواقع باشد؛ چه در انقلاب اسلامی و در زمان ظهور باشد؛ اما چون در زمان ظهور مردم دارای آمادگی و نصرت خاصی هستند. طبیعتاً نصرت الهی هم به صورت خاص عرضه خواهد شد؛ البته امداد غیبی مخصوص به زمان ظهور نیست؛ اما در زمان ظهور به دلیل فراهم بودن زمینه‌ها، این امداد بسیار گسترده‌تر از زمان‌های دیگر خواهد بود.

\* مدیر مرکز تخصصی مهدویت.

۱. سوره محمد / ۷.

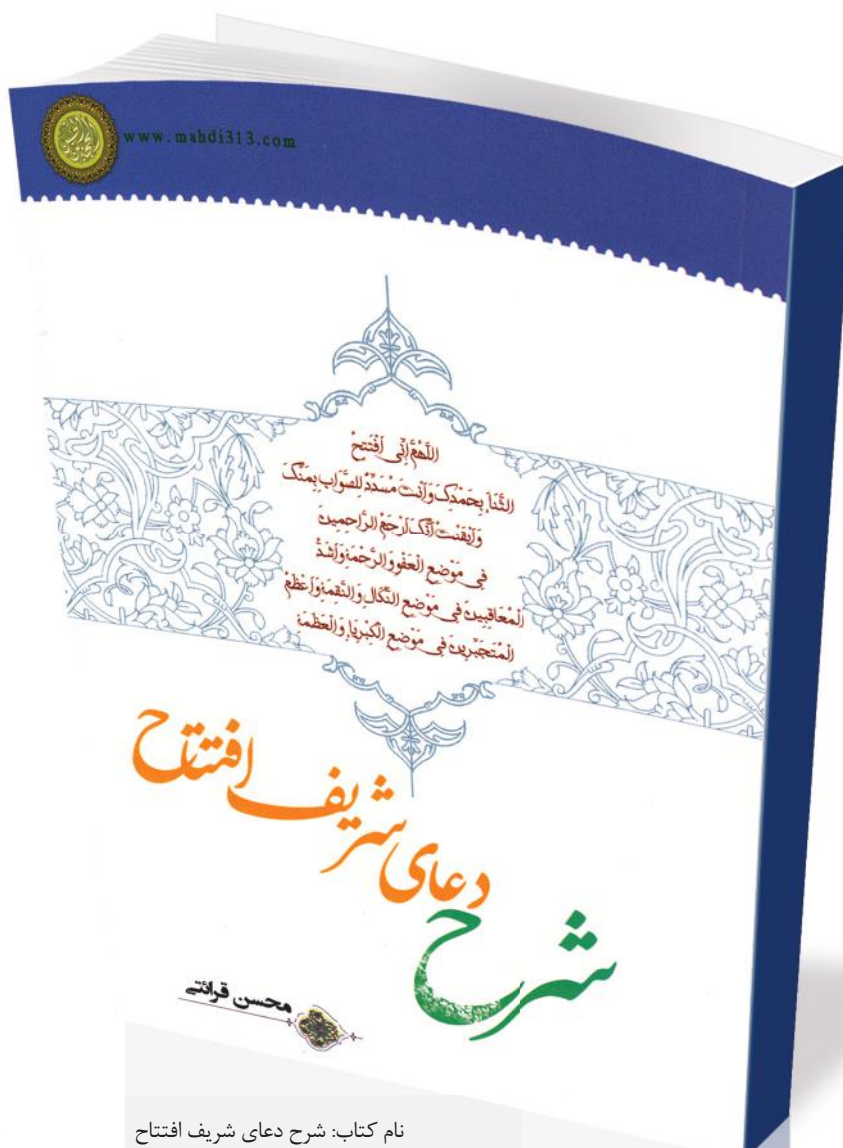
۲. سوره الحج / ۴۰.

۳. سوره قصص / ۵.

۴. همان

۵. اعلام‌الوری با اعلام‌الهدی، فصل سوم، ص ۲۵۴.

۶. همان.



نام کتاب: شرح دعای شریف افتتاح  
نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین  
محسن قرائتی  
ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی  
موعود علیه السلام

یکی از دعاهایی که امام مهدی علیه السلام به نایب دوم خودشان - محمد بن عثمان بن سعید عمری - تعلیم داده است، دعای شریف افتتاح است. علامه مجلسی می گوید: امام زمان این دعا را برای شیعیان نوشته و هر فردی که هر شب در ماه مبارک رمضان آنرا بخواند فرشتگان برای او استغفار می کنند.<sup>۱</sup>

این دعا چون با حمد و ثنای الهی، این گونه آغاز شده است «اللهم انی افتتح الثناء بحمدک» دعای افتتاح نامیده شده است که دارای محتوایی عالی است.

حجت الاسلام والمسلمین حاج محسن قرائتی در سلسله آثار شرح بر ادعیه مهدوی، اثری با عنوان شرحی بر دعای شریف افتتاح نگاشته و تقدیم به منتظران نموده است. در این کتاب بعد از مقدمه کوتاهی درباره جایگاه این دعا و بررسی سند و منبع آن، در سبب و یک فراز و در قالب نکته‌ها و پیام‌ها، مطالب ارزشمندی بیان شده است.

مطالعه این اثر در حقیقت مطالعه مختصر یک دوره معارف و اصول عقائد است، زیرا درس توحید، یادآوری نعمت‌های الهی، امام شناسی، نقش امام در جامعه و آینده شناسی و... در آن نمایان است.

از فرازهای ابتدایی دعا این است: الهی! تنها با ستایشات، زبان به مدح و ثنایت باز می کنم و می دانم که از روی لطفت، توفیق این کار را عطایم کرده‌ای...

فرازهای پایانی، بیانگر شیرینی‌ها و دست آوردهای دولت کریمه‌ای است که سرتاسر خوبی است و این گونه عرض می کنیم: خدایا ما از تو دولتی با کرامت آرزو داریم که اسلام و مسلمانان را به وسیله آن عزیز گردانی و ما را در این دولت، در شمار دعوت کنندگان به اطاعت از خویش قرار ده... الهی! ما به تو شکوه می بریم به خاطر از دست دادن پیامبرمان و دور افتادن از ولّی و سرپرستمان و بسیاری دشمنانمان و کمبود تعدادمان و احاطه شدنمان توسط فتنه‌ها... خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را بر این مشکلات یاری فرما... ای مهربان‌ترین بخشندهگان.

و فرمود: ای علی! آن خدایی که مرا به حق مبعوث کرده و بشیر و نذیرم قرار داده است، وقتی یکی از شما که برمی‌خیزد برای وضو گرفتن، گناهانش از جوارحش می‌ریزد و وقتی به روی خود و به قلب خود متوجه خدا می‌شود از نمازش کنار نمی‌رود؛ مگر آنکه از گناهانش چیزی نمی‌ماند و مانند روزی که متولد شده است، پاک می‌شود و اگر بین هر دو نماز گناهی بکند، نماز بعدی پاکش می‌کند، آن گاه نمازهای پنج‌گانه را شمرد؛ سپس فرمود: یا علی! جز این نیست که نمازهای پنج‌گانه برای امت من حکم نهر جاری را دارد که در خانه آنها واقع باشد. حال چگونه است، وضع کسی که بدنش آلودگی داشته باشد و خود را روزی پنج نوبت در آن آب بشوید؟ نمازهای پنج‌گانه هم به خدا سوگند! برای امت من همین حکم را دارد.

امام همچنان فرمود: خوبست؛ اما آنچه من می‌خواهم نیست. عده‌ای دیگر گفتند: آیه «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةٌ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» «پرهیزکاران کسانی هستند که هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند یا به خود ستم می‌کنند، به یاد خدا می‌افتند؛ از گناهان خویش آمرزش می‌طلبند و چه کسی است، جز خدا که گناهان را ببامزد.»<sup>۴</sup>

این بار هم امام فرمود: خوبست؛ ولی آنچه من می‌خواهم نیست؛ در این هنگام مردم از هر طرف به سوی امام متوجه شدند و همه‌همه کردند فرمود: چه خبر است؟ ای مسلمانان! عرض کردند: به خدا سوگند! ما آیه دیگری در این زمینه سراغ نداریم. امام فرمود: از حبیب خودم رسول خدا شنیدم که فرمود:

امید بخش ترین آیه قرآن این آیه است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَّ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ»<sup>۵</sup> «نماز را در قبل و بعد از ظهر و بخشی از شب به پادار که خوبی‌ها بدی‌ها را نابود می‌کند. این تذکری است برای آنان که اهل تذکرند.»

حضرت علی (علیه السلام) به مردم فرمود: به نظر شما امید بخش‌ترین آیه قرآن کدام آیه است؟ بعضی گفتند آیه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» «خداوند هرگز شرک را نمی‌بخشد و پائین‌تر از آن را برای هر کس که بخواهد می‌بخشد.»<sup>۱</sup>

حضرت فرمود: خوب است؛ ولی آنچه من می‌خواهم نیست. بعضی دیگر گفتند: آیه «وَمَنْ يَعْمَلْ سَوْءًا أَوْ يَطْلُبْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا» «هر کس عمل زشتی انجام دهد یا بر خویشتن ستم کند؛ سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را غفور و رحیم خواهد یافت.»<sup>۲</sup>

حضرت فرمود: خوبست؛ ولی آنچه من می‌خواهم، نیست. بعضی دیگر گفتند: آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» «ای بندگان من که بر اثر گناه بر خویشتن زیاده روی کرده‌اید، از رحمت خدا مأیوس نشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.»<sup>۳</sup>

۱. سوره نساء / ۴۸.

۲. سوره نساء / ۱۱۰.

۳. سوره زمر / ۳۵.

۴. سوره آل عمران / ۱۳۵.

۵. سوره هود / ۱۱۴.

## آیه امید بخش‌ترین

♦ باران رضایی



**عماری نیست!**

بی‌عدالتی را دوست نداشت. از آن رنج می‌برد و به دیگران می‌گفت: «بالاترین عبادت، انتظار بر تحقق یافتن عدالت اجتماعی به دست نازنین امام عصر در سطحی وسیع و گسترده می‌باشد. عزیز من! این یک واقعیت است؛ مدعیان دوستی امامت از زمان پیغمبر خدا زیاد بودند؛ اما کسانی که عمار گونه در رکاب امام بایستند، کم بودند. منتظرین آقا امام زمان خیلی بودند؛ اما آن که به سهم خود حافظ عدالت اجتماعی باشد، چه بسیار کم! در صورتی که خودمان عدالت اجتماعی را رعایت نماییم، چگونه می‌توانیم معتقد به این باشیم.»

**ریشه تمام خطاها**

مرد از بدهکارهایش پول نزول می‌گرفت. در مسجدی می‌آمد و نماز می‌خواند؛ اما حلال و حرام را رعایت نمی‌کرد. سید از رفتار مرد تعجب کرده بود و در صحبت‌هایش او را مثال می‌زد و می‌گفت: «ببینید. دنیا پرستی کار انسان را به کجا می‌کشاند؟ حب دنیا ریشه تمام خطاهاست؛ آن چنان انسان را به زمین می‌زند که چیزی حالیش نمی‌شود. صبح با ایمان بیرون می‌رود و ظهر که بر می‌گردد، چیزی برایش نمانده... رضای خدا را باید هدف قرار داد. عزت و شرف، تحت رضای خداست. دنیایی که بخواهد این حیثیت را از بین ببرد، ارزش ندارد.»

**قلب شکسته!**

اخلاق و رفتار را کنترل می‌کرد. دوست نداشت، کسی از او برنجد یا با کلامی دلی را بشکند. از شکستن قلب دیگران به شدت پرهیز می‌کرد و می‌گفت: «اگر می‌خواهید که قلب امام زمان علیه السلام را خوشحال کنید و نمی‌خواهید که خدای ناکرده، به نفرین آن حضرت مبتلا شوید. مواظب باشید قلب کسی را نشکنید. این یک مسئله حساس و حیاتی می‌باشد. به جان نازنین ایشان! مسئله خیلی حیاتی است.»

# آن سید آزاده!

◀ معصومه سادات میرغنی

**بیش همه عزیز!**

در زندان با همه معاشرت می‌کرد. یگانه کسی بود که خودش را از دیگران جدا نمی‌دید. مدتی گذشت. یکی از اعضای فعال کنفدراسیون آلمان نزدش آمد. کنارش نشست و گفت: «تا حال هر کسی اسم از مکتبش [اسلام] می‌آورد، ناراحت می‌شدم؛ ولی پس از زندگی با عده‌ای از مذهبی‌ها، معلوم شد عیب و نقص‌هایی که ما نسبت به اسلام می‌گرفتم، پیرایه‌ها بود که به اسلام بسته بودند. ما فهمیدیم که حقیقت اسلام چیز دیگری است.»

### اگر بایستی....!

سید دیده بود که راننده کامیون، کسی را ندارد و هزینه درمانش زیاد است. راننده می‌گفت: «مگر خدا بنده‌اش را تنها می‌گذارد؟» اما باز نگران بود: «آخر کجا کاسه گدایی به دست گیرم.» یک لحظه یقین کرد: «خدا، کریم است.» مردی به بیمارستان آمد و چکی برای تمام هزینه‌های راننده داد. سید گفت: «اگر انسان درست عمل بکند، یک لحظه به مرتبه یقینش افزوده می‌شود؛ به شرط آنکه به آنچه یقین دارد، بی‌اعتنایی نکند. برای تقویت یقین، باید پای آنچه یقین داریم، بایستیم. اگر شما یک مقدار صداقت نشان بدهید و دندان روی جگر بگذارید، دست رحمت پروردگار عالم، آن چنان شرایط را فراهم می‌کند که در یک لحظه می‌بینید، یقین انسان‌ها به او افزوده شده است.»

### چادر پر خیر!

چادر عزاداری را پاره کرده بودند. یکی از اوباش محل، مست بود و با چاقو دنبال افراد می‌دوید. نفس زنان گوشه‌ای ایستاد. سید او را به داخل چادر آورد. برایش چای ریخت و بامهربانی با او صحبت کرد. مرد، تمام بدنش لرزید. به سراپای خیمه نگاه کرد. اشکش جاری شد و گفت: «شما عزاداری می‌کنید؛ ولی من مشروب می‌خورم. از فردا می‌آیم و به مردم چای می‌دهم.» مرد دست از کارهای گذشته‌اش برداشت و در کنار سید به عزادارن حسینی خدمت کرد.

### مثل او باش!

نوجوانی در زندان بود که هنوز به تکلیف نرسیده بود؛ امامی گفت: مرا برای نماز صبح بیدار کنید. سید، رفتار نوجوان را بسیار می‌پسندید و به اطرافیان می‌گفت: «شعبة آقا علی (علیه السلام) باید این چنین باشد. مگر نه اینکه او و پیغمبر، پدران این امت هستند؛ مگر نه اینکه پدر امت در محراب نماز شهید شد؟! فرزندان امت اسلام باید با او وجه مشترک داشته باشند.»

### نگذار لبریز شود!

با تمام توان کار می‌کرد. صبر و حوصله‌اش فراوان بود. پستی و بلندی، زیاد دیده بود؛ اما راه عبور از آنها را می‌دانست. همیشه از تجربه‌هایش می‌گفت و دیگران را راهنمایی می‌کرد: «برادران عزیز! ما هم بیاییم پرکار و پرتوان و پر صبر و حوصله با ایمان و تعهد هر چه بیشتر، خود را برای خدمت آماده کنیم. طوری زندگی کنید که کاسه صبرتان در هیچ حالتی لبریز نشود؛ مگر آنجا که رضای خداست. آن وقت است که قدرت شما برای خدمت افزایش می‌یابد و همه نیروهای شما در خدمت بندگی خدا قرار می‌گیرد؛ اما اگر در مقابل مسائل کوچک از پا درآئیم و صبر و حوصله‌مان کافی نباشد و تحمل انسان‌ها را در حد خوبی نداشته باشیم، ظرفیت‌مان کم می‌شود و قدرتمان کاسته می‌گردد و ضعف، سراپای وجود ما را فرا می‌گیرد و تعهد مکتبیان ضربه می‌خورد.»

۱. کتاب‌های مهر نگاه اولیاء و عارف شیدا اثر عبدالمجید رحمانیان، انتشارات امید آزادگان.

درباره شب قدر، سخن‌ها بسیار است و رابطه ویژه‌ای بین این شب و امام عصر علیه السلام وجود دارد؛ زیرا در شب قدر، ملائکه و ملک اعظم از آسمان به زمین نازل می‌شوند و تقدیر امور یک سال را به حضور امام زمان علیه السلام می‌رسانند؛ چرا که هر انسان عادی که لایق چنین شأن و منزلتی نیست؛ بلکه کسی می‌تواند میزبان فرشتگان الهی باشد که از طرف پروردگار تدبیر امور عالم و عالمیان به او واگذار شده و خلیفه خدا در زمین می‌باشد. شاید این سؤال در ذهن بیاید که آیا شب قدر فقط در زمان پیامبر بوده است و پس از وی این فریضه از میان برداشته شد؟

اما باید دانست آن چنان که از محتوای سوره قدر به‌روشنی فهمیده می‌شود، شب قدر، هر سال تا قیام قیامت وجود دارد و فرشتگان همراه با ملک اعظم (روح) هر ساله در آن شب به زمین می‌آیند و هر امر و تقدیری که از سوی خدای سبحان معین شده است، برای یک سال، یعنی تا شب قدر آینده نازل می‌کنند. این واقعیت از نخستین روز خلقت بوده و بر نخستین پیامبر و وصی او نازل می‌شد و تا قیام قیامت این کار ادامه دارد؛<sup>۱</sup> زیرا زمین از نخستین روز خلقت تا آخرین روزهای دنیا بی‌حجت نخواهد بود. قدر، مقدرات امور عالم را به وسیله ملائکه نزد آن حجت بر زمین خواه پیامبر باشد و خواه جانشین او می‌فرستد.

همگان متفق القول هستند که در زمان رسول خدا محل نزول فرشتگان، وجود مبارک آن حضرت بوده است. پس از او وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام و سپس ائمه طاهرين يکي پس از دیگری و امروزه

به محضر امام زمان حضرت مهدی علیه السلام نازل می‌شوند و این کار همه ساله تکرار می‌شود. از ظاهر آیه شریفه «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْتِينَ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ»<sup>۲</sup> نیز ادامه این امر استفاده می‌شود؛ زیرا فعل مضارع استمرار و دوام را می‌رساند؛ پس فرشتگان و روح، پیوسته و همواره فرود می‌آیند؛ بنابر این بر خلاف نظر برخی از مفسرین معروف اهل سنت شب قدر از روزگار پیامبر تاکنون ادامه یافته؛ زیرا از ابوذر غفاری روایت شده است که گفت: به رسول خدا گفتم: ای پیامبر! آیا شب قدر و نزول فرشتگان در آن شب، فقط در زمان پیامبران وجود دارد؟ فرمود: نه؛ بلکه شب قدر تا قیام قیامت هست.<sup>۳</sup>

در اینجا باید به این نکته اشاره کنم که وقتی شب قدر در هر سال و تا قیام قیامت ادامه دارد؛ پس باید صاحب شب قدر نیز برای همیشه وجود داشته باشد؛ و گرنه فرشتگان بر چه کسی فرود آیند و کتاب تقدیر را نزد چه کسی بگشایند و به اذن خدا به چه کسی بپارند؟

همان گونه که قرآن تا قیام قیامت هست، حجت خدا در زمین نیز باید وجود داشته باشد و معلوم است که پس از رحلت پیامبر - این منصب و مقام به جانشینان او واگذار شده است. حضرت علی علیه السلام درباره وجود شب قدر در هر سال و وجود حجت خداوند در هر زمانی این چنین می‌فرمایند: «شب قدر در هر سالی هست. در این شب امور همه سال [تقدیرها و سرنوشت‌ها] فرو فرستاده می‌شود. پس از گذشت پیامبر نیز این شب صاحبانی دارد.»<sup>۴</sup> جالب اینجاست که در تفسیر حدیث ثقلین حتی اهل سنت نیز در مواردی به این

حقیقت اعتراف کرده‌اند که وقتی قرآن برای همیشه تا قیامت هست، باید عترت نیز که در این حدیث در کنار قرآن تا قیامت باشند. این حجر مکی شافعی در کتاب الصواعق المحرقة می‌گوید: احادیثی که از پیامبر رسیده و در آنها تأکید شده است، بر پیروی از خاندان پیامبر و چنگ زدن به هدایت آنان، می‌فهماند که همیشه تا قیامت کسی از خاندان پیامبر وجود دارد که شایسته رهبری و هدایت است؛ چنان که قرآن نیز تا به قیامت رهبر و هادی است و برای همین آیه همیشه کسی از ایشان در جهان هست [آنان سبب ایمنی و بقا برای اهل زمین‌اند...]<sup>۵</sup> همچنین حدیث ثقلین علاوه بر اثبات اصل امامت، ادامه یافتن آن را نیز اثبات می‌کند و علمای بزرگوار از طریق حدیث ثقلین دلیل بر امامت علی علیه السلام و امامت ائمه اثنا عشر را به طور عموم گرفته است؛ علاوه بر این، آن را به طور اخص دلیل بر امامت امام زمان علیه السلام گرفته است؛

بنابراین از مجموع این مطالب، معلوم می‌شود که صاحب شب قدر، حضرت حجة‌ابن‌الحسن علیه السلام است و حجت خدا و وصی اولیا و خلیفه رسول‌الله و معصوم از هر گناه و پلیدی است و فقط او که چنین مقامی را دارد. فرشتگان الهی در شب قدر، برنامه یک‌ساله هستی را بر او عرضه می‌کنند.■

\* دانش پژوه مرکز تخصصی مهدویت .

۱. کافی: کتاب الحجة، باب فی شان انا انزلناه، ج ۲.

۲. سوره القدر / ۴.

۳. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۱۵.

۴. همان، ج ۲.

۵. عباة الانوار، ج ۳، ص ۱۵۱.

# صاحب شب قدر

تقی علیپور<sup>۱</sup>





داستان‌های کوتاه  
از زندگی حضرت علی (علیه السلام)

# آن مرد خدا

♦ باران رضایی

## سه شرط دارم

کسی حضرت را به میهمانی دعوت کرد. حضرت پذیرفت؛ اما برای آن مرد شروطی گذاشت و فرمود: سه شرط دارم که اگر قبول می‌کنی، به خانه‌ات خواهیم آمد. مرد به امید میزبانی حضرت، شرط‌ها را نشنیده، پذیرفت.

حضرت فرمود: شرط اول: از هر چه در خانه داری، برای ما بیآوری و از بیرون چیزی تهیه نکنی. دوم: چیزی را که در خانه‌داری دریغ نکنی و سوم: زن و فرزندان را به سختی نیندازی.

## اتفاق در نماز

آیه اتفاق نازل شده بود: «سرپرست

شما فقط خداست؛ رسول خداست و آنان که ایمان آورده‌اند؛ همانان که نماز را به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات و صدقه می‌دهند».

همه کنجکاو بودند و می‌خواستند بدانند که این موضوع چیست و این آیه در مقام چه کسی نازل شده است.

آن روز، اصحاب به همراه پیامبر سمت مسجد می‌رفتند که دیدند مرد فقیری از مسجد بیرون می‌آید.

پرسیدند: پیرمرد! آیا در مسجد، کسی کمکی به تو کرد؟

مرد فقیر رو به مسجد کرد و با دست به حضرت علی (علیه السلام) اشاره کرد و گفت: آری! آن مرد که در حال نماز است انگشترش

را به من داد.

## خدا را خدا را درباره قرآن

زهر شمشیر اثر کرده و حالا فقط دستور پزشکی، خوردن شیر است. بیرون خانه پر از یتیمان شیر به دست است. اهل بیت و یاران هم در خانه نگران حضرت‌اند؛ اما علی، نگران دنیا و آخرت مردم است و در این آخرین دقایق هم سفارش آنان را می‌کند: به شما دو تن و همه فرزندان و خانواده‌ام و هر کس که سخنم به او می‌رسد، «خدا ترسی» و «نظم» و «آشتی دادن بین مردم» را وصیت می‌کنم... خدا را خدا را درباره ایتام؛ خدا را خدا را درباره همسایگان، خدا را خدا را درباره قرآن؛ خدا را خدا را درباره نماز!

# به این کتاب ظلم نکنیم

◀ به کوشش: صالح صادقی

## مطلب ویژه

... از نام آن مطلب و ارتباط آن با این مطلب بگذریم. این مهم است که شما چند لحظه با تمام وجودتان این چند خط را بخوانید؛ چون بسیار بسیار مهم است.

همگی به دفعات این تجربه را داشته‌ایم که ماه خرداد، چند دقیقه مانده به شروع امتحان، شرایطی به وجود می‌آید که گویا دانش‌آموزان، کتاب را بلعیده‌اند. اگر در این وضعیت از آنها سؤالی بپرسید، بدون

سلام به همه دوستان... تابستان خوش می‌گذرد... آن را چگونه می‌گذرانید؟ برای جواب این سؤالم لیستی ردیف می‌کنید که آدم متحیر می‌شود؛ پس به صراحت بگویید که شما در هر موقعیتی که باشید، ما برای شما کار خاصی انجام نمی‌دهیم. خواندن این مطلب را از دست ندهید: تابستان سال پیش مطلبی خواندم که باعث نوشتن این مطلب شد.



کنید که شما راحت ترید و با آن سوره بیشتر انس دارید؛ اما این کاملاً بستگی به خودتان دارد که چه روشی رو می‌پسندید...

■ برای شروع، چه روش جزئی و چه روش سوره‌ای، بهتر است که از سوره‌های جزء سی شروع بشود؛ چون این سوره‌ها معمولاً بیشتر تکرار شدند و حفظشون هم آسان‌تر است. مربیان حفظ می‌گویند: هر کس بتواند جزء سی را حفظ کند، می‌تواند حافظ کل بشود.

■ نکته بسیار مهم این است که در حفظ قرآن مهم‌تر از حفظ، تثبیت و مرور آیات حفظ قبلی است.

■ به یاد داشته باشید که به جای کمیت، کیفیت مهم است؛ یعنی سرعت زیاد آن‌قدرها مهم نیست، یک نفر در عرض یک سال حفظ می‌کند، بعد در عرض سه سال تثبیت؛ دیگری در عرض چهار سال حفظ می‌کند؛ به یاد داشته باشید که هدف ما انس بیشتر با آیات خداست.

■ بر اساس تجربه شخصی خود اطمینان خاطر می‌دهم که توانایی حفظ شما با مرور زمان افزایش پیدا می‌کند؛ یعنی اگر از هفته‌ای ۱/۵ صفحه شروع کردید، کم کم به جایی می‌رسید که روزی ۱/۵ صفحه حفظ هم برایتان مشکل نباشد.

### نکته‌ای درباره کلاس‌های حفظ

برخلاف آنچه مشهور است، به نظر من، دانش آموزان دوره دبیرستان و راهنمایی خیلی راحت تر از دبستانی‌ها حافظ می‌شوند. چرا؟ چون ما در حفظ از ابزار ترجمه و فهم عبارات خیلی کمک می‌گیریم؛ در صورتی که آنها مبتنی بر تکرار حفظ می‌کنند؛ البته نباید فراموش شود که حفظ تکراری مبنی بر تکرار بدون توجه به ترجمه دیر به دست می‌آید؛ اما دیر هم فراموش می‌شود؛ در حالی که حفظ با ترجمه ممکن است زود هم فراموش شود.

گاهی نظری به تفاسیر نمونه، نور و... بنده‌ازید.

■ هروقت و هر جا راحت هستید، حفظ کنید؛ حتی پشت میز، زیر پتو کنار کولر نصف شب، بین الطلوعین.

### کلام آخر:

از حفظ کردن لذت ببرید و در پایان حفظ هر روز از خدا تشکر کنید که توانائی و توفیق حفظ یک آیه دیگر را هم به شما داد و داعی برای سلامتی و تعجیل حضرتش بکنید. به گمان من مستجاب است: لئن شکرتم لأزيدنکم داعی برای ما هم بکنید که سخت محتاجیم.

ببینید، دوستان خوب! بیایید، قبول کنیم برای آشنایی با قرآن، واقعاً سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم. شاید از نظر شما، راه‌های زیادی برای مانوس شدن با قرآن وجود داشته باشد. حرف شما درست است اما از من بشنوید که بهترین و مطمئن ترین راه برای حفظ کتاب، مانوس شدن با آن است. برای حفظ قرآن من می‌توانم هزارو یک دلیل بشمارم که تمام صفحات مجله را پر کند... یکی از دلایل آن را هم ذکر کردم که چطور

با وجود تظاهر به اسلام هنوز هم به طور شایسته با کتاب خودمان دوست نشده‌ایم؛ البته دشمن نیز با نوشتن آیات شیطانی و قرآن سوزی درصدد مبارزه با انقلاب و دین بوده است. شما نمی‌خواهید قرآن مجید را از سوختن حفظ بکنید. در اینجا انسان به مقام بزرگ حافظان پی می‌برد که اگر قرآن بسوزد هیچ اتفاقی پیش نمی‌آید؛ چون قرآن درسینه‌های ما محفوظ است. روایات آخرالزمان را بخوانید به قرآن چقدر جفا خواهد شد! ما نباید با حفظ قرآن حافظ روح قرآنی بشویم؟! علاوه بر این حرف‌ها صبح جمعه به آقایمان بتوانیم بگوییم: آقا جان! من برای نزدیک شدن ظهور و شادی دل شما قرآن مجید را حفظ می‌کنم تا قرآن هم مرا حفظ کند.

وادی حفظ لذت‌هایی دارد که فقط حفاظ آن را می‌چشند. با بعضی از آیات دوست می‌شوند و در تنهایی‌ها برای خود زمزمه می‌کنند. می‌دانی آیه دوست من کدام است؟ این آیه: اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ «و بدانید خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. نشانه‌ها را برای شما بیان می‌کنیم شاید شما فکر کنید.»

منظور این آیه، ظهور امام زمان و مولای من و توست.

این چند نکته برای حفظ قرآنی، مناسب است:

■ وضو بعد دو رکعت نماز و از خدا و چهارده معصوم توفیق بخواهید.

■ برای حفظ، قرآنی را بردارید که به خط عثمان طاه باشد ترجیحاً این قرآن، معنی هم نداشته باشد (برای استفاده از معانی از قرآن دیگری استفاده بکنید) و باز ترجیحاً کوچک باشد.

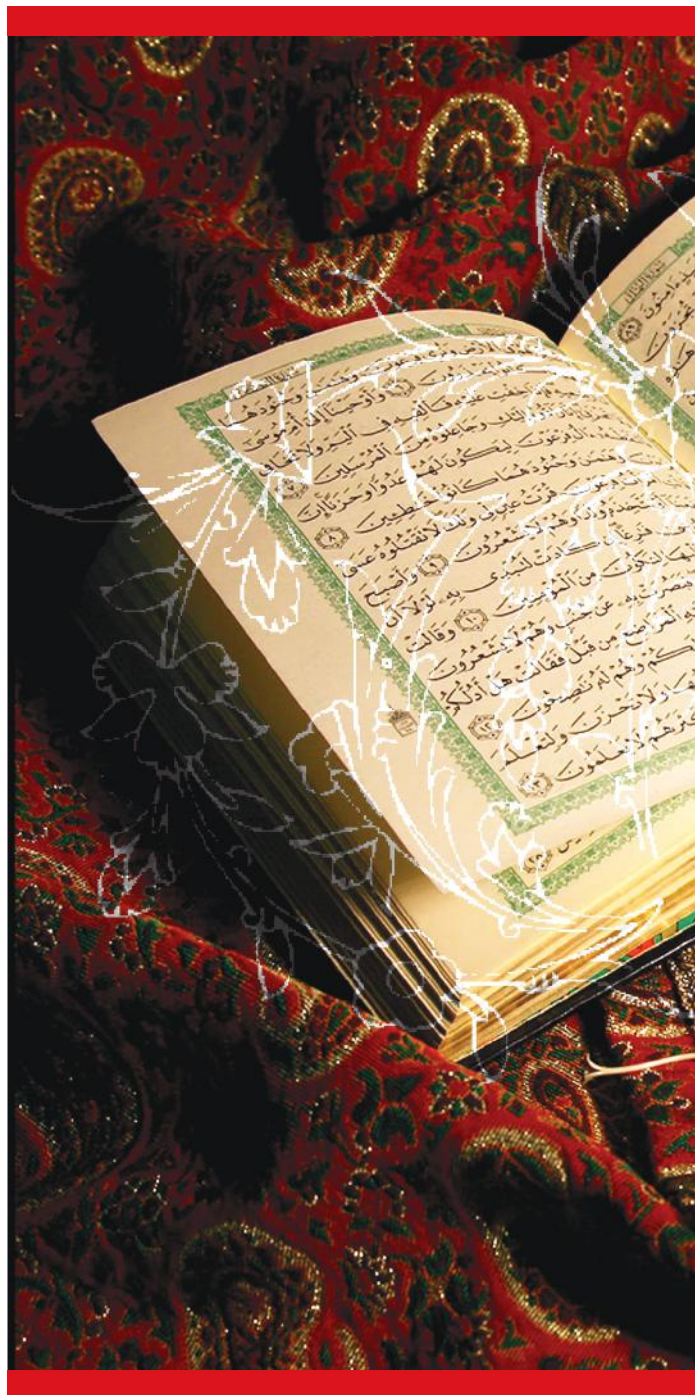
(انواع حفظ کردن: روش سوره‌ای؛ روش جزئی.

معمولاً بیشتر در کلاس‌ها روش جزء به جزء اجرا می‌شود؛ یعنی: اول جزء سی بعد یک، دو، سه تا آخر و در روش سوره‌ای با سوره‌ای شروع

حالا کتاب دین و دنیا را ورق بزنید و به این سؤالات پاسخ دهید: آیات امر به معروف و نهی از منکر را در سوره آل عمران پیدا کنید... سختش نمی‌کنم سوره مؤمنون را بیابید... سوره ملک، سوره ابراهیم، سوره نوح. خوب! چقدر طول کشید؟ حالا آیه ۵ سوره اسحق را بیابید. پیدا شد؟ نه! اصلاً چنین سوره‌ای وجود دارد؟! فکر کنم منظورم را فهمیدید...

درنگ و با لذتی خاص و همراه با ذکر شماره صفحه به شما پاسخ می‌دهند. ممکن است که این حال را خود شما هم درک کرده باشید. معمولاً همه دانش‌آموزان در هر دوره‌ای بدون توجه به ماهیت درس این ویژگی را پیدا می‌کنند؛ اما چرا این گونه است؟

معلوم است؛ چون همه ما در طی ۸-۹ ماه با این کتاب‌ها زندگی کرده‌ایم و با آنها مانوس شده‌ایم.



# اوباق قرآنش

## شناسایی شد

مهدی اعتمادی

خیلی از موقعیت‌ها برای یادگیری، ختم یا حفظ قرآن استفاده می‌کردند و کام دل خود را با قرآن سیراب می‌کردند. شهدا با تلاوت قرآن و تفکر در آیات قرآن مجید، تردیدهای دل خود را درمان می‌کردند و در راه خود مقاوم تر و استوار تر گام بر داشتند. زمین بر آسمان فخر می‌فروخت که این چنین قدم‌هایی روی او گام بر می‌دارند. حتی متفکران و نظریه پردازان بین‌المللی هم نتوانستند به این گام‌ها برسند؛ چرا که جهانیان را مبهوت استقامت خود کردند. آنان با اتکا به قرآن کریم توانستند چنان نیرویی کسب کنند که در مقابل دشمنان پیروز شوند.

در اینجا به گوشه‌هایی از انس شهدا با قرآن اشاره می‌شود.

«شهید مهدی سخایی» پیوسته در هر شب، سوره واقعه را تلاوت می‌کردند. بیشتر مواقع بعد از خواندن چند آیه، هق‌هق گریه‌اش بلند می‌شد و دوباره از اول سوره، شروع به خواندن می‌کرد.

■ رابطه «شهید حسین علم الهدی» با قرآن به حدی بود که لحظه‌ای از قرآن جدا نمی‌شد و آیه‌های قرآن با تار و پود وجودش عجین شده بود. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: وقتی خبر شهادت سید حسین علم‌الهدی را شنیدم، بلافاصله شهادت حافظان قرآن در صدر اسلام به ذهنم خطور کرد؛ زیرا در عملیات نصر در هویزه، مظلومانه با یارانش به شهادت رسید و با تانک بر روی پیکر مطهر آنان رفتند و بدن مطهر او و هم‌زمانش از بین رفت. وقتی هویزه آزاد شد، حدود یکسال و نیم از ماجرای شهادت دلخراش او و هم‌زمانش می‌گذشت و با همت دوستان و

بانگاهی به سیمای فرهنگی بعد از ظهور به این نکته پی‌می‌بریم که مردم بیش از پیش به سمت قرآن روی می‌آورند. قرآن و تلاوت آن، جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند و دستوره‌های معنوی آن در متن زندگی مردم به وضوح مشاهده می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «گویا شیعیانمان را در مسجد کوفه می‌بینم که خیمه زده‌اند و قرآن را همان گونه که نازل شده است، به مردم یاد می‌دهند...»<sup>۱</sup>

همچنین با نگاهی به ویژگی‌های یاران امام عصر مشاهده می‌کنیم که آنان انس و علاقه‌ای عجیب با قرآن دارند و بوستان جانشان همواره از گل‌های زیبای قرآن معطر و سرسبز است. با خواندن آیات دلنشین کتاب دوست، قدرت معنوی خاصی پیدا می‌کنند و قلب خود را جلا می‌دهند. درباره آنها این چنین بیان شده است که «دیدگانیشان را با قرآن همانند صیقل دادن کمان صیقل می‌دهند و نورانی می‌کنند.»<sup>۲</sup> آنان این سرمایه معنوی را از امام عصر (علیه السلام) هدیه گرفته‌اند؛ چون درباره امام عصر (علیه السلام) این چنین بیان شده است که «همه هوس‌ها و سلیقه‌ها را طبق قرآن باز می‌گرداند؛ بعد از آن که مردم قرآن را طبق هوس‌ها و سلیقه‌های خود باز گردانده باشند.»<sup>۳</sup>

شهادی عزیز ما نیز چون در مکتب انتظار رشد پیدا کرده بودند، با الگو گرفتن از یاران واقعی امام عصر (علیه السلام)، همواره با قرآن همنشین بودند و انس و الفتشان با قرآن بسیار زیاد بود. صبح، جبهه‌ها وقتی آفتاب از پشت خاکریزها بالا می‌آمد و نور خود را به رزمندگان هدیه می‌کرد، احساس شرمندگی می‌کرد؛ چرا که آن مجاهدان راستین راه خدا با تلاوت آیات قرآن در شبانگاهان و صبح‌گاهان، چنان دل خود را نورانی می‌کردند که نور خورشید هم در مقابل عظمت نور آنها سر فرود می‌آورد. در برخی مواقع، مثل ایام ماه رمضان جبهه‌ها یک پارچه غرق قرآن می‌شد. مجالس روخوانی و قرائت قرآن رونق ویژه‌ای داشت. در

کاری مهم‌تر از خواندن قرآن نیست؟! شهید غلامرضا صالحی نگاهی به او کرد و با تبسم گفت: «قرآن به انسان آرامش و نیرو می‌دهد و من در این شرایط به این نیرو و آرامش نیاز دارم. دقایقی به خواندن قرآن ادامه داد و بعد قرآن را بوسید و در جیب روی سینه‌اش گذاشت و همراه با بچه‌های آرپی‌جی زن به داخل یک کانال رفت. باران گلوله‌های تانک، لحظه به لحظه شدیدتر می‌شد. ناگهان غلامرضا با یک حرکت، خود را جلوی تانک دشمن رساند و آن را هدف قرار داد و به آتش کشید. با توقف این تانک، تقریباً جاده مسدود شد و در عرض چند دقیقه تعداد دیگری تانک متوقف شدند. صدای «الله اکبر» بچه‌ها از هر سمت و سویی به گوش می‌رسید. غلامرضا بار دیگر آرپی‌جی را آماده کرد؛ ولی این بار قبل از فریاد تکبیر، گلوله‌ای هوا را شکافت و بر پیشانی بلندش نشست. صدای آخرین «الله اکبر» او روحش را به پرواز درآورد.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۸، ج ۳.

۲. کاظمی، بشاره السلام فی ظهور صاحب الزمان،

ص ۲۹۷، به نقل از نسل طوفان.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰.

تکرار آیات حفظ شده، چند عدد از آنها را به بچه‌های کوچک جایزه می‌داد.

■ سردار شهید حمیدرضا نوبخت همیشه قرآنی کوچک به همراه داشت و آن را موقع نماز می‌خواند. وقتی او دعا و قرآن می‌خواند، دوستانش هم از شدت گریه او به گریه می‌افتادند.

■ بسیاری از رزمنده‌ها در اوج نبرد، به قرآن متمسک می‌شدند و نیرو می‌گرفتند. در حالات «شهید غلامرضا صالحی» این طور نقل شده است که دشمن در حال نزدیک شدن بودند؛ حلقه محاصره لحظه به لحظه تنگ‌تر می‌شد؛ از یک سو نیروهای ما خسته بودند و به استراحت نیاز داشتند و از سوی دیگر، ارتباط ما با نیروهای خودی قطع شده بود؛ خاکریزهای کوتاه کنار جاده کاملاً در تیررس تانک‌های دشمن قرار داشت. در چنین موقعیت حساسی که بچه‌ها هر یک به کاری مشغول بودند، شهید غلامرضا صالحی بدون توجه به این همه هیاهو در گوشه‌ای نشست و در حالی که قرآن کوچکی در دست داشت، آرام آرام آن را زمزمه می‌کرد. یکی از رزمنده‌ها از او پرسید: برادر عزیز! آیا در این وضعیت،

خانواده شهیدای هویزه، بدن‌های مطهر آن عزیزان پیدا شد؛ ولی از آنجا که در اول جنگ بودند و به آنها پلاکی نداده بودند، امکان شناسایی بدن‌های آنها وجود نداشت؛ ولی برخی از این شهدا با نشانه‌هایی شناسائی شدند. در میان آنها بدن مطهر شهید سید محمد حسین علم‌الهدی با قرآن کوچکی که همیشه در جیب داشت، شناسایی شد. ■ سردار شهید اسماعیل فرخی نژاد همیشه در جبهه‌ها با صوتی زیبا قرآن را به نحوه صحیح می‌خواند، به گونه‌ای که علاوه بر دلیری و مدیریت نیروهایش در طول مبارزه، صدای زیبای ایشان نیز زیانزد بود. اگر درگیری خاصی با دشمن در پیش نبود، کلاس قرآن و همچنین کلاس‌های دینی و مذهبی برگزار می‌کرد.

■ «شهید ابراهیم احمدی پور فعالی» درباره با حفظ قرآن، بسیار جدی بود و همواره برادرش را به این کار تشویق می‌کرد و جوایزی به او هدیه می‌کرد. گاهی هم با شکلات‌هایی که هر روز می‌خرید و در قبال



# در کوچه‌های فاصله

## تنها نشسته‌ام

◀ به کوشش: مهدی دیلمی

سید مصطفی حسینی راد، متولد ۵۵۳۱ هـ.ش، شهر مشهد مقدس است. با این حال که رشته تحصیلی‌اش ریاضی بود، اواخر دوره دبیرستان به شعر و ادب علاقه‌مند شد؛ به همین علت، شرکت در محافل ادبی و هنری اداره ارشاد اسلامی را جدی گرفت. آثار سید به صورت پراکنده در فصل نامه‌های شعر، همشهری، اهل قلم و... به چاپ رسیده است. ایشان در نگارش مقالات ادبی و نقد شعر و فیلم هم فعالیت می‌کند:

در کوچه‌های فاصله تنها نشسته‌ام  
دور از شعاع گرم رخت، سرد و خسته‌ام  
چشمم به جاده تا تو بیایی غروب شد  
اما هنوز پنجره‌ها را نبسته‌ام  
حس می‌کنم که بی تو، ترک می‌خورد دلم  
حس می‌کنم که بی تو، غروری شکسته‌ام  
هر شب نگین سبز قنوت‌م خیال توست  
از هر چه غیر قبله چشم‌ت گسسته‌ام  
تا در نگاه مضطرب‌ت آه نشکفد  
آرام بغض حنجره‌ام را شکسته‌ام  
باشد! دوباره حرف، تو اما نگاه کن  
اینجا در این کویر، چه تنها نشسته‌ام

محمود شریفی متخلص به «کمیل»، مهر ماه سال ۱۳۵۰ مشهد اردهال کاشان پا به عرصه گیتی نهاد که سهراب سپهری دلباخته آن بود و همانجا هم به خاک سپرده شد. از سال ۱۳۶۶ هـ.ش وارد عرصه شعر و شاعری شد و در سال ۱۳۷۹ هـ.ش موفق به اخذ مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی شد. اشعار ایشان در نشریاتی؛ چون: قدس، رسالت و ... به چاپ رسیده است. از آثار منتشر شده کمیل می‌توان به از نسل پرستوها (مجموعه شعر دفاع مقدس)، دوباره محرم، شور شیدایی اشاره کرد:

جاریست شور یاد تو در لحظه‌های من  
لبریز می‌شود ز نوای تو نای من  
بغض شکسته، خسته صدا می‌زنم تو را  
گل کرده یاد سبز تو در های‌های من  
مأیوس از نگاه تو هرگز نمی‌شوم  
غرق است در اجابت چشم‌ت دعای من  
آویختم به راه تو، فانوس اشک را  
پیداست بر کرانه شب، رد پای من  
تا میهمان سفره تنهایی‌ام شوی  
یک شب بساز با دل درد آشنای من  
بر دست انتظار شکیبایی مرا  
یا ایها العزیز دعا کن برای من

نامش مجتبی تونه‌ای، متولد کاشان؛ اما خود در این باره گوید: «شناسنامه‌ام متولد کاشان است؛ اما خودم فرزند قمم». دوران کودکی و تحصیلات خود را در قم گذراند و پس از گرفتن دیپلم برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شد. وی در بیشتر همایش‌های سراسری شعر دفاع حضور داشته و شعرهایش در مجموعه‌ها و جنگ‌های ویژه هشت سال حماسه، انتشار یافته است. آثار منتشر شده تونه‌ای چراغ تکلیف مرا روشن کن؛ شکستنی شده‌ام؛ پا به پای ابراهیم؛ از عشق تا دهمشق؛ موعودنامه و...

بی تو چه سخت می‌گذرد روزگار من  
خود را به من نشان بده آینه‌وار من

ای آفتاب خیره به راحت نشستام  
رحمی به حال دیده چشم انتظار من  
هر شب برای آمدنت گریه می‌کنند  
سجاده و دو دیده شب‌زنده‌دار من  
امید بسته‌ام که می‌آیی و می‌کشی  
دستی بر این دل این دل امیدوار من  
دل را برای آمدنت فرش کرده‌ام  
بشتاب ای امید دل بیقرار من  
دست دعا و اشک و نیاز ظهور تو  
کی مستجاب می‌شود این انتظار من

فاضل نظری سال ۱۳۵۸ هـ.ش در شهر خمین متولد شد. تحصیلات اولیه اش را در شهر خوانسار گذراند و مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت صنعتی گرفت. با این حال که رشته‌اش با ادبیات سازگاری ندارد، آثار و اشعار ایشان بسیار ناب و زیباست. از این شاعر جوان کشورمان سه مجموعه شعر «اقلیت»، «گریه‌های امپراطور» و «آنها» به چاپ رسیده است که هر کدام از این مجموعه‌ها به دلیل استقبال، چندین بار تجدید چاپ شده‌اند.

هنوز گریه بر این جویبار کافی نیست  
ببار ابر بهاری ببار کافی نیست  
چنین که یخ زده تقویم‌ها هر روز  
هزار بار بیاید بهار کافی نیست  
به جرم عشق تو بگذار آتشم بزنند  
برای کشتن حلاج دار کافی نیست  
گل سپیده به دشت سپید می‌روید  
سپید بختی این روزگار کافی نیست  
خودت بخواه که این روزگار سر برسد  
دعای این همه چشم انتظار کافی نیست

قاسم صرافان، شاعر آئینی توانای کشورمان متولد دی ماه سال ۵۱۳۵ هـ.ش شهر آبادان است. خودش می‌گوید: نامم و طبع شعریم را از مرحوم پدر بزرگم به ارث بردم. از دوره راهنمایی متوجه این طبع لطیف شد و تا به حال اشعار و آثار زیادی از خود به‌جا گذاشته است. تحصیلاتش را در دانشگاه اصفهان تا کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر گذرانده و هم‌اکنون ساکن تهران است. دو مجموعه شعرش در جایزه کتاب فصل سیزدهم و بیستم برگزیده شده است. مجموعه از آهو تا کبوتر او در جشنواره گام اول ۷۰۰ کتاب شعر برنده شده است.

لطفی کن و نپرس چرا عاشقت شدیم  
حتما دلیل داشت که ما عاشقت شدیم  
در حیرتم که عشق از آثار دیدن است  
ما کورها ندیده چرا عاشقت شدیم  
اثبات می‌کنیم بفرما قسم که هست  
باور نمی‌کنی به خدا! عاشقت شدیم  
کی عاشقت شدیم فراموشمان شده  
بابا مهم که نیست کجا عاشقت شدیم  
گفتند: پشت ابری و ما خوش خیال‌ها  
چون کودکان سر به هوا عاشقت شدیم  
دیدیم سخت بود کمی لایقت شویم  
رفتیم و با دو بند دعا عاشقت شدیم  
یک ذره عقل هم که خدا لطف کرده بود  
کردیم نذر عشق تو تا عاشقت شدیم  
بی‌اعتنا به میل تو و آبروی تو  
گفتیم مثل شاه و گدا عاشقت شدیم  
این میوه‌ها رسیده و یاران گرسنه‌اند  
اینجا که کوفه نیست بیا عاشقت شدیم

عبدالله جه

# تقویت ولایت‌مداری در مدرسه دعا

♦ علی حسین رضایی

یا خیر الجاهات



خود بدانند، به یقین دست از پا خطا نمی‌کند. امام رضا (علیه السلام) این دعا را به اصحاب خود آموزش دادند: امام، شاهد تو - خدا - بر بندگانت است.<sup>۱</sup>

## ز. تجدید میثاق با امام

تجدید میثاق و اعلان وفاداری به امام، باعث پشت‌گرمی داعی (دعا کننده) و صبر او در برابر مشکلات می‌شود. درحقیقت، اعلان وفاداری موجب می‌شود تا دعا کننده تمام موانع ایمان را به جان بخرد. غبارها را از چهره دین بزداید. او با این کار، تجدید قوا می‌کند و احساس سرخوردگی را از دین می‌زداید؛ لذا ادعیه راهی است که انسان آمادگی‌اش را به امام واجب الطاعه خود ابراز کند. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: امام (علیه السلام) در هنگام حج، نگاهی به مردمی کردند که در حال طواف کعبه بودند؛ سپس فرمودند: در زمان جاهلیت هم مردم همین گونه خانه خدا را طواف می‌کردند. همانا مردم به طواف این خانه امر شدند تا به نزد ما کوچ کنند و ما را به ولایت و دوستی‌شان نسبت به ما آگاه کنند و باری‌شان را به ما ابراز کنند.<sup>۲</sup>

مستحب است که بعد از نماز صبح خوانده شود: خدایا! در این روز و هر روز برای امام زمان (علیه السلام) این عهد و عقد و بیعتی که بر گردن من است را تجدید می‌کنم. خدایا! این بیعت تا روز قیامت بر عهده من است. اللهم إني أجدد له في صبيحة هذا اليوم، و ما عشت به في أيامي عهدا و عقدا و بيعة له في عنقي، لا أحول عنها و لا أزل أبدأ.<sup>۳</sup>

۱. المزار الكبير، ص ۶۶۴-۶۶۶.

۲. سوره نساء/۵۹.

۳. المزار الكبير، ص ۶۶۴-۶۶۶.

۴. مصباح المتعبد، سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۴۱۰.

۵. سوره يوسف/۵۳.

۶. سوره نازعات/۴۰.

۷. مصباح المتعبد، ج ۱، ص ۴۱۰.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۲.

۹. المزار الكبير، ص ۶۶۴-۶۶۶.

و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر (أوصیای پیامبر) را!» در دعای عهد، شوق پیروی از امام چنین آمده است: «الْمُسَارِعِينَ فِي حَوَائِجِهِ، الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ»<sup>۴</sup>. خدایا! مرا از کسانی قرار بده که در انجام دادن خواسته‌های امام شتاب می‌کنند و از کسانی قرار بده که فرامین او را به سرعت انجام می‌دهند.

## ج. دعا برای امام

دعا کردن برای کسی نشان از درجه دوستی به او است. و نشان می‌دهد که شخص خود را فدای مولای خود می‌کند؛ زیرا با آن که خود بیشتر به دعا محتاج است؛ اما از خویش صرف نظر می‌کند، برای دفع بلا از ولی خود دست به دعا برمی‌دارد. در دعایی که از امام رضا (علیه السلام) در مورد امام زمان (علیه السلام) وارد شده چنین آمده است: خدایا! بلاها را از ولی و خلیفه و حجت خود بر خلقت دفع بنما.<sup>۵</sup>

## د. گواه دانستن امام

نفس انسان، سخت، چموش و افسار گسیخته است و با ترفند و حیل باید او را مهار کرد. خداوند متعال، انسان را از سرکشی آن آگاه کرده است. «وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَجِمْتُ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۶</sup>. «من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس [سرکش] بسیار به بدیها امر می‌کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.»

هرکس بر آن غلبه کرد، مدال افتخار را برده است. خدای هادی می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ»<sup>۷</sup>. «و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد.» یکی از راه‌های غلبه بر نفس لجوج مراقبت ویژه است و چه مراقبی بهتر از امام خویش. وقتی دعا کننده امام را شاهد کار

امام، همانند کعبه است که مردم باید به دور او بگردند. تا آخرین سرباز، امام نباید در معرض تیر قرار بگیرد. این معرفت باید در اعماق جان انسان‌ها ریشه بدوند تا ریشه اسلام از آفت، ایمن بماند. در ادعیه به این عنصر ایمان اشاره شده است تا مردمان، هدف را گم نکنند. دعا‌های وارده به بخشی از جنبه‌های ولایت‌مداری اشاره می‌کنند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

## الف. دفاع از امام

دفاع از امام در عمل و اعتقاد یک نمونه آشکار ولایت‌مداری است. برای مثال حضرت علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوابید یا حضرت فاطمه (علیه السلام) تمام وجودش را سپهر امام خود قرار داد... در دعای عهد، این حمایت از رهبری در اوج خود به نمایش گذاشته شده است. در این دعا به این مضمون آمده است: خدایا! مرا از انصار و یاران او قرار بده. کسانی که از او حمایت می‌کنند و مرا پیش‌مرگ او قرار بده؛ خدایا! اگر اجل، مهلتم نداد، بعد از مرگ مرا سربازی آماده و مجهز برانگیز و به رکاب او بفرست: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَغْوَانِهِ، الذَّابِّينَ عَنْهُ... الْمُحَامِيينَ عَنْهُ، الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ... اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا، يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَتَهُ فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِی، مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِدًا سَيِّفِي، مُجَرَّدًا قَتَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْخَاصِرِ وَ الْبَادِي»<sup>۸</sup>.

## ب. تبعیت از امام

پیروی محض از امام موجب تحقق جامعه آرمانی و انسان روحانی می‌شود. هرگاه از امام روی گردان شویم، درحقیقت نابودی خود را امضا کرده‌ایم؛ پس باید او را فرمان برد؛ همان گونه که خدای کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۹</sup>. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را

# بزرگ‌ترین رویداد قرآنی

## در عصر غیبت و انتظار

◀ محمدرضا شایان

سیاستی بود که در سال گذشته صورت گرفت و با استقبال کم سابقه‌ای مواجه شد. اگر جوانی به کتابخانه و... دسترسی ندارد یا غیر از ماه رمضان وقتی برای قرآن اختصاص نمی‌دهید، می‌تواند در این جلسات، خیلی مختصر و کلی نکاتی از تفسیر قرآن فرا گیرد.

### از قاریان آزمون گرفته می‌شود

اعضای محترم کمیته فنی بر اساس ملاک‌های استاندارد قرآنی، قاریان را پس از گرفتن آزمون انتخاب می‌کنند و حدود یک ماه قبل از ماه مبارک رمضان شماره صفحات و آیات را به ایشان اعلام می‌کنند؛ در ضمن بر اساس تصمیم کمیته فنی، تدبیری اندیشیده شده است که چراغی در مقابل هر قاری قرآن نصب می‌شود تا استادان مسلط به اصول ادبیات عرب و قوانین تلاوت و تحقیق و ترتیل از پشت صحنه، تلاوت را رصد کنند و در صورت وجود اشکال در قرائت، چراغ مقابل قاری روشن می‌شود و وی متوجه می‌شود که این آیه را باید تکرار کند.

### مهد کودک در حرم مطهر

بانوان هم باید بتوانند به نحو احسن از این مراسم نورانی استفاده کنند؛ به همین دلیل مهد کودکی در داخل حرم مطهر تأسیس شده است که پس از ورود مادران به حرم، کودکان تحویل مهد کودک داده می‌شوند و پس از پایان مراسم، کودکان تحویل مادرش می‌شود و در حین برنامه، مادران خیالی راحت از مراسم ترتیل خوانی حظ معنوی می‌برند.

دست به ابتکاری جدید و در خور توجه زده شد که استقبال بسیار خوبی از آن شد و آن تلاوت موضوعی قرآن بود؛ یعنی قاری در چهارچوب موضوعی معین، تلاوت آیات را آغاز می‌کند و قبل از اتمام آن تریبون را تحویل قاری بعدی نمی‌دهد. حالا ممکن است، در این میان به تناسب موضوع در حال قرائت یک صفحه به قاری قرآن برسد یا کمتر یا بیشتر...

### همه روز را صرف مطالعه می‌کنم...

برای پانزده دقیقه تفسیر قرآن در حرم، همه کارهایم را تعطیل می‌کنم و ماه رمضان را فقط صرف تفسیر قرآن می‌کنم. اینها را استاد ابوالقاسمی حافظ و قاری بین‌المللی قرآن می‌گوید. او ظهرها قبل از تلاوت قرآن به مدت پانزده دقیقه، تفسیری خلاصه و گویا از قرآن برای حضار بیان می‌کند.

«ثباتی» مدیر مراسم و محافل حرم حضرت معصومه (ع) می‌گوید: در ماه مبارک رمضان، بین ۵ تا ۷ هزار نفر در مراسم ترتیل خوانی حرم حضرت معصومه شرکت می‌کنند. هر روز بین مردم ۶۰۰۰ هزار قرآن توزیع می‌شود؛ اما کفایت نمی‌کند. وی در ادامه درباره تمهیدات مفصلی که برای این مراسم بی‌نظیر در نظر گرفته می‌شود، می‌گوید: برای اجرای این برنامه از شش ماه قبل از ماه مبارک رمضان کمیته‌ای فنی متشکل از استادان درجه یک قرآنی شروع به سیاست‌گذاری می‌کنند.

### استقبال عجیبی که از تفسیر قرآن شد...

تفسیر پانزده دقیقه‌ای استاد ابوالقاسمی،

مراسم ترتیل خوانی قرآن کریم با شکوه‌ترین و عظیم‌ترین مجلس قرآنی در جهان اسلام است که در حرم حضرت معصومه (ع) برگزار می‌شود. علی‌اصغر پورمحمدی، معاون وزیر ارشاد ضمن ایراد این مطلب گفت: این برنامه برای دیگر نقاط کشور و نیز جهان تبدیل به الگو شده است و هم اکنون در صدها شهرستان، اجرا می‌شود. مدیر سابق شبکه سه سیما ادامه داد: مسلمانان خارج از کشور از طریق ماهواره و اینترنت، آئین ترتیل خوانی قرآن کریم را به صورت مستقیم مشاهده می‌کنند.

پورمحمدی پخش این برنامه از صدا و سیما را موجب حضور بیشتر جوانان در مجالس قرآنی و نیز گسترش فرهنگ قرآنی می‌داند.

### مراسم ترتیل خوانی پاسخی به شبهات برخی مذاهب

پخش این برنامه از شبکه‌های بین‌المللی به شفافیت تفکر شیعی درباره قرآن کمک شایانی کرده است. این مراسم به جهانیان نشان داد: قرآن تشیع، همان قرآنی است که در دیگر کشورها وجود دارد و از سوپی پاسخ قاطعی به شبهاتی است که برخی مذاهب درباره قرآن به تشیع وارد می‌کنند.

### قرائت موضوعی قرآن کریم

از آنجایی که مراسم ترتیل خوانی حرم مطهر حضرت معصومه (ع) از شبکه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی پخش می‌شود و مخاطبان بسیاری به‌ویژه در میان ملل عرب زبان داریم،



استاد حسن فرقانی مؤسس جلسات ترتیل خوانی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام خود قاری و حافظ قرآن کریم است که از سال ۱۳۷۱ اساس محفل ترتیل خوانی حرم مطهر را بنیان نهاد. وی هم اکنون استاد قرآن حوزه علمیه قم و کارشناس و استاد قرآن در جامعه المصطفی نیز است. استاد فرقانی سمت‌هایی؛ چون: استاد علوم و معارف قرآن کریم دانشگاه آزاد اسلامی و مدیرعامل مجمع قاریان و حافظان قرآن استان قم را نیز بر عهده داشته است. بر آن شدیم تا درباره سیر آغازین و ادامه باشکوه‌ترین محفل قرآنی جهان اسلام را از زبان وی بشنویم.

۲۱ سال پیش، یعنی در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۷۱ هـ ش و همزمان با نخستین ماه‌های افتخار خدمتگزاری اینجانب در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و در اوایل انتصاب جناب

آقای پورعزیزی به مدیریت حرم مطهر... یادم می‌آید، در آن چند سال، نمازهای ظهر و عصر به امامت مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله اقامه می‌شد و پس از نماز، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین استاد فاطمی نیا سخنرانی می‌کردند و حدود ۱۵ دقیقه هم مداحی برگزار می‌شد. دقیقاً روز دوم ماه مبارک رمضان، مدیریت حرم مطهر، جناب آقای پورعزیزی، بنده را به اتاق خود دعوت کردند و گفتند: آقای فرقانی! آیا ممکن است شما یک دوره نوار ترتیل باکیفیت خوب تهیه کنید تا بعد از اتمام سخنرانی استاد فاطمی نیا هر روز یک جزء از بلندگوهای حرم مطهر پخش شود؟

من از ایشان علت این تصمیم را جویا شدم که ایشان اظهار داشت: عده زیادی از زائران حرم مطهر، بعد از اتمام سخنرانی و مداحی به صورت انفرادی در

فضاهای مختلف حرم مطهر هر روز یک جزء قرآن می‌خوانند. ایشان دلایل خودشان را بیان کرد. اینجانب نیز از ایشان یکی دو روز فرصت خواستم تا یک دوره ترتیل مناسب و باکیفیت، تهیه کنم؛ اما در آن یکی دو روز خیلی فکرم مشغول این امر بود و با خود دنبال یک کار زیبا و ابتکاری و ماندگار بودم؛ لذا طرح‌ها و ایده‌های مختلفی در ذهنم مرور می‌شد که بعضی از آنها را یادداشت می‌کردم تا فراموش نکنم.

اما در عین حال یقین داشتم که کار قرآنی، آن هم در جای مقدسی مثل حرم مطهر و در بهترین ایام خدا، ماه مبارک رمضان، مشروط به توجه و عنایت و الطاف حضرت معصومه علیها السلام است؛ لذا در عین حال که فکرم مشغول بود وضو گرفتم و در کنار ضریح مطهر بود، دو رکعت نماز بجا آوردم و به حضرت متوسل شدم تا این بنده گنهگار را در این امر مبارک و معنوی یاری

فرمایید. در همان روز، جرقه‌ای در ذهن حقیر زده شد و به این نتیجه رسیدم که پیشنهاد دهم که به جای پخش نوار ترتیل قرآن کریم، جلساتی حضوری تشکیل دهیم و چند نفر از دوستان قاری و حافظ قرآن را دعوت کنیم و هر روز یک جزء قرآن کریم را به صورت ترتیل، تلاوت کنیم. قطعاً تا آن زمان چنین ایده‌ای سابقه‌ای نداشت و کاملاً ابتکاری و نو بود، هرچند جلسات سنتی و قدیمی در بسیاری از مساجد کشور و اماکن دیگر در ماه مبارک رمضان برگزار می‌شد؛ اما تشکیل جلسات ترتیل خوانی با حضور تعدادی از قاریان و حافظان به شکل فعلی اصلاً وجود نداشت! همان شب، ایده و طرح خود را مکتوب کردم و روز بعد در اولین فرصت به دفتر مدیریت حرم مطهر و مدیر محترم حرم رفتم. ایشان در همان جلسه، کمی به فکر فرو رفتند و اشکالاتی را وارد کردند؛ از جمله گفتند:

## باشکوه‌ترین محفل جهان اسلام چگونه شد؟

محمد رضا شایان



و جلسات ترتیل خوانی در مسجد بالاسر مبارک برگزار می‌شد که تا آن زمان، وسیع‌ترین فضای حرم مطهر و نزدیک‌ترین مکان به ضریح مطهر محسوب می‌شد؛ در ضمن صداوسیما نیز دفتری در حرم مطهر در اختیار نداشت تا این جلسات را در رسانه ملی منعکس کند. با تکمیل طرح توسعه حرم مطهر و احداث شبستان امام خمینی رحمه‌الله، جلسات ترتیل خوانی حرم مطهر نیز از مسجد بالاسر مبارک به این مکان بزرگ و وسیع منتقل و همزمان صداوسیما نیز در حرم مطهر مستقر شد و پخش بسیاری از مراسم و برنامه‌های حرم مطهر را از شبکه استانی و سراسری آغاز کرد. از جمله مراسم ترتیل خوانی حرم مطهر نیز پس از گذشت ۱۵-۱۶ سال برای اولین بار از شبکه استانی قم و شبکه سوم سراسری و چند شبکه دیگر، آغاز شد تا انعکاس این جلسات، جهانی شود.

نقش حافظان قرآن کریم در روزها و سال‌های اول، بسیار چشمگیر بود؛ هرچند که به فضل پروردگار این جلسات از همان روز اول با استقبال دور از ذهن و بسیار خوب زائران و مجاوران حرم مطهر مواجه شد؛ به طوری که مسجد بالاسر مبارک تقریباً پر می‌شد؛ اما مانند نهال نوپایی کم‌کم تنومند شد و هر سال باشکوه‌تر از سال قبل برگزار شد.

خلاصه اینکه: تاکنون بیست و یک سال از تشکیل این جلسات با لطف و عنایت پروردگار و توجهات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و نیز با مدیریت با مشارکت مخلصانه قاریان و حافظان ممتاز استان قم سپری شد که قطعاً استمرار این جلسات، مدیون زحمات این عزیزان بود.

ناگفته نماند که تا سال ۱۳۸۴ هـ ش هنوز طرح توسعه حرمت مطهر و احداث شبستان بزرگ امام خمینی رحمه‌الله تکمیل نشده بود

برنامه: حقیق در برنامه‌های قرآنی فعالیت داشتیم و همان‌گونه که در بالا عرض شد، تعداد زیادی از مردم، به صورت پراکنده و انفرادی مشغول قرائت قرآن بودند. مطمئن بودم که از این برنامه ابتکاری و منسجم، استقبال می‌کنند.

با لطف و عنایت پروردگار و با الطاف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مدیریت حرم مطهر در همان جلسه اول با این طرح موافقت کرد. من آن قدر خوشحال بودم که حدود ۲۴ ساعت بعد در ظهر چهارم رمضان المبارک سال ۱۳۷۱ هـ ش و پس از تبلیغات و اطلاع‌رسانی مناسب، اولین جلسه ترتیل خوانی را در جهان اسلام، پایه‌گذاری و تأسیس کردم. یادم می‌آید که در همان روزها و سال‌های نخست، بسیاری از دوستان قاری ما، آمادگی ترتیل خوانی نداشتند؛ چرا که قاریان ممتازی بودند؛ اما تا آن وقت، ترتیل خوانی نکرده بودند؛ لذا

جلسات در کجا برگزار شود؛ چه تضمینی وجود دارد که این طرح با استقبال زائران حرم مطهر مواجه شود؛ ظهر ماه مبارک رمضان چگونه می‌توان قاریان و حافظان را با حال روزمندی از منازلشان بیرون آورد؟! و همچنین ابهاماتی درباره تهیه رحل و قرآن و...؛ اما به فضل پروردگار برای همه این سؤالات و ابهامات، جواب‌های قانع‌کننده‌ای داشتیم و به ایشان اطمینان دادم که هر روز ۲ تا ۳ نفر از قاریان و حافظان ممتاز را برای تلاوت ترتیل دعوت کنم.

اولاً: برگزاری جلسات: برای این کار «مسجد بالاسر مبارک» به ذهنم رسید. در آن سال‌ها، هنوز حرم مطهر توسعه پیدا نکرده و مسجد بالاسر مبارک نیز مهم‌ترین، وسیع‌ترین و نزدیک‌ترین مکان به ضریح مطهر بود که فضای معنوی و نورانی آنجا، زیانزد خاص و عام بود. ثانیاً: استقبال مردم از این

قرآنی  
ککل گرفت؟

# راه آزادی قدس

◀ محمد میری\*

- باید نابودی اسرائیل را کنار گذاشته، به دنبال صلح خاورمیانه باشید!...

رادمرد خمین، امّا، آرام و آگاه و مطمئن و قاطع بود. می‌دانست:

- قدس، نه عربی است و نه حتی اسلامی، بلکه توحیدی است و متعلق به همهٔ ادیان الهی.

- هدف، تحقق شعار پیامبران الهی است که باید سراسر جهان در برابر ظلم به‌پا خیزند؛ البته تحقق کامل آن در حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) است و همان‌گونه که آن شیر بیشهٔ عدالت‌گستری برای رفع ظلم در امور تمامی کشورها، حتی غیر مسلمان دخالت می‌کند، ما نیز برای مظلومان باید به‌پا خیزیم.<sup>۲</sup>

- اسرائیل، باید از بین برود؛ چه که تیر خلاص جز دژنده‌ی حار را نسزد...

بدین‌سان، راه آزادی را به آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان و مستضعفان جهان آموخت؛ فقط و فقط جهاد و مقاومت!

اینک دندان‌های گرگ صهیونیسم یکی یکی از تن اسلام بیرون می‌آید و از دهان گرگ نیز کشیده می‌شود. امت اسلامی با بیداری، می‌رود که رنج را از تن رنجور خود بزدايد و زمینهٔ ظهور عدالت‌گستر جهانی را هر چه بیشتر آماده کند و رهایی خانوادهٔ بشریت از ظلم نیز نزدیک است.

به پیامبر فرمان داده شد که: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آرِبًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»<sup>۱</sup>

این چنین پیام‌آور عدالت و برادری، همهٔ بشریت را یک ملت و یک خانوادهٔ توحیدی برشمرد و به قیصرها و کسری‌ها فهماند که ملت‌ها بندگان شما نیستند؛ بلکه بنده خدايند. نه ما می‌خواهیم ارباب شما شویم و نه اجازه می‌دهیم شما ارباب ما یا ارباب ملت‌های خود باشید...

طنین کلام پیامبر که از تمامی جهانیان می‌خواست تا در برابر ظلم به پا خیزند، به گوش جان مردی از خمین رسید. لیک گویان، ظرف وجود را از ایمان پر کرد و اندیشه را با اسلام ناب صیقل داد و فریاد برآورد: «هر جا ظلم هست، مبارزه هست و هر جا مبارزه هست، ما هستیم!»

او نگاهی به تن رنجور امت اسلام انداخت و دندان گرگ صهیونیسم را بر پاره‌ای از آن دید. دیگر جای درنگ نبود! مبارزان راه آزادی را ندا داد که «ما دنبال رفع سلطه از جهانیان!» و مردانی سخت‌تر از پاره‌های آهن و استوارتر از کوه‌های مستحکم بر گردن گرگ پنجه زدند و آن‌را فشردند. طولی نکشید که قدس، این پارهٔ تن اسلام، جانی دوباره یافت؛ ولی مگر جبههٔ ظلم جهانی، دژندهٔ وحشی خود را تنها می‌گذارد؟! پس تیرهای زهرآگین تردید، شبیه، خیانت و دروغ روانه شد:

- این قضیهٔ اعراب است نه شما!

- شما چرا از فلسطینی‌ها، فلسطینی‌ترید؟

\* فارغ التحصیل مرکز تخصصی مهدویت.

۱. سوره آل عمران / ۶۴.

۲. سوره نساء / ۷۵.



# انتفاضه و زمینه سازی

محمد یوسفیان

حکومت جهانی امام مهدی عج باید انسان‌ها خودشان بدون تکیه به دسته و گروه و سازمانی، جوشش پیدا کنند و انسان‌های محروم وارد معرکه بشوند؛ در این صورت، دیگر مستکبران نمی‌توانند محرومان را عقب نگه دارند. آن گاه ورق برمی‌گردد. قیام مردم محروم جهان باید همگانی و همه جایی باشد. اگر یک عده حرکت و قیام کنند و دیگران همراهی نکنند، چنین قیامی زمینه ساز ظهور نیست. عده‌ای را زندانی کنند یا بکشند بقیه هم از بین می‌روند. اگر قیام‌ها همگانی نباشند، زمینه ظهور را فراهم نمی‌کنند.

حرکت‌ها باید خود جوش باشد؛ برای مثال وقتی یک سطل آب از چاه بر می‌داری، دوباره جایش آب می‌آید. عرب به این گونه جوشیدن آب، انتفاضه می‌گوید؛ یعنی خود جوش. الان به قیام مردم فلسطین شورش و مبارزه نمی‌گویند؛ بلکه نهضت و انتفاضه می‌گویند؛ یعنی سطح آب بالا آمده و جوشیده است. دانش آموز فلسطینی را کسی سازماندهی نکرده است. کودک فلسطینی با فکر خود به این نتیجه رسیده که زندگی تحت حکومت اسرائیل از مرگ بدتر است و مرگ در راه مبارزه با اسرائیل، پیروزی و حیات است. او وقتی از کلاس و خانه‌اش بیرون می‌آید، برای نشان دادن مخالفت خود با اسرائیل به سوی سربازان صهیونیست سنگ می‌زند. این گونه اقدامات، کار یک گروه و سازمان نیست تا اسرائیل رئیس آن گروه را دستگیر کند و به قتل برساند. اگر یک سازمان یا حزب مردم را حرکت دهد، با متلاشی شدن آن سازمان، این حرکت متوقف می‌شود؛ ولی الان چندین سال است که کودکان فلسطینی، زنان، مردان، کوچک و بزرگ هر روز تظاهرات و مبارزه می‌کنند؛ هر روز مجروح و شهید می‌دهند و هنوز هم این برنامه‌ها ادامه دارد.

در روایات آمده است که خدا امر او امام زمان عج را اصلاح می‌کند. معنای اصلاح کار و زمینه چینی برای آن حضرت این است که مثلاً انتفاضه و جوشش به کشور ما محدود نباشد تا اگر آمریکا کشور ما را در محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی قرار داد، بقیه هیچ اقدامی نکنند؛ بلکه باید شرایط به گونه‌ای شود که درون خود آنها هم جوشش پیدا شود و نهضت و انتفاضه از متن مردم آنها بجوشد.



# این روزها همه چیز

## بوی التماس می دهد

♦ زینب احمدزاده

دروغ نمی گویم  
شعار نمی دهم  
این دیگر نمایش نیست  
باور کن این بار دیگر فقط بازی با واژه ها نیست!  
به خدا دنیای تو خالی و واژگونه ما، نجات بخشی چون تو را می طلبد.  
این روزها به هر چه می نگرم جای خالی نبودنت را بیش از پیش می فهمم. و این جان خسته و بی تابم که به طوفانی می ماند و در آرزوی  
وصال به ساحل آرامشت به هزار راه نرفته می اندیشد.  
این روزها...  
در نگاه شرمگین پیرمرد ریش سپید که به دستان پینه بسته اش  
خیره مانده است؛  
در ضجه های دردناک کودکی که در میان آوار خانه اش به دنبال مادر،  
آواره و ناچار می چرخد.  
در مویه های مادر هجران دیده ای که در میان عکس های جوان رعنا و  
استخوان های خونی و شکسته دردانه اش، شباهتی نمی یابد؛  
در خاموشی هزار هزار خانه بی پدر و در سکوت موهوم شهر تپیده  
جنگ زده.  
در قهقهه مستانه شیطان های کت و شلوار پوش و در میان هجوم بی  
امان مستی و باده و شراب و تیرهای هوس؛  
وقتی حیوان بودن و حیوانی زیستن قانون می شود، وقتی استعمار  
به استکبار می رسد.  
وقتی همه دنیا رعیت یک کدخدای بی هویت می شوند؛ وقتی  
واژه های محبت و لطف و صداقت و پاکی به حاشیه می روند  
و انگار همه دنیا به خوابی عمیق و به قعر نسیان رفته اند؛  
خود را به خواب زده اند و و انگار به پیشسواز مرگ رفته اند و یا نه از

# آرامش یار

بی‌نهایت طلبی انسانیت به تمام شدن رسیده‌اند؛ و این روزها همه چیز بوی التماس گرفته است:

دست‌های خالی و قلب‌های شکسته؛

گلوهای باد کرده از غم؛

شانه‌های خمیده و گونه‌های خیس؛

لب‌های خشکیده و نفس‌های یکی در میان؛

نگاه‌های ملتمس و رنگ‌های پریده؛

گام‌های بی‌توان و اندیشه‌های بی‌هدف؛

همه و همه تو را می‌طبند تا با دم مسیحایی خویش آنها را به زندگی

برگردانی؛

و انگار... شاید این آخری‌ها نداشتنت را باور کرده‌اند.

تمام گذشته‌ای که تو را نداشتیم، انگار اصلاً نبودیم. آری! تو بودی و ما نبودیم.

چگونه می‌شود، بدون اکسیژن زیست، حتی اگر ریه‌هایی برای پر و

خالی شدن باشند و تو نباشی؟

چگونه توانستیم تو را نبینیم وقتی تمام دیدنی‌ها تو بودی؟

تو در تمام لحظه‌های تاریسته‌مان حضور مطلق بودی. تو حاضر لحظه‌ها و امام زمان‌ها بودی!

می‌خواستی دستگیرمان باشی و خورشید روشن‌گر زندگیمان!

اما ما... ما در راهروهای تنگ آمال پوچمان و در آن حصار تنگ و بسته،

به پرواز می‌اندیشیم؛ اما پالی برای صعود نداشتیم.

آری! تو سکوی پرواز ما بودی و ما در تاریکی بیراهه‌های رفته تو را نشناختیم.

دیگر شمارش کافیست...

خورشید؛ بسوز و فرود آی؛

ای ماه؛ بتاب و تعظیم کن؛

دریا؛ بکوب و به خروش آی؛

طوفان به پا خیز و به سجده در آی؛

ای کوه؛ برخیز و بشکن؛

ای کژی؛ راست شو؛

ای سکوت بشکن؛

ای فریاد؛ فریاد کن!

منجی آمد!

امروز را نام گذاری کنید!

پایان همه دردها آمد!

تجسم خدا آمد!

در

کسی

در

زلالال

## معرفت

علی حیدری\*

یکی از وظایف و تکالیف عمومی همهٔ مسلمانان و مؤمنان در مرتبه اول، ساخت امام زمان خویش و اطاعت از اوست یکی از دلایل نقلی مهم برای این وظیفه و تکلیف، روایت مشهور و متواتر پیامبر ﷺ است که آن را شیعه و سنی نقل کرده‌اند: «من مات ولم یعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة»<sup>۱</sup>.

به موجب این حدیث شریف اگر کسی بدون شناخت امام زمان خود از دنیا برود، چنان است که در عهد جاهلیت مرده است و هیچ رابطه و نسبتی با اسلام و آیین مسلمانی ندارد.

شخصی خدمت امام صادق (علیه السلام) آمد و عرض کرد: یابن رسول الله! آیا درست است که پیامبر ﷺ این روایت را نقل فرموده‌اند؟ حضرت فرمودند: بلی؛ چنین است. سؤال کننده یک سؤال دقیق و لطیف دیگری نیز پرسید. عرض کرد: یابن رسول الله! این نوع مرگ جاهلی آیا صرف جهل به امام (علیه السلام) یا کفر جاهلی است؟ امام (علیه السلام) فرمودند: مراد کفر جاهلی است؛ یعنی: اگر کسی بدون شناخت و معرفت امام زمان خویش از دنیا برود، چنان است که در عهد جاهلیت قبل از اسلام از دنیا رفته است.

درباره این مطلب، روایت دیگری نیز از پیامبر ﷺ نقل شده است: «من مات ولم یعرف امام زمانه، فلیمت ان شاء یهودیا و ان شاء نصرانیا» هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، اگر بخواهد یهودی از دنیا می‌رود و اگر بخواهد نصرانی از دنیا رود.

پس براساس قول پیامبر ﷺ عدم معرفت به امام زمان (علیه السلام) در ردیف شرک و الحاد و کفر است؛ زیرا که انسان وقتی امام حقیقی و واقعی‌اش را نشناخته، راه را گم می‌کند و از صراط مستقیم به دور

در میان



# در کسی میان ماست!

می‌افتد؛ در نتیجه هر چه بیشتر پیش برود بیشتر از هدف دور می‌افتد؛ پس برای احتراز از این بیراهه در درجه نخست باید بکوشیم، امام زمان خود را بشناسیم و او کسی جز امام مهدی عج نیست.<sup>۴</sup>

البته مراد از شناخت امام عج دو گونه است: ۱. شناخت ظاهری و اوصاف فردی و شناسنامه‌ای امام عج این حداقل شناخت از امام عج است. ۲. شناخت به جایگاه حقیقی و معنوی امام عج این نوع شناخت از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ پس باید بکوشیم معرفت خودمان را به علم امام عج افزایش دهیم؛ همچنین از عصمت امام عج آگاهی و شناخت پیدا کنیم و باید بدانیم انتصاب امام عج از سوی خدای متعال و جایگاه اصل وجود امام عج در عالم هستی فلسفه و هدف از آفرینش است.

گر معرفت دهندت بفروش کیمیا را / گر کیمیا دهندت، بی معرفت گدایی

در حدیث معرفت به این نکته مهم می‌توان پرداخت که در این حدیث، بحث شناخت و معرفت مطرح شده و علم بحث نشده است. این دو با یکدیگر تفاوت دارند؛ اما تفاوت این دو آنالیز و تجزیه و تحلیل و کالبد شکافی نمی‌شود. علم به حوزه شناختی مربوط است؛ همان طور که در منطق تعریف می‌کند به آنچه درک می‌شود: «انطباق الشئ فی الذهن». اما معرفت با تمام وجود سر و کار دارد؛ آنچه انسان درک می‌کند، در قلبش تبدیل به باور و در عملش آشکار می‌شود. اگر کسی به این نوع معرفت و شناخت و شعور دست پیدا نکند، جهالت زدایی امکان پذیر نیست؛

پس برای جاهلت زدایی، باید به چشمه زلال معرفت متصل شویم؛ بنابراین، راه‌های رسیدن به معرفت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

است که به اهم آنها می‌پردازیم:

**۱. تفکر:** آن قدر مهم است که در قرآن کریم و روایات از جایگاه والایی برخوردار است. در قرآن کریم می‌فرماید: یکی از ندهای جهانیان این است که ای کاش! در دنیا اهل تفکر بودیم یا در روایتی از امام صادق عج می‌فرماید: «فکرة ساعة خير من عبادة ألف سنة»<sup>۵</sup> یک ساعت اندیشیدن در خیر و صلاح از هزار سال عبادت بهتر است.

**۲. شاگردی:** در این جهت کتابخوانی یا تحصیل نزد افراد متخصص و متعدد برای شناخت و معرفت تأثیر فراوانی خواهد داشت؛ البته باید مواظبت کرد که در کید افراد گمراه و منحرف قرار نگیریم.

**۳. تعبّد:** انجام دادن واجبات و متسحبات برای شناخت و بصیرت افتزایی انسان شرط مهم اساسی و معرفت است.

**۴. تحفّظ:** اجتناب از محرمات و پرهیز از گناهان یکی دیگر از موارد مهم و اساسی رسیدن به معرفت است.

**۵. تحریک به فرهنگ:** هنر و رسانه و مواردی از این قبیل می‌تواند این موضوع مهم را در جوامع بشری و اسلای نهادینه کند.

\* کارشناس ارشد مهدویت.

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۷: صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱ و ۲۲.

۲. اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳. لطف‌الله صافی، معرفت امام، ص ۸.

۴. شمیم رحمت، ص ۹.

۵. مصباح الشریعه، ص ۱۱۴.



# امدادهای غیبی

◀ خدام راد سلیمیان

«غیب» چیزی است که از انسان پوشیده و مخفی است، گرچه به معنای شک نیز به کار رفته است؛ زیرا شک به طور معمول در امر مخفی پدید می آید. برخی واژه پژوهان، آن را به معنای پوشیده از چشم گرفته اند. امدادهای غیبی به معنای مددهایی است که از غیب سرچشمه می گیرد، هر چند با عنایت به معنای لغوی واژه مزبور می توان جهان و نظم، حیات و نشاط و همه نعمت های موجود در آن را مدد گرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست؛ چنان که قرآن، اموال و فرزندان را از امدادهای خداوند دانسته است؛ ولی این ترکیب در اصطلاح به معنای مدد های غیبی ویژه در زندگی بشر است.

کمک های ویژه پروردگار با وجود غیر عادی بودن به اسباب طبیعی مستند است و از سوی دیگر معجزات و کرامات نیز مستند به سبب های طبیعی غیر عادی است؛ البته هر دو به اذن خدا و وساطت نیروهای غیبی و اسباب طبیعی غیر عادی انجام می گیرد؛ ولی در معجزه و کرامت، خود شخص نقش اصلی دارد؛ اما در امداد غیبی شخص چنین نقشی ندارد و در حالی که امیدش از همه جا قطع شده است، مدد الهی از او دستگیری می کند.<sup>۲</sup>

اگر چه اساس قیام حضرت مهدی (عج) بر امور طبیعی است، به اقتضای عظمت و گستردگی آن قیام جهانی، خداوند سبحان برخی از نیروهای پنهان و فوق طبیعی را در اختیار آن حضرت قرار خواهد داد تا موجبات پیروزی ایشان، هر چه بهتر

فراهم آید.

نمونه هایی از امدادهای غیبی

## ۱. یاری الهی

یاری الهی، یکی از نمونه های بارز جانبداری خداوند سبحان از اهل ایمان و جریان حق است. قرآن در این باره می فرماید:

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾<sup>۱</sup>

و به طور قطع، خداوند سبحان به کسی که [دین] او را یاری می کند، یاری می دهد؛ چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است. این یاری، نه فقط پیامبران الهی را در برمی گیرد که در روایات فراوانی آن را یکی از عوامل پیروزی حضرت مهدی (عج) دانسته اند. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«... قائم اهل بیت من به یاری الهی تأیید می شود.»<sup>۲</sup>

## ۲. فرشتگان

فرشتگان الهی از دیگر نیروهای غیبی خداوند سبحان هستند که به یاری مؤمنان آمده اند و می آیند. خداوند سبحان در قرآن مجید در مواردی، چند یاری فرشتگان را بر شمرده است.

## ۱.۲. فرشتگان یاری دهنده حضرت لوط

﴿قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكَ قَوْمَ مُجْرِمِينَ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ جَارَءًا مِنْ طِينٍ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ﴾<sup>۳</sup>

... پس ما مأموریت شما چیستای فرستادگان! گفتند: ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شدیم تا بارانی از سنگ و گل بر آنها بفرستیم؛ سنگ هایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان شده است.

## ۲.۲. فرشتگان جنگ بدر

بر قلب کافران و مشرکان و ستمگران حق ستیز خواهد افکند و آنان قدرت تصمیم گیری و دشمنی را از دست خواهند داد؛ البته این القای ترس، پیش تر نیز در زمان پیامبران وجود داشته است. قرآن شریف در آیات فراوانی به آن اشاره کرده است؛ از جمله می فرماید:

﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...﴾<sup>۴</sup>

ما در دل های کسانی که کفر ورزیدند بیم و هراس خواهیم افکند.

امام باقر (عج) در این باره فرمود:

قائم ما منصور به رعب آیری شده با القای ترس در دل دشمنان او<sup>۵</sup> است.

## ۴. نیروهای طبیعی

بخشی از امدادهای غیبی الهی، تسخیر نیروها و امکانات طبیعی است که خداوند سبحان پیامبران خود را به آنها مجهز کرده است؛ همانند بادهای طوفان ها، ابرها و ... که در قرآن از آنها یاد شده است.<sup>۶</sup>

در روایات فراوانی، عوامل طبیعی از جمله امدادهای غیبی برای واپسین حجت الهی ذکر شده است. رسول گرامی اسلام (ص) در حدیث معراج به نقل از خداوند سبحان چنین فرموده است:

... و باد را مسخر او می کنم و گردنکشان سخت را رام او می کنم؛<sup>۷</sup> بنابراین به روشنی می توان گفت: حضرت مهدی (عج) افزون بر بهره مندی از یاران و اصحاب خود به دلیل عظمت قیام جهانی خود به اذن و اراده الهی از امدادهای غیبی نیز استفاده خواهد کرد.

۱. سوره اسراء / ۶.
۲. جمعی از پژوهشگران، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۳۰۰.
۳. سوره حج / ۴۰.
۴. «قائم اهل بیته... یؤید بنصر الله...».
۵. ذاریات / ۳۱-۳۴.
۶. سوره انفال / ۹.
۷. سوره احزاب / ۹.
۸. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۲۶. «... وَ يُنْصَرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ...».
۹. همان، ج ۲، ص ۳۰۷، «يَا ثَابِتُ كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ هَذَا وَأَمَّا بَيِّنَةٌ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَإِذَا هُوَ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ نَشْرَ رَأْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ فَإِذَا هُوَ نَشْرَهَا أَنْخَطَتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْر...».
۱۰. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۵۸.
۱۱. سوره آل عمران / ۱۵۱.
۱۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.
۱۳. سوره انبیا / ۸۱؛ سوره احزاب / ۹.
۱۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴، بای ۲۳، ح ۴: «... وَلَا سَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ وَلَا ذَلَّلْنَا لَهُ الرِّقَابَ الصَّعَابَ...».

# آیه‌ای از بهشت

♦ محدثه علی جان زاده روشن

اشرف مخلوقات است و از جنس زن و از بدو تولد تا دم مرگ یک نقش همیشگی دارد. گرچه نقش‌های متنوع دیگری در جریان زندگی تجربه می‌کند. به او «دختر» می‌گویند و تا لحظه‌ای که ازدواج کند یا مادر بشود، باز هم دختر است. دختر مادری است که از شیرۀ حیات او در طول نه ماه بارداری جان می‌گیرد و رشد می‌کند. با درد شیرین زایمان مادر، متولد می‌شود و در دامن پاک مادر پرورش می‌یابد تا روزی که خود نیز احساس کند، کلید بهشت زیر پای او هم هست و مادر شود.

## کانون مهر و عاطفه

دختر، این مخلوق سرشار از موهبت الهی، کانون مهر و عاطفه است و خداوند، همانند نقاشی چیره دست و ماهر خطوط ظریف و حساس این مهر و عاطفه را در رنگ‌های زیبا و درخشان به تصویر کشیده است. این تصاویر دختری را ترسیم می‌کند که خالق خانواده و اولین و کوچک‌ترین جامعه بشری است. تصاویر مهر و عاطفه والدین و دختر، زن و شوهر، مادر و فرزند، مادر بزرگ و نوه و... همان سیر نقش‌های یک دختر است که بسیار چشم‌نواز و خیره‌کننده است. گرچه این تصاویر گاهی دچار آسیب شده و بر پیکره آن لطمه وارد کرده؛ اما از ارزش آن نکاسته است.

## جایگاه دختر قبل از اسلام

مقام دختر پایین‌تر از حیوان بود؛ هیچ‌کسی کنار دختران نفس هم نمی‌کشید. دختر اسیر و برده بود و به کمترین قیمت خرید و فروش می‌شد. در مصر، هر سال رسم بود تا برای ازدیاد آب رود نیل، دختری را در آن غرق کنند. قربانی کردن دختر برای نذر خدایگان افتخار بود. در هند، پیش از سن بلوغ و دوران کودکی ازدواج صورت می‌گرفت و دختر در این مورد، هیچ حق انتخابی نداشت. در چین، نوزاد دختر را می‌کشتند یا به صحرا می‌افکندند و خویشاوندان برای تولد دختران تسلیت می‌گفتند. در عربستان نیز داستان زنده به‌گور کردن دختران در دوران جاهلیت پیش از ظهور دین مبین اسلام، مرسوم بود.<sup>۱</sup> دختر ننگ و عار بود و اگر پدری دخترش را زنده نگه می‌داشت، مرگ زودرس او را آرزو می‌کرد و به وی می‌گفتند که خدا شما را از ننگ او ایمن بدارد؛ هزینه او را فراهم کند و قبر را خانه داماد قرار دهد. شاعری عرب در این زمینه چنین سروده است: برای هر پدری که دختری دارد و ماندن او را دوست می‌دارد، سه گونه داماد است؛ خانه‌ای که زیر سایه آن قرار گیرد؛ شوهری که او را حفظ کند و قبری که او را فرو پوشاند؛ ولی بهترین آنها قبر است.<sup>۲</sup>



### منزلت دختر، مديون اسلام

دختر در طول تاریخ حمایت بشر، همواره از معصومیت و مظلومیت برخوردار بود و در فرهنگ‌هایی که باورهای اشتباه و افکار ناصحیح داشتند، بیشترین ظلم و ستم را دیده است و تا مدت‌ها موجودی بی‌ارزش محسوب می‌شد تا اینکه خورشید اسلام طلوع کرد و آن جایگاه والای انسانی و عزت دختر نمایان شد. چون اسلام در سرزمین عرب به سایر نقاط جهان رسید، آن ارزشمندی دختر و منزلت زن در جهان نیز شناخته شد. تعصب و نژاد پرستی منبعث از فرهنگ بیهوده عرب جاهلی، جای خود را به ارزش‌ها و تقدس‌هایی داد که از دینی متعادل بر می‌خاست. آخرین پیامبر الهی حضرت محمد ﷺ همراه با معجزه‌اش، کتاب آسمانی قرآن آن روح مرده انسانیت را زنده کرد و به انسان ارزش داد و او را خلیفه خداوند روی زمین نامید و در کلام خدا، کشتن دختران را به شدت نکوهش کرد:

«و چون پیرسند از دخترک زنده به گور شده که به کدامین گناه کشته شده است؟»<sup>۲</sup>

پیامبر ﷺ نیز پس از بعثت در نخستین پیمان عقبه با یثربیان (سال دوازدهم بعثت) یکی از مواد پیمان را خودداری از زنده به گور کردن دختران قرار داد و نقل شده است که قیس بن عاصم پس از پذیرش اسلام نزد پیامبر آمد و پرسید: در زمان جاهلیت، هشت دختر خود را زنده به گور کرده‌ام. اکنون پشیمانم؛ چگونه جبران کنم؟ پیامبر ﷺ فرمود: به جای هر یک از آنها برده‌ای آزاد کن گفت: من شتران زیادی دارم. و پیامبر ﷺ فرمود: می‌توانی به جای هر یک از آنها شتری قربانی کن.<sup>۴</sup>

با ظهور اسلام کم‌کم این طرز تفکر درباره دختر کمرنگ شد و دختران و زنان از مقام والایی برخوردار می‌شدند و کرامت دختر حفظ شد؛ اما آثار این پندار غلط هنوز هم وجود داشت و یکی از آن موقعیت‌ها، میلاد نور چشم پیامبر ﷺ حضرت زهرا (ع) بود. پیامبر ﷺ و حضرت خدیجه (ع) یکی از بانوان برتر عالم، پس از ازدواج صاحب دو پسر به نام‌های قاسم و طاهر

شدند. در همان طفولیت در مکه مردند و چهار دختر به نام‌های رقیه، زینب، ام‌کلثوم و فاطمه (ع) خداوند به آن دو بزرگوار مرحمت فرمود که برجسته‌ترین آنها حضرت فاطمه (ع) است. درگذشت اولاد ذکور و وجود دختران متعدد مستمسکی برای مردمی شد که در عقاید جاهلیت غوطه‌ور بودند. پیامبر آخرین فرستاده خدا بود؛ اما فرزند پسری ندارد تا ادامه دهنده نسل او باشد و وارث انبیا شود.

### فاطمه، کوثر آسمانی

در جریان میلاد این بانوی گران‌قدر سوره کوثر نازل شد و صفت ابتر و مقطوع النسل به همان دسته از مردم نادان، برگردانده شد و خداوند به پیامبر فرمود: «ما تو را عطا می‌کنم (کوثر) بخشیدیم.»<sup>۵</sup> این کوثر آسمانی بستر آرامش پدر بود. محبت و عشق این دختر و پدر به هم در آن دوران، زبانزد همه بود. پیامبر دختران دیگری نیز داشت؛ اما محبت ایشان به فاطمه (ع) مشخص و متمایز بود؛ آن‌چنانکه آخرین نفر برای وداع در عریضت به هر سفری فاطمه (ع) بود و پس از سفر، اولین نفری که به دیدارشان می‌شتافت، فاطمه (ع) بود. پیش از خواب، گونه فاطمه (ع) را می‌بوسید و صورتش را روی سینه‌اش قرار می‌داد و برایش دعا می‌کرد. هم دخترش بود و هم سنگ صبور و مرهم غم‌های پدر بود. دست فاطمه (ع) را می‌گرفت و به دیگران می‌فرمود: فاطمه پاره تن من است، کسی که او را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده است و کسی او را ناراحت کند، مرا ناراحت کرده است. فاطمه گرامی‌ترین مردم نزد من است.<sup>۶</sup> شیوه ارتباطی پیامبر ﷺ با دخترش فاطمه (ع) یک الگوی مناسب در تربیت اسلامی شناخته شده و مؤید بر تکریم فرزند دختر در خانواده از نظر اسلام است. آنچه اسلام برای شأن و منزلت دختر نویده داده، مورد توجه است و در قرآن، احادیث احکام و روایات، این برداشت وجود دارد. شاید جنسیت دختر اولین موضوعی باشد که مهم جلوه می‌کند. با گذشت بیش از ۱۴۰۰

سال از پیدایش اسلام، هنوز هم افرادی هستند که از داشتن فرزند دختر اکراه دارند و تا مرز کفرگویی علیه خدا هم پیش می‌روند. در زمان امامت حضرت صادق (ع) شخصی دختر دار شد. نزد امام رفت و چون به این دلیل ناراحت بود، امام صادق (ع) فرمودند: بگو بینم، اگر خداوند به تو وحی کند و از تو بپرسد که من برای انتخاب کنم یا خودت انتخاب می‌کنی، چه می‌گویی؟ آن مرد گفت: خدایا! برایم انتخاب کن. آن حضرت فرمود: خدا برای تو دختر انتخاب کرده است و نیز هنگامی که مژده تولد فرزندی را به امام سجاد (ع) می‌دادند، هیچ گاه سؤال نمی‌کردند که دختر است یا پسر. ابتدا می‌پرسیدند که سالم است و اگر سالم بود می‌فرمودند: شکر خدای را که از من فرزند ناسالم نیافرید!<sup>۷</sup>

### ارزش دختر در اندیشه پیامبر

فرزند دختر آن چنان ارزش و قرب دارد که پیامبر ﷺ فرمود: دختران چه خوب فرزندان هستند! هر کس یک دختر داشته باشد، خداوند آن دختر را حجاب و مانعی از آتش جهنم برای او قرار می‌دهد.<sup>۸</sup> به نوعی فرزند دختر ضامن ورود والدینش به بهشت است. امام صادق (ع) درباره فرزند دختر فرمودند: دختران نیکی هستند و پسران نعمت‌ها؛ نیکی‌ها پاداش دارند و از نعمت‌ها سؤال می‌شوند. می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که دختران از لحاظ دینی و معنوی برای والدین بهره زیادی دارند و چون آنها نیکی هستند، خداوند به سبب وجود دختران به پدر و مادر پاداش می‌دهد.<sup>۹</sup>

### دختر و حق انتخاب نام نیک

حقوق فرزند بر والدین نکته مهم دیگری است که درباره دختر نیز صادق است. اولین حق دختر بر پدر و مادرش انتخاب نام نیک است. این انتخاب اولین هدیه والدین به کودک است. امام علی (ع) در این باره فرمود: حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو برای او برگزیند. ادبش را نیکو کند و قرآن را به او بیاموزد.<sup>۱۱</sup> انتخاب نام مناسب و نیک برای دختران، قسمتی از شخصیت آنهاست و آثار معنوی بر جای می‌گذارد و پاداش اخروی دارد. گاهی اسامی

صفورا و هاجر و سارا همسر  
حضرت ابراهیم (علیه السلام) و مادر حضرت  
یعقوب (علیه السلام) و...

### دختر و حق تربیت

تربیت صحیح از حقوق دیگری  
است که اسلام به عهده والدین  
قرار داده است. پیامبر گرامی در  
تربیت دختر سفارش فرمود: حق  
دختر بر پدر این است که مادر  
دختر را (همسرش را) احترام کند  
و به او حرف زشت نزند. برای دختر  
نام نیک انتخاب کند و سوره نور  
را یاد بدهد؛ در این جهت نقش  
مادر در شاکله شخصیت دختر و  
سرنوشت او بسیار مؤثر است؛ چرا  
که مادر و دختر با داشتن روابطی  
مناسب و حسنه می‌توانند مانند دو  
دوست با هم رفتار کنند و دامن  
مادر، جایگاه مطمئن و پناهگاهی  
برای پرورش و تربیت دختر است  
تا از شر گناه و پلیدی در امان  
باشد. مادر در قبال وظیفه‌اش  
برای تربیت دختر در کنار آموزش  
واجبات؛ مانند نماز و روزه و خدا  
پرستی و حجاب و... در نه سالگی  
و سن تکلیف باید اندک اندک او  
را با نقش‌های آشنا کند و علاوه  
بر تربیت فردی، تربیت اجتماعی  
او را هم ارتقا بخشد تا زنی نمونه  
و مادری موفق و فرزانه و حتی  
زنی شاغل و مسئول در دوره‌های  
مختلف برای جامعه و جهان باشد.  
مادر، مسئولیت سنگین‌تری نسبت  
به پدر دارد و می‌تواند کارخانه  
تربیت‌کننده دختر و دخترانی  
شود که به تعبیر امام خمینی (ره)،  
زنی خواهد شد که از دامن او مرد  
به معراج می‌رود.



نامناسب، زشت و لقب‌های  
ناشایست، شخصیت دختر را  
دگرگون می‌کند و حس حقارت و  
خجالت را به دنبال دارد. حتی اگر  
او نجیب و با وقار باشد، تلفظ اسم  
زشت و بد معنایش در جمع، او را  
شرمگین می‌کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله)  
تغییر نام زشت انسان را آغاز کرد  
و نام دختری که عاصیه (گنهکار)  
بود را به جمیله (زیباروی) تغییر  
داد و نام دختری که پَرّه بود را  
به زینب تبدیل کرد. نام‌های  
دخترانه‌ای که پسندیده و زیبا  
هستند را می‌توان به صورت ویژه  
برگزید. برای، مثال القاب و نام‌های  
حضرت فاطمه (علیه السلام) القاب و نام‌های  
مادران ائمه (علیهم السلام) حمیده مادر امام  
کاظم (علیه السلام) نجمه مادر امام رضا (علیه السلام)؛

سمانه مادر امام هادی (علیه السلام)؛ حدیثه  
مادر امام حسن عسکری (علیه السلام) و...  
نام‌های مادر امام زمان (علیه السلام)؛ ملیکا،  
نرجس، نرگس، ریحانه، سوسن و  
صقیل، اسامی مادران انبیا؛ مریم  
مادر حضرت عیسی (علیه السلام)؛ هاجر  
مادر حضرت اسماعیل؛ آمنه  
مادر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)  
و...  
نام‌های زنان بزرگ اسلام؛ خدیجه  
همسر پیامبر حلیمه دایه پیامبر،  
سمیه نخستین زن شهید اسلام،  
اسما، خادمه حضرت زهر (علیه السلام)،  
هانیه یگانه زن شهید کربلا؛ زینب  
خواهر امام حسین (علیه السلام)؛ معصومه  
خواهر امام رضا (علیه السلام)؛ ام‌البنین مادر  
حضرت عباس (علیه السلام) و... همچنین  
اسم‌های زنان عابده و عارضه و  
صالحه؛ مانند آسیه زن فرعون،

۱. هادی قطبی، چرا زن شدم؟، ص ۱۷-۱۹ و ۲۲.
۲. محمد نصیری، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ص ۵۴ و ۵۲.
۳. سوره تکویر / ۸-۹.
۴. محمد نصیری، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، ص ۵۴ و ۵۲.
۵. سوره کوثر / ۱.
۶. سید محسن خرازی، زندگی چهارده معصوم (علیهم السلام) ص ۱۱۳-۱۱۴.
۷. روح الله گایینی و مهدی شعبانی مهردرانی، تربیت کودک از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) ص ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۷.
۸. هادی قطبی، چرا زن شدم؟، ص ۱۷-۱۹ و ۲۲.
۹. روح الله گایینی و مهدی شعبانی مهردرانی، تربیت کودک از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) ص ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۷.
۱۰. همان.
۱۱. مرتضی آقا تهرانی و محمد باقر حیدری کاشانی، خانواده و تربیت مهدوی، ص ۳۱۶-۳۱۷.

# نگار گویا

## اکرم السادات میر کمال

در چهار گوشه‌های خانه ریخت و بقیه آن را روی میز آشپزخانه گذاشت.

آن روز، تولد مهدی کوچولو بود و مادر از صبح در فکر پختن یک کیک خوشمزه بود. بعد از ظهر مادر گفت: مائده جان! من می‌روم تا شکر بخرم. خمیر کیک را هم آماده و روی میز آشپزخانه گذاشتم. مواظب برادرت باش. این را گفت و از منزل خارج شد. مادر بزرگ مثل همیشه، کتاب دعایش را باز کرد و مشغول خواندن دعا شد. ناگهان یاد منبر امام جماعت مسجد افتادم که درباره نگاه حرام صحبت می‌کرد. رفتم و کنار مادر بزرگ نشستم. دستم را روی پایش گذاشتم و گفتم: مادر بزرگ! امروز امام جماعت مسجد درباره نگاه حرام صحبت می‌کرد. نگاه حرام چیست؛ اصلاً چرا بعضی نگاه‌ها حرام است؟ مادر بزرگ دعا خواندن را قطع کرد و سرش را به طرف من چرخاند. بعد با مهربانی گفت: مائده جان! خدا به ما امر کرده است تا چشم‌های خود روی بعضی چیزها ببندیم و نگاهشون نکنیم؛ مثل نگاه به نامحرم، عکس و فیلم‌های مبتذل. این طور نگاه‌ها حرام است. دختر عزیزم! خدا چون ما رو دوست داشته به ما امر کرده است، به این چیزها نگاه نکنیم؛ به این دلیل که این مسائل ظاهر قشنگ و جذابی دارند؛ اما باطن آنها زشت و مضر است.

ضمن صحبت‌های مادر بزرگ متوجه مهدی شدم که در آشپزخانه مشغول بازی بود. از مادر بزرگ تشکر کردم و دوان دوان به طرف مهدی رفتم و گفتم: مهدی! بیا بیرون و در آشپزخانه خراب کاری نکن.

شب هنگام همگی دور هم جمع شدیم. مادر بزرگ، مادر و من، همگی، مهدی کوچولو را در آغوش گرفته، تولدش را تبریک گفتیم. مادر با خوشحالی به آشپزخانه رفت و کیک را که پخته بود، آورد.

وای! چقدر کیک قشنگ و خوشمزه‌ای به نظر می‌رسید.

آن روز مثل همیشه بعد از نماز، امام جماعت بالای منبر رفت. از وقتی به سن تکلیف رسیده بودم، به نماز خیلی اهمیت می‌دادم؛ سعی می‌کردم هر روز نماز را در مسجد و به جماعت بخوانم؛ چون شنیده بودم اولین سؤالی که روز قیامت از هر مسلمانی پرسیده می‌شود، درباره نماز است.

امام جماعت مانند هر روز، احکام دین را می‌گفت. سکوت همه جا را فرا گرفته بود و نمازگزاران با دقت گوش می‌دادند. امام جماعت می‌گفت: نگاه حرام تیری از سوی شیطان است که به قلب فرد با ایمان زده می‌شود؛ پس از نگاه حرام بپرهیزید...

در راه بازگشت از مسجد به حرف‌های امام جماعت مسجد فکر می‌کردم. نگاه حرام چیست؛ چرا بعضی نگاه‌ها حرامند؟ در همین فکرها بودم که به خانه رسیدم.

وقتی در خانه را باز کردم، برادرم که سه سال بیشتر نداشت، دوان دوان طرفم آمد و با آن صدای قشنگ بچه‌گانه‌اش داد زد: در خانه موش پیدا شده است. با تعجب گفتم: موش؟ دستش را گرفتم و با هم از ایوان وارد ساختمان خانه شدیم. مادر بزرگم یک گوشه نشسته بود و تسبیح را با آن دست‌های چین و چروک خورده و مهربانش می‌چرخاند و با لبخند گفت: مائده جان! قبول باشد.

- سلام! قبول حق باشد؛ مامان بزرگ! مهدی راست می‌گوید؛ موش پیدا شده است؟! - بله، عزیزم!

- مادر کجاست؟

- به داروخانه رفته است تا از دایی سجاد مرگ موش بخرد.

دایی سجادم دکتر بود و از چند سال پیش در یک داروخانه کار می‌کرد. اندکی بعد مادرم از در وارد شد و در حالی که یک جعبه کوچک دستش بود، گفت: حالا با این مرگ موش از شر همه موش‌ها خلاص می‌شویم. بعد در آن را باز کرد و مقداری از آن پودر مرگ موش را

در همین فکرها بودم که مادر بزرگ، دستهای پر محبتش را روی شانهام گذاشت و گفت: عزیزم! یادت هست، عصر از من پرسیدی چرا خدا بعضی نگاهها را حرام کرده است؟

گفتم: بله؛ یادم می‌آید.

گفت: ببین دخترم! وقتی نگاه به این کیک می‌کنی، چقدر خوشمزه و قشنگ به نظر می‌آید؛ اما خبر نداری در آن مرگ موش ریخته شده است و خوردن آن باعث مرگ انسان می‌شود؛ پس بهتر است که نگاهش نکنی تا بتوانی میل خود را کنترل کنی و کاری نکنی که به ضررت تمام شود. نگاه کردن به چیزهایی که خدا حرام کرده مانند همین کیک است. نگاه به آن لذت بخش است؛ اما خبر نداری که پشت این لذت، چه فاجعه وحشتناکی در انتظار تو است.

تازه فهمیدم که چرا خدا بعضی نگاهها را حرام کرده است. در همین حال، مادر با لبخندی ملیح، مهدی را نوازش کرد و گفت: اشکالی ندارد، پسر! الان می‌روم و کیک آماده از شیرینی فروشی تهیه می‌کنم، اما این کار خیلی اشتباه بود. وقتی می‌خواهی دست به چیزی بزنی، از بزرگ‌ترها اجازه بگیر. مهدی با خجالت سرش را بلند کرد و گفت: ببخشید! دیگر تکرار نمی‌شود.

من هم با خوشحالی گفتم: درست است که این کیک، خوردنی نیست؛ اما خیلی خوب شد؛ چون حالا فهمیدم چرا خدا بعضی نگاهها را حرام کرده است! <sup>۱</sup>



مادر گفت: حالا همگی کیک می‌خوریم. بعد رو به مادر بزرگ کرد و گفت: مادر جون! من به علت بیماری شما، شکر خیلی کمی در آن ریختم تا شما هم بتوانید بخورید. مهدی با شیطننت گفت: اما من بعداز ظهر در آن مقدار زیادی شکر ریختم تا خوشمزه شود.

مادر با تعجب گفت: اما شکر ما تمام شده بود. عصر من رفتم بیرون تا شکر بخرم. تو از کجا شکر آوردی؟ مهدی گفت: از همون جعبه

که صبح رفتی و از دایی سجاد گرفتی. مادر رنگش پرید. محکم روی دستش زد و گفت: اما آن مرگ موش بود. تو چکار کردی؟ همگی حیرت زده خدا را شکر کردیم که قبل از خوردن کیک، متوجه همه چیز شدیم. با چشم‌های حیرت زده‌ام به کیک که مامان پخته بود، نگاه می‌کردم و می‌گفتم: وای چه کیک؟! چقدر خوشمزه به نظر می‌آید. وقتی نگاهش می‌کنم، دلم می‌خواهد آن را یک جا بخورم. مهدی! چرا این کار را کردی؟

هم‌زمان با آغاز انقلاب صنعتی در اروپا و شروع دوره مدرنیته، شاهد تحولات وسیع و چشمگیری در عرصه‌های شخصی و اجتماعی زندگی اروپاییان بودیم که بخش مهمی از این تحولات را می‌توان خروج دین از عرصه اجتماع و محبوس شدن آن در چهار دیواری‌های شخصی و البته کمرنگ شدن تدریجی آن دانست. این حرکت در ظاهر، رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را دنبال می‌کرد؛ اما در واقع تیشه‌ای بود که بنیان اخلاق را از ریشه کند و انسانیت را به حلقه گمشده انسان به ظاهر متمدن غرب تبدیل کرد. در این میان، دین همانند عنصر حیات بخش و موتور محرک اجتماع به موجودی بی‌آزار و البته بی‌اثر تبدیل

شد. شاید علت اصلی رواج مکاتب و «پسم»‌های نو ظهور در غرب امروز نیز ناشی از همین کمبود فطری و درونی در عرصه حیات اجتماعی باشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و واژگونی رژیم پهلوی در ابتدا به نظر می‌رسید که این حرکت دینی، طی زمانی کوتاه، ماهیت خود را از دست داده، دچار اختلاف‌های داخلی شده می‌شود و پایگاه مردمی خود را از دست خواهد داد و در نتیجه، نظام سلطه، دیگر بار می‌تواند بر ایران مسلط شود و از منابع ایران، سوء استفاده کند؛ اما گذشت زمان، نشان داد که این شعله به سادگی خاموش نمی‌شود؛ بنابراین، حربه ایجاد ناامنی به وسیله گروهک‌های داخلی (منافقین) و نیز جنگ تحمیلی هشت

ساله در دستور کار قرار گرفت؛ اما با وجود کمک‌های بی‌حساب تمامی قدرت‌های آن زمان به عراق، اعم از بلوک غرب و شرق، باز دنیا شاهد ایستادگی ملت ایران بود.

آن‌گاه نظام سلطه در جست‌وجوی یافتن علت اصلی این پایداری، یگانه گزینه پیش روی خود را عنصر دین و نقش پررنگ آن در عرصه‌های اجتماعی و شخصی دانست؛ بنابراین، حذف دین از زندگی ایرانیان را هدف قرار داد؛ اما خطرناک‌تر از این مسئله، نقشه دست‌یابی به آن هدف از طریق حمله آرام و نرم به مبانی فرهنگی - دینی جوانان ایرانی بود که البته از چشم‌های بیدار و نگاه نافذ رهبر فرزانه‌مان دور نماند و ایشان، بارها درباره «جنگ

# تنها چشم رسانه‌های هشدار دوبراره

◀ مهدی صبوخی



ماهیت ضد دینی و ضد فرهنگی خود تحت لوای مقابلهٔ سیاسی با نظام حاکم بر ایران، می‌کوشند در خفا به تبلیغ به هنجاری‌های فرهنگی بپردازند؛ این ناهنجاری‌ها سال‌ها پیش، بنیان خانواده‌های اروپایی را به هم ریخت. جالب‌تر این است که دشمن، بهترین و راحت‌ترین راه را برای ناتوی فرهنگی خود انتخاب کرده است: «آندلسی کردن ایران با از بین بردن خانواده به مثابه رکن اصلی و مهم برای ایجاد شخصیت دینی سالم در افراد.»

امروزه شبکه‌های ماهواره‌ای به این موضوعات می‌پردازند: ترویج خانواده‌هایی بی‌سامان و لجام گسیخته در مقابل ساختار سنتی خانوادهٔ ایرانی؛ ترویج و عادی جلوه دادن خیانت همسران؛ ترویج پوشش‌های زننده و مبتذل؛ ترویج مکاتب نو بنیان و غیراخلاقی همچون شیطان پرستی؛ تعصب‌زدایی از کانون خانواده و ترویج بی‌تفاوتی به حریم آن؛ عادی جلوه دادن روابط دختر و پسر ترویج فمینیسم؛ ترویج زندگی با دیگران به جای ازدواج؛ ترویج هم‌جنس‌گرایی و البته نمایش اسلام به شکل دینی عقب مانده و تاریخ مصرف گذشته برای دنیای پیشرفتهٔ امروز.

در پایان بد نیست به یکی از مفاد پروتکل یهودیان اشاره کنیم که در آن، خواستار نابودی کامل همهٔ ادیان به جز یهود شده‌اند و حاکمیت مطلق یهودیان بر عالم را هدف‌گذاری کرده‌اند. با اندک تأملی در آن‌چه گفته شد و توجه به ارتباط موجود بین این خواستهٔ یهود و حوادث دنیای امروز دست‌های پنهان این جنایتکاران در کلیهٔ حمله‌های بی‌سابقه، علیه ایران، کاملاً هویدا می‌شود.

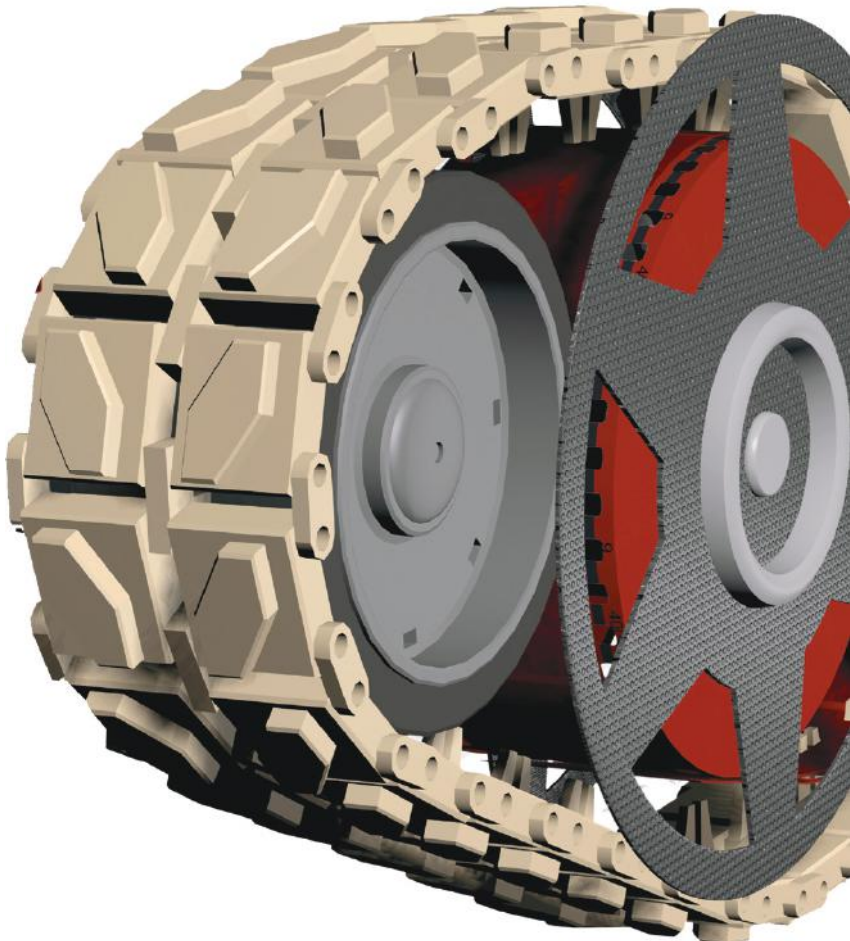
امروز تمامی سازمان‌ها، نهادها، ادارات و سازمان‌های مرتبط با مباحث فرهنگی از حوزه تا دانشگاه و از وزارت فرهنگ تا صدا سیما باید با هم متحد شوند. همه باید دست در دست هم دهیم تا با یاری هم بتوانیم از این جنگ نیز، چون جنگ تحمیلی هشت ساله سربلند بیرون آییم. رهبر معظم انقلاب فرمودند: «امروز، بهترین ابزار جنگ بین قدرتها در دنیا رسانه است.»<sup>۱</sup> همه باید به این باور برسند که ایستادگی در مقابل هجوم بی‌امان این ناتوی فرهنگی، کمتر از ایستادگی در مقابل توپ و تانک ارتش تا دندان مسلح صدام نیست.

فرهنگی» تذکر دادند. با نگاهی به گفته‌های معظم‌له می‌فهمیم که ایشان ابتدا بحث تهاجم و شبیخون فرهنگی را مطرح کردند؛ اما در پی سکوت یا کم کاری مسئولان بارها هشدار دادند که

دشمن در پی قتل عام فرهنگی است.<sup>۱</sup> رسانه و به طور خاص ماهواره یکی از ابزارهای برای «ناتوی فرهنگی» است. پس از جنگ تحمیلی، آرام آرام شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان، رسالت دین زدایی از جامعه ایرانی را بر دوش گرفتند و طی سال‌های اخیر با رشد قارچ‌گونه و معنادار خود، حول سه محور به صورت گسترده به تأثیرگذاری مشغول شدند. اول: شبکه‌هایی با ماهیت سیاسی؛ دوم: شبکه‌هایی با ماهیت ضد فرهنگی و سوم شبکه‌هایی با ماهیت ضد دینی که بعضی حتی ادیان و مذاهبی غیر از اسلام و تشیع تبلیغ می‌کنند و به تازگی نیز برخی از شبکه‌های به با ظاهر شیعی مشغول تخریب مبانی اصلی و ریشه‌های «شیعهٔ اثنی عشری» هستند.

از این مطالب در می‌یابیم که شبکه‌های دینی وظیفهٔ خروج دین اسلام از صحنهٔ اجتماعی ایران را به عهده دارند و شبکه‌های فرهنگی نیز با تخریب جامعه از درون، در صدد رسیدن به همان هدف هستند؛ اما با اندک تأملی در برنامه‌های شبکه‌های سیاسی، در می‌یابیم که آنان نیز با

آنچه امروز شبکه‌های ماهواره‌ای بدان می‌پردازند عبارت است از: ترویج خانواده‌هایی بی‌سامان و لجام گسیخته در مقابل ساختار سنتی خانواده ایرانی، ترویج و عادی جلوه دادن خیانت همسران، ترویج پوشش‌های زننده و مبتذل، ترویج مکاتب نو بنیان و غیراخلاقی هم‌چون شیطان پرستی، تعصب‌زدایی از کانون خانواده و ترویج بی‌تفاوتی نسبت به حریم آن، عادی جلوه دادن روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، ترویج فمینیسم، ترویج زندگی با دیگران به جای ازدواج، ترویج هم‌جنس‌گرایی و البته نمایش اسلام به عنوان دینی عقب مانده و غیرقابل استفاده برای دنیای پیشرفته امروز.



۱. «کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک «تهاجم فرهنگی»، بلکه باید گفت: یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است: سخنان معظم‌له در تاریخ ۱۳۷۱/۴/۲۲.  
۲. سخنان معظم‌له در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۸.



# فرصت‌های اوقات فراغت

◀ به کوشش سید علی حسینی

نَعْمَرُكُم<sup>۴</sup>؛ «آیا ما به تو عمر ندادیم؟»<sup>۵</sup>

## اوقات فراغت در قرآن

فراغت در لغت: از ریشه فرغ یفرغ، به معنای جدا؛ و خالی شدن از چیزی و خلاف شغل و اشتغال است.<sup>۶</sup>

وا حسرتای برخی از دوزخیان بلند است و می‌گویند: «زَبَّ ارْجَعُونَ»<sup>۷</sup>؛ خدایا! ما را به دنیا برگردان و به ما عمر دوباره عطا فرما» یا می‌گویند: «لَوْ أَن لِّی كَرَّةٌ فَأَكُونُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۸</sup>؛ اگر برای من برگشتی باشد، از نیکوکاران خواهم بود». خداوند هم می‌فرماید: «أَوَلَمْ

خود را به اختیار خود رها می‌کنند و برنامه‌ریزی صحیحی برای آنها ندارند و بهترین زمانی زندگی آنها را به هدر می‌دهند. وقت و زمان به قدری مهم و ارزشمند است که خداوند در چند جای قرآن به آن قسم خورده است:<sup>۹</sup> حتی در آخرت نیز ندای

از امور مهم و اساسی در جامعه امروز، مدیریت اوقات فراغت و فهم صحیح و دینی از اوقات فراغت است. بسیاری از افراد، تصورشان از اوقات فراغت، بیکاری و بیهوده‌گذرانی و سرگرم شدن به امور لغو و بی‌حاصل است و حتی بسیاری از والدین در ایام فراغت فرزندان

سرگرمی‌های سالم را به گونه‌ای برای جوانان فراهم کرد که هم وقت آنها را پر کند و هم در رشد جسمی و روانی آنان تأثیر نگذارد که برخی از آنان اشاره می‌کنیم. برای نمونه، شنا یکی از لذات حلال و تفریحات نشاط آور است که در روایات اسلامی، فراوان به یادگیری شنا و آموختن فن شناگری به فرزندان سفارش شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «**علموا اولادکم السباحه و الرمايه**»<sup>۱۲</sup> به فرزندان خود شنا و تیراندازی یاد بدهید».

امیرالمؤمنین علیه السلام به شنا کردن علاقه داشت روزهای جمعه، به کنار رودخانه می‌رفت و در رودخانه غسل جمعه و شنا می‌کرد. اشعث بن عبد می‌گوید: یک روز جمعه علی علیه السلام را دیدم که در رودخانه فرات شنا کرد و غسل جمعه به جا آورد و در آن روز با پیراهنی نو نماز جمعه خواند.<sup>۱۵</sup>

کوتاه سخن آنکه: اسلام به فراهم کردن اوقات فراغتی که در آن تفریحات سالم و نشاط آور باشد، برای رشد و افزایش کیفیت فعالیت آدمی توجه کرده و مسلمان باید در برنامه‌ریزی زندگی خود، حتماً به این مطلب توجه کند.



به خواسته، شیطانی حاصل می‌شود».

### گردش و تفریح

در فرهنگ اسلامی بین کار، فراغت و استراحت، هماهنگی کامل وجود دارد و فراغت، فعالیتی مطلوب و لذت بخش برای به دست آوردن نشاطی است که مقدمه هر چه بهتر انجام دادن امور دینی خواهد بود؛ لذا همان گونه که بدن به انواع غذا محتاج است، روح آدمی نیز به شادابی و تفریحات سالم نیازمند است. برادران حضرت یوسف علیه السلام به بهانه نیاز او به ورزش او را از پدرش جدا کردند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَرْسَلْهُ مَعَنَا غَدًا يَزْتَعِ وَيَلْعَبُ﴾<sup>۱۳</sup> فردا او را با ما به صحرا بفرست تا به گردش و بازی بپردازد. با بررسی سیره عملی امیرالمؤمنین علیه السلام این حقیقت را به روشنی مشاهده می‌کنیم که انسان به تحرک و تفریح نیاز دارد. در این زمینه می‌توان به استفاده از زیبایی‌های طبیعت مثال زد که وقتی حضرت به سوی صفین حرکت می‌کردند، به سرزمین (بلیخ) رسید که جای خوش آب و هوایی بود و رودخانه‌ای بزرگ و پر آب داشت. آن حضرت دستور داد تا سپاهیان در آنجا (که مناظر زیبایی داشت) مدتی بمانند و از آب و هوای دلنشین آن سامان بهره‌مند شوند و استراحت کنند.<sup>۱۴</sup>

### سرگرمی‌های سالم و نشاط آور

جوان و نوجوان برای رشد و کمال روحی و جسمی هم به فعالیت‌های بدنی نیاز دارد و هم به طراوت و شادابی روح؛ بنابراین باید تفریحات و

رسیدن به هدفی که مرا برای آن خلق کردی، به من فرصت بده و فارغ کن».<sup>۱۶</sup>

اول قدم ز عشق فراغت بود مزد هزار شغل دهند این فراغ را امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «**للمؤمن ثلاث ساعات، فساعة ينجي فيها ربه و ساعة يرم معاشه و ساعة يخلى بين نفسه و بين لذتهای فیما یحل و یجمل**»؛ «مؤمن وقت خود را به سه قسمت تقسیم می‌کند: ساعتی که در آن با پروردگارش راز و نیاز می‌کند؛ ساعتی که در آن معاش خود را اصلاح می‌کند و ساعتی نیز برای خود و بهره‌بردن از لذت و خوشی حلال و زیبا و نیکوست می‌گذراند».

### آثار مخفی اوقات فراغت در کلام اهل بیت علیهم السلام

ائمۀ اطهار علیهم السلام همواره از بیکاری و تنبلی نهی کرده‌اند؛ چرا که اوقات فراغت، پدیده‌ای است که می‌تواندش بستری برای رشد و شکوفایی استعدادهای گوناگون شود و از سوی دیگر، زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات و بزهکاری‌ها دانسته شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خداوند، جوان بیکار را دوست ندارد». امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجاده می‌فرماید: «**ان قدرت لنا فراغا من شغل فاجعله فراغ سلامة، لا تدرکنا فیه تبعه**، خداوند! هرگاه برای ما فراغتی از کارها مقدر کرده باشی، پس آن را با سلامتی از آفات قرار ده که در آن به گناهی آلوده نشویم و خستگی به ما رو نیاورد.

امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «**مع الفراغ تكون الصبوة**»؛ همراه بیکاری و فراغت تمایل

در اصطلاح جامعه شناسان نیز فراغت: مجموعه‌ای از اشتغالات است که فرد به میل خود برای استراحت تفریح یا برای آگاهی و فراگیری و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی، مذهبی و اجتماعی بدان می‌پردازد؛<sup>۱۷</sup> اما در فرهنگ قرآن، فراغت به معنای بیکاری و رها شدن نیست. قرآن به پیامبر اکرم می‌فرماید: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾؛ پس همین که فراغت پیدا کردی، یک کار نو شروع کن»؛ البته آن باید کاری جهت دار باشد: ﴿وَالِلِ رَبِّكَ فَاغْبُ﴾<sup>۱۸</sup>

### اهمیت اوقات فراغت در روایات

در روایات هم به اوقات فراغت اشاره شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «خداوند! برای

۱. و الصبح، و الضحی، و النهار، و العصر، واللیل، قسم به صبح؛ قسم به ظهر؛ قسم به روز؛ قسم به عصر؛ قسم به شب!

۲. سوره مؤمنون / ۹۹.

۳. سوره زمر / ۵۸.

۴. سوره فاطر / ۳۷.

۵. لسان العرب، ج ۸، ص ۴۴۴.

۶. مفردات راغب.

۷. انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی.

۸. سوره الشرح آیه ۸.

۹. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۳۸۴. «اللهم فرّغنی لما خلقتنی».

۱۰. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۹۵.

۱۱. غررالحکم، ۷۵۹۳.

۱۲. سوره یوسف / ۱۲.

۱۳. فتوح ابن اثیر کوفی، ص ۵۱۲.

به نقل از محمد دشتی، کتاب امام علی و تفریحات سالم.

۱۴. کافی، ۶، ص ۴۷.

۱۵. سید ابوالقاسم موسوی خویی،

منهاج البراهین، ج ۲، ص ۲۰۸.

# در این و آنفسای مه آلودگی

آقای مهربانم!

تصویر زیبای لبخندت را در جامانده قطره  
بارانی دیدم که صبحگاهان، سلام بی‌همتایی  
را به تو رساند که رسمش مهربانی است  
و خطش عشق؛ رسم الخط زیبایی است،  
نوشته‌هایش را بنگر. کافیت دمی بیاسایی  
از غیر او تا بخوانی سیاه مشقه‌ای سپیدی را  
که از شوق وصل و ذوق قرب، آرام و قرار  
ندارند و مادام به رسم شیدایی، آینه تمام  
نمای اویند. به فراخور سوادمان میخوانیم.  
ای کاش! بیسواد بودم تا فقط مینگر بستم تو  
را!

عاطفه حقیقی

مهربانم! تا کی در دادگاه دلم برای  
نیامدنت متهم بتراشم. تا کی...  
کاش پرواز بلد بودم تا یگانه دغدغهام  
چند راهی رسیدن به تو بود. نه پرواز  
یاد گرفتیم نه پرندهور آمدن را فقط  
ماندن بلدم؛ ماندن و رضایت بر این  
بودن...

عباسی

شاید هنوز توحید دایره پرگارم نشده است  
که در دایره وجود با هر غفلت، نبودنت را  
نشانه میروم و خرسندم از این قهرمانی!  
گفتم: از چند راهی رسیدن به تو، یک  
راهش را می‌دانم دور نیست؛ اما چند  
روزی است که بهانه‌گیر شده دلم. باران  
می‌خواهد؛ زیر باران میبرمش، «آمن  
یجیب» می‌خواند. بهانه آفتاب می‌گیرد در  
این و آنفسای مه آلودگی. حتما تقصیر باران  
است و مه و من باز بیگناه‌ترینم!

مهدوی

## مهدی جان!

یادم آمد که باید برایت بنویسم و این به معنای انتهای نسیان و فراموشی است.

آری! اگر من و تو خود را فراموش نکرده بودیم و معجون غفلت را نمی ساختیم، نیازی به انتظار نداشتیم که او نعمتش را برای انسان فرویزد و رحمتش را بر تمامی هستی پراکنده کند.

آنانی که خود را منتظر می نامند؛ اما پایی برای رفتن نمی سازند؛ بازگرانی هستند که هر لحظه در پایان نقش خود، خود را نظاره گر خواهند دید و آنان جز آلات متحرک چیزی دیگری نخواهند بود.

## فرزانه دشتی

خورشید! میترسم از آن زمان که ابرهای بی غیرتی و غفلت رویمان بیفتد و ما از آن نگاه محروم بمانیم.

درست است که لطفت جاریست و خاطره ات گرمابخش وجودمان؛ ولی چه کنیم با تنهایی و دلهره یخ زدن؟!

خوب شد تو هستی؛ و گر نه عباد اتمان ابتر می ماند و شکوفه نمی زد؛ چه می گویم؟! ابتر می ماند؟! نه! بدون تو هیچ عبادتی ابتر نیست. فدای دل پر وسعتت که مرز نمی شناسد! چه قدر به فکرمان هستی؟! مهربان!

درست است که به شب عادت کرده ایم؛ اما گاه گاهی یادمان می آید که چه لذت بخش است در روز و در حضور تو زندگی کردن.

## زیبا سرشت

با یاد تو می شود شاعر شد و رفت زیر باران عاطفه خیس خیس...؛ با یاد تو می شود بی اعتنا از کنار تمام آسمان خراش ها گذشت و در اشک دخترک گل فروش گم شد؛ با یاد تو می شود هزار بار، دور آزادی دور زد. چرخید و چرخید و چرخید... با یاد تو می شود به تاول دست ها لبخند زد و تبسم ها تازه چیده خود را به صندوق صدقات انداخت؛ با یاد تو می شود حساب پس انداز برای تمام اشک ها باز کرد؛ با یاد تو می شود خود را بدون حق بیمه برای همیشه بیمه کرد؛ با یاد تو می شود برای تمام پزشک ها دنیا نسخه پیچید؛ با یاد تو می شود تمام آرزوهای خوب را نوشت و به آشنای سپرد که تا ابدیت جاری است؛ با یاد تو می شود عاشق شد و رفت و رفت و رفت... تا به جگر آن رسید!

با یاد تو می شود؛ اما نه! نمی شود انتظار را تحمل کرد، نمی شود؛ بیا که آمدنت را دیر می گویند؛ اما نزدیک می بینم، نزدیک و نزدیک تر!

سید علیرضا موسوی



## شبهای قدر قدر فاطمه (علیها السلام)!

درک فاطمه، سخت است. کارهای خانه، سخت بود و فاطمه خدمتکار داشت؛ اما یک روز خودش کار می کرد و روز بعد فضا کارها را انجام می داد. در طوفان حوادث، فاطمه (علیها السلام) سنگ صبور پدر و همسر خویش بود. بهترین مادر، نیکوترین همسایه و شایسته ترین زن در مقام مادر بود. فاطمه (علیها السلام) را خیلی ها دیدند و خیلی ها ندیدند. شأن ام ابیها درک نشد. درباره این زن بزرگ خیلی حرف ها شنیده ایم؛ اما سخت است درک او، آن قدر عظیم است که با درک شب قدر برابر است. سخن امام صادق (علیه السلام) گواه این درک عظیم است: «هر که فاطمه را آن گونه که سزاوار است بشناسد، بی تردید شب قدر را درک کرده است».



## ۲ مرداد: ولادت امام حسن مجتبی (علیه السلام) ناشناس!

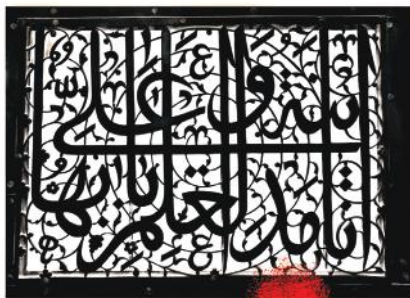
روزها بود که پیرمرد غر می زد: «آخر زن! چرا یگانه گوسفندمان را برای سه نفر ناشناس، ذبح کردی؟ تو می دانستی آن گوسفند، یگانه دارایی ما بود.» روزها بود که پیر زن پاسخ می داد: «اما آنها مهمان ما بودند و مسافر خانه خدا. من به مردانی از قریش کمک کردم که گرسنه و تشنه و خسته بودند، مردانی که در چهره آنها مهربانی و نور می دیدم.» اما پیرمرد به این جواب همسرش راضی نمی شد و باز او را ملامت می کرد. روزها گذشت و آن دو به شدت فقیر شدند و برای گذراندن زندگی شان به مدینه رفتند. پیر زن در حال عبور از کوچه ای بود که امام حسن (علیه السلام) او را شناخت و نزد خود فراخواند و فرمود: «آیا مرا می شناسی؟»

پیر زن نگاهی کرد؛ اما نشناخت. حضرت آن روز را به یاد پیر زن آورد که به همراه برادرش امام حسین (علیه السلام) و دامادشان عبدالله مهمان پیرزن بودند. حضرت از وضع زندگی پیرزن پرسید و صد شتر به او هدیه داد و باز هم از پیر زن تشکر کرد. امام حسین (علیه السلام) و عبدالله نیز کیسه های پول و گوسفندان بسیاری به او بخشیدند. پیر زن نمی دانست چطور از این سخاوتمندان تشکر کند. خوشحال بود که آن سه میهمان ناشناس را شناخته است.



# رازها و روزها

◀ معصومه سادات میرغنی



## ۸ مرداد: شهادت امام علی (علیه السلام) آزار ممنوع!

با همسرش مهربان بود. بهترین همسر برای فاطمه بود و عادل ترین رهبر برای همه. گاهی مردی نزدش می آمد و از همسرش شکایت می کرد و گاهی زنی از مردش گله داشت. حضرت به صحبت های آنها گوش می داد؛ سپس می فرمود: «در تمام حالت ها با همسر سازگاری کن و به نیکی معاشرت کن تا زندگی ات با صفا شود... هر مردی همسرش را با زبانش بیازارد، خداوند والا نه سخنی از او می پذیرد و نه عدالت ورزی اش را. نه نیکو کاری اش را تا همسرش را خرسند کند، گرچه روزها روزه گیرد و شبها به نماز ایستد و برده ها آزاد کند... و [چنین مردی] از نخستین افرادی است که وارد دوزخ می شود. هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند بلند مرتبه نه سخنی از او می پذیرد و نه عدالتی، نه نیکوکاری و نه عملی تا همسرش را راضی کند، گرچه [آن زن] روزها روزه گیرد و شبها نماز بر پا دارد و بنده ها آزاد کند... [چنین زنی] از نخستین افرادی خواهد بود که به دوزخ گام می نهد.»



## ۱۱ شهریور: شهادت امام جعفر صادق (علیه السلام) حتی پنج یاور!

سهل خراسانی نمی‌دانست چه کند. به حضرت اعتراض کرده بود: «چرا قیام نمی‌کنید؟» و امام در پاسخ از او خواسته بود که داخل تنور برود. سهل در فکر بود که هارون مکی از راه رسید و بر حضرت سلام کرد. حضرت پس از جواب سلام فرمود: «ای هارون! کفش‌هایت را زمین بگذار. حرکت کن برو درون آتش و بنشین». هارون بی‌معطلی خواسته امام را انجام داد. حضرت درباره اوضاع شهر خراسان با سهل گفت‌وگو کرد؛ سپس فرمود: «ای سهل! بلند شو برو ببین، در تنور چه خبر است.» سهل، کنار تنور ایستاد و هارون را دید که در میان شعله‌های آتش را آرامش تمام نشسته است. به دستور حضرت، هارون از تنور بیرون آمد؛ اما نگاهی به سهل کرد و پرسید: «در خراسان شما چند نفر مخلص مانند این شخص - هارون که مطیع ماست - پیدا می‌شود؟» سهل سر به زیر انداخت و پاسخ داد: «هیچ! به خدا سوگند حتی یک نفر هم این چنین وجود ندارد.»

حضرت به نقطه‌ای خیره شد و فرمود: «ای سهل! ما خود می‌دانیم که در چه زمانی خروج و قیام کنیم و آن زمان موقعی خواهد بود که حداقل پنج نفر هم دست، مطیع و مخلص ما یافت شوند؛ در ضمن بدان که ما خود آگاه به تمام آن مسائل بوده و هستیم.»



## ۱۶-۲۶ شهریور دهه کرامت

دارد دل ما راه نجاتی دیگر  
در مشهد و در قم عتباتی دیگر  
بر بانوی باکرامت قم صلوات  
بر شاه خراسان صلواتی دیگر  
«سید محمد جواد شرافت»

## ۱۱ مرداد روز جهانی قدس

شمه‌ایم اگر روز ستم خاموشیم  
خون است اگر آب خنک می‌نویسم  
آن سوی جهان کرب و بلایی بر پاست  
ما هم دلمان خوش است مشکی پوشیم  
میلاذ عرفان پور

## ۱۸ مرداد عید سعید فطر

«آنهایی که شوقاً اِلَیَّ الله، حیَّ الله، شکرأً لله عبادت کردند، جایزه را از دست بی‌دستی خدای سبحان دریافت می‌کنند و آن هم محبوبیت است و کرامت را به آنها عطا می‌کند؛ وقتی محبوب الهی شدند، هم از گزند دوزخ مصون‌اند، هم از فیض و فوز بهشت بهره‌مند خواهند شد... مطلب مهمی که وظیفه همه ما، در همه مراحل، مخصوصاً در این عیدهاست، این است که دعا برای وجود مبارک ولی عصر و استقرار حکومت مهدوی باکرامت و عزت از خدا بخواهیم. وجود مبارک امام باقر (علیه السلام) وقتی برای نماز عید فطر بیرون می‌آمدند؛ از منزل خارج می‌شدند، دعاهایی که مربوط به امام زمان است، داشتند که خدایا! «اللهم إنا نرغب الیک فی دولة کریمه تعز بها الاسلام و اهله!» چنین که خود وجود مبارک ولی عصر هم این دعاها را دارد. دعای نورانی امام مهدی موجود موعود «علیه افضل و صلوات المصلین» بعد از نماز صبح روز عید فطر این است؛ عرض می‌کند: خدایا! من می‌خواهم به حضور شما باریابم، اما با جلال و شکوه می‌آیم که محفوظ بمانم. «اللهم انی اتوجه و الیک بمحمد (صلی الله علیه و آله) و بعلی (علیه الصلاه و السلام) عن یمینی و خلفی و بأهلئی عن یمساری استقروا بهم من عذابک.» (آیت‌الله جوادی آملی)





# پیامک

شکرا!

۰۹۱۸\*\*\*۳۵۷۸

خدا کند که مرا با خدا کنی آقا؛ ز قید و بند معاصی رها کنی، آقا؛ دعای ما به در بسته می-خورد، ای کاش! خودت برای ظهورت دعا کنی آقا! بیا که فاطمه (ع) در انتظار دستانت، نشسته است تا حرمش را بنا کنی؛ آقا!

۰۹۱۳\*\*\*۳۲۴۷

باز آ که در فراق تو چشم امیدوار / چو گوش روزهدار به الله اکبر است!

۰۹۱۱\*\*\*۲۳۱۱

همسفر گرامی! لطفاً برای ادامه سفر به مقصد شهر انتظار، کمرندهای توش خود را محکم ببندید.

۰۹۱۲\*\*\*۴۶۷۷

وجود مرا روزنهای از نور بس؛ ولی وقتی خورشید هست، چرا روزنه را بخواهم؟! آسمان می گذرد.

۰۹۱۳\*\*\*۳۲۱۶

زمان برای پایان یافتن خط زندگی نمی گذرد؛ بلکه برای نوید آمدن نوری از آسمان می گذرد.

۰۹۱۸\*\*\*۳۲۳۸

آقای من، تو یگانه گل همیشه بهار هستی که هیچگاه نمیمیرد.

۰۹۳۹\*\*\*۴۳۱۳

مهدی جان؛ غربت مردان شهر خاکی را دریاب! همانان که با عروج سبز خود هاله-ای از گمنامی بر چهره فرشیان کشیدند... و سالیان سال، شهادت غریب و تنها مانده است؛ بیا که دلم برای بوی سیب تنگ شده است. بیا، مهدی جان؛ بیا!

۰۹۱۱\*\*\*۳۳۸۹

گل نرگس! برای محبت‌هایی که عمیقند، ندیدن، هرگز دلیل از یاد بردن نیست!

۰۹۳۶\*\*\*۳۴۲۸

مهدی جان! گرچه محروم از صفای دیدن روی توام. هر کجا هستم، به جان و دل، دعاگوی توام.

۰۹۳۵\*\*\*۳۲۳۴۵

گل فزون است؛ ولی آن گل بیخار کجاست؛ خیمه بسیار بود، خیمه دلدار کجاست؛ دل آواره من، خانه به دوش یار است؛ ای صبا! با من دلخسته بگو، یار کجاست؟

۰۹۱۷\*\*\*۲۳۱۵

گرچه یوسف را عزیز مصر با درهم خرید، من تو را با نقد جان و دل خریدارم؛ عزیز!

۰۹۱۰\*\*\*۳۸۹۳

اگر کمی زرنگی به خرج بدهیم می توانیم از طریق راه‌های ساده و بی دردسر، دل دوستان را با وجود مقدس امام زمان (ع) گره بزنیم. یکی از این راه‌های بی دغدغه و آسان، فرستادن یک پیامک مهدوی به دوستان و آشنا بانهان هست که با این کار عطری و بوی گل نرگس در فضای دل دوستانمان جاری می شود. پیامک‌های این صفحه نیز هدیه شما دوستان، به مجله امان است.

گنجشکها لاف میزنند؛ جیک جیک؛ جیک جیک! تو که رفتی صدایشان در نیامد.

۰۹۳۷\*\*\*۳۴۵۲

شنیدم؛ قصد برگشت از سفر داری، خدا را شکرا!

شنیدم؛ می خواهی از رخ پردهبرداری خدا را شکرا!

همیشه در فراق اشک می ریزم، یوسف زهر!!

از اینکه نوکری با چشم تر داری، خدا را شکرا!

نیازی بر طبابت نیست، بیمار قدیمی را! همینکه از من و حال خبر داری خدا را

# با یاران امان

«با یاران امان»، پل ارتباطی ما با دوستان صمیمی مجله است؛ پلی که یک طرف آن، نامه‌های پر مهر شما همراه با پیشنهادهای و انتقادهای راهگشا و مطالب خوب و زیبای شماست و سوی دیگر، پاسخ‌ها و قدردانی‌های در حد توان و بضاعت ماست.

## ■ حمیده گلستانی. زرنده.

با تو سخن می‌گویم به من بگو تنها ترین دریچه برای گریستن کجاست؟ به من بگو چقدر تا بودن تو فاصله است؟! به من بگو و مرا مدیون سخاوت خودت کن.

## ■ لیلا بدری. کیودر آهنگ.

مولای من چگونه می‌توانم پاسخ خوبی‌های تو را دهم با وجودی که سراپا بد بودم؟ چگونه می‌توانم صدايت كنم؟ درخواست نمايم در حالی که سالها صدايم می‌کنی و خود را به نشنیدن می‌زنم چگونه می‌توانم ببینم آن روی ماهت را و طلب عفو نمايم؟ در صورتی که بارها روبرویم نشستهای تا حرف‌هایم را بشنوی اما من از تو رو گرفتم و لب به سخن واکردم... آقاي من عفو كن، بخش که بد بودم و بد کردم، بگذر که از خودم گذشته‌ام تا به تو برسم، با وجودی که دلت را بارها و بارها شکسته‌ام. باز به این دل شکسته و خسته‌ام سری بزن و این دل را میان گناهان تنها رها مکن.

## ■ فربا مطهری. کامیاران.

آقا! خزان فصل‌ها رسید و تو باز نیامدی، بیا که دل دردمند پدر و مادرمان فقط با وجود تو تسکین می‌یابد و چشم‌های بی‌سوی منتظرانت از خاک قدم‌هایت توتیای چشم‌ها می‌کنند.

## ■ اکرم چراغی. کرمانشاه.

آقا جان! دخترم را تربیت می‌کنم که در رکاب شما باشد. کمک کن که یک یار، یار خوبی برایتان تربیت کنم. دلم می‌لرزد از فتنه‌های آخرالزمان، و امید خودم، همسر و فرزندم شماييد.

## ■ احمد نخعی. شاهرود.

نبودنت که نه، نیامدنت، راز برون افتاده‌ایست که هر جمعه در حنجره‌ام بغض می‌شود. وقتی غروب می‌شود و من هنوز چشم در راهم....

## ■ شهربانو ایل بیگی. تربت حیدریه.

هر دو ماهی انتظار شیرین است که مجله‌ای از شهر قم به این سوی کشور فرستاده شود. مطالب واقعا جالب، مفید و نو است.

## ■ پیشنهاد:

### ■ صدیقه نوری. زاهدان.

اگر امکان دارد از لطیفه و جوک نیز استفاده کنید.

### ■ ولی‌الله پورقلی. نقده.

اگر می‌شود از زبان برادران اهل سنت هم در مورد زمینه‌سازی ظهور مولا مطلب زیاد بنویسید تا آنان بیشتر جذب این مطلب بشوند؛ چون یک جوری دعوت به وحدت است.

## ■ کلامی با آقا:

■ سلام بابا از وقتی حضورت را در زندگی ام متوجه شدم رازی شیرین به قلبم نفوذ کرد که مایه شادی همیشگی و آرامش قلبم بود از اینکه می‌دیدم کسی همیشه همراه من هست و مرا می‌بیند و رفتارم برایش اهمیت دارد و همراهی او جسمی نیست که گاهی باشد و گاهی نباشد و در تمام لحظات می‌توانم وجودتان را حس کنم، شاد بودم، داعی که برای هدایت بسوی خدا خواسته بودم مستجاب شده بود اما فکر نمی‌کردم به این زیبایی باشد

■ سلام بابا امروز توی راه به نابینایی برخورد کردم کسی دستش را گرفته بود و از خیابان رد می‌کرد یاد آیه‌ای افتادم که افراد گمراه را نابینا معرفی می‌کند کمی که فکر کردم دیدم وقتی خدا به مومنین می‌گوید وابتغوا الیه الوسيله یعنی که همه باید در کارها به ظن و گمانها یا شنیده‌های خود اعتماد نکنند.





#### ■ احمد رحمتی. سمنان.

لطفاً مصاحبه‌ای از استاد جواد محدثی در شماره‌های آتی چاپ کنید.

#### ■ غلامرضا پیرزاده‌دربندی. درگز.

بہتر است مجله فصل‌بندی شود در بخش‌های مختلف مثل تعلیم و تربیت، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ....

#### ■ سیده‌زهراموسوی. اسلام‌شهر.

در صورت امکان با افراد مشهور بیشتری مصاحبه کنید. به نظر من حرف‌ها و نظرات آنان برای جوانان شنیدنی‌تر است و بہتر و بیشتر بر روی آنان تأثیر می‌گذارد.

#### ■ الهام محمدنژاد. خرم‌آباد.

چرا مجله امان دو ماه یک بار چاپ می‌شود؟ نمی‌شود هر ماه به چاپ برسد؟

#### ■ پریسا رشیدی. کرمانشاه.

در خصوص غرب و مہدویت مطالب بیشتری چاپ کنید.

#### ■ انتقاد:

#### ■ شکرالله فرجی. گراش

ورقه‌های مجله را ضخیم‌تر کردید اما نوشته‌هایش را درشت‌تر نکردید که راحت‌تر بتوانیم بخوانیم.

#### ■ معصومه بہرام. کرمانشاه

قاصدک قسمت با قاصدک پرواز کرده؟! که ازش خبری نیست؟! لطفاً یک قاصدک دیگر برای این بخش بیاورید.

#### ■ مریم خضری. قائنات.

اگر در رابطه با مرتبط بودن طراحی صفحات با متن دقت بیشتری شود، عالی است؛ زیرا خواننده با دیدن تصویر متوجه موضوع متن خواهد شد.

#### ■ مہرانه:

#### ■ طاہرہ خضری. قاینات

من اشتراک تمام شد ولی ارادت و محبت به مجله امان تمام شدنی نیست. دوبارہ مشترک می‌شوم و پای مجله امان می‌مانم؛ زیرا مجله امان، پلی است جہت درک بہتر عصر ظہور و منتظر واقعی ماندن.

#### ■ مجید عزیزی. کرمانشاه.

مطالبی کہ برایم مہم است و جای سؤال دارہ را توی مجلہ می‌خوانم و جوابم را می‌گیرم و باور بفرومائید کہ نیاز بہ مراجعہ بہ جایی دیگر را ندارم.

#### ■ رقیہ ہادی پور. البرز.

امانی‌های عزیز! قدر لحظہ لحظہ‌های حضورتان در دفتر مجلہ را بدانید. آنجا یکی از خیمہ‌های امام زمان (عج) تو ایران است. مطمئنأ امام زمان (عج) بہ شما سر خواهند زد. مگر می‌شود شما خادم آقا باشید و آقا بہ سراغتان نیاید!! آقا خاطرخواہ خادم‌هایش است، البتہ خادم‌های مخلص! کہ شما از آن دستہ‌اید.

#### ■ حمیدہ گلستانی. زرنہ.

من ہرگز اجازہ نمی‌دہم کہ صدای امان در درونم و در اعماق قلبم گم شود.

#### ■ استان آذربایجان شرقی:

آذرشہر: معصومہ یعقوبی.

تبریز: سکینہ حیدرپور. خدیجہ تبریزی‌ها. فرخندہ اردبیلچی. سکینہ باپایی ساخسلو(دونامہ)..  
نقدہ: م. پ(دونامہ).

#### ■ استان آذربایجان غربی:

خوی: ملاحت، مجید، سعید، رقیہ و حسن رحیملو. حمید رحیملو(دونامہ). اکبر و قاسم عاجل. فاطمہ اسدلو. سونج رضایی. مریم قربانعلی‌زادہ. سارا خوشدل. زیبہ تقی‌زادہ‌اصل. جابر رستم‌لو. خدیجہ حاتمی.

#### ■ استان اردبیل:

اردبیل: احمد جعفری. بہروز مرادپور.

#### ■ استان اصفہان:

آران و بیدگل: جعفر خودنقش.

خوروبابانک: محمدحسن مقیمی.

لنجان: رستم یزدانی‌چم‌حیدری. صدیقہ سلطانیان.

نجف‌آباد: علی راستی. زہرا دادخواہ. زہرا و راضیہ براتی. نرگس فلاحیان. زہرہ مغزی.

#### ■ استان البرز:

کرج: رؤیا خانی.

#### ■ استان تہران:

تہران: محمد کارگرشریف‌آباد. زہرہ اژدری. امیرحسین بدخشان‌فر. سیدعباس ہاشمی.

**مریم خانجانزاده.** مریم سادات قریشی. ابوالفضل زارعی. سیده حوراء پاینده. محمدصادق غلامی مرادحاصلی. فاطمه نساجی زواره. سمیه بختیاری. محمد وفایی. مریم فتاحی اردکانی.

#### استان کرمان:

**کرمان:** غلام عباس باغخانی پور. صدیقه نادری. حسین عابدی. الهام حیدرپور.

#### استان کردستان:

**کامیاران:** فریبا مطهری.

#### استان کرمانشاه:

**اسلام آبادغرب:** عاطفه شریفی.  
**کرمانشاه:** مروارید محمدی. مجید عزیزی. اکرم امینی. ژاله کله پایی. اعظم کنجوریان. نسرین ویسی. لیلا همیتیان. پرپسا رشیدی. لیلی صفریان گلستانی. سمیه رزلانسری. ملیحه آزادی. زهرا یزدان بخش. حسنا رشیدی (دونا مه). فریده یآوری. لیلا عسگری. سمیه خسروی. مهین شکری. فاطمه مرادی پویان.  
**گیلانغرب:** میثم حیدری فرد. مریم السادات. سیدسامان. سیدافشین و سیدداسان حسینی.

#### استان کهگیلویه و بویر احمد:

**یاسوج:** سیده فاطمه نوروزی. سیدرضا منصور. طاهره پور شیرعلی.

#### استان گلستان:

**گرگان:** سکینه شادکام.

#### استان گیلان:

**رشت:** احمد برادری. زهرا یکتاچی زاده. حسین نظریان. احمد یوسفی مبارکی. زینب صولتی.  
**رودسر:** نورالله یوسفی چمتو.  
**لنگرود:** زینب حبیبی.

#### استان لرستان:

**الشتر:** محمد کریم نورمحمدی. حسین مهرپور.

#### استان مازندران:

**بابلسر:** مطهره ولی نتاج. فاطمه سلطان علیزاده. سیده زینب و سید محمود خیرالامور.  
**رامسر:** علی اکبر الهی.  
**ساری:** محمد شیرزاد. زینت محمودی افراکتی (دونا مه).

#### استان همدان:

**کبودرآهنگ:** اکرم بهرامی. زهرا صدقی اکمل.  
**همدان:** بهنام الماسی. میلاد عین آبادی. حیدر هاشمی مشعوف.

#### استان یزد:

**یزد:** احسان دره زرشکی. احمد پوررضایی مهرآبادی.

**مشهد:** زینب اکبرزاده. محدثه دهقانی. صدیقه زیدی. صدیقه عابدی کارشک. صالحه علی پور. مصطفی علیپور.  
**نیشابور:** فاطمه بوآبادی.

#### استان خراسان شمالی:

**اسفراین:** جعفر جعفری زاده.  
**بجنورد:** سید محمد آل طه.  
**شیروان:** معصومه ابراهیمی. معصومه طیبی.

#### استان خوزستان:

**آبادان:** بدریه بن سعید. سناء بحرانی.  
**امیدیه:** رضا ممینی. مریم باقری نیا.  
**اندیکا:** آسیه، کبری، هاجر، علی و آذر نوذری. صدیقه، سوسن، فاطمه و مرضیه خسروی. فاطمه، سودابه، انیس، فاطمه، شکیبا، مینا، پوران خسروی. نازنین بارانپور. محسن احمدی. شبنم قاسمی.  
**اهواز:** حدیثه تجدمی نیا. محمدرضا لطفی فروشانی  
**بندر ماهشهر:** معصومه توسلی مفرد. راضیه تمیمی. کفایت کرغولی.  
**دزفول:** احمد شمشیر گرزاده.  
**هفتکل:** احمد رضا کاظمی.

#### استان زنجان:

**زنجان:** معصومه مظفری. زهرا نبی لو. پروین صدر محمدی. محمود حاجیلو.

#### استان سمنان:

**سمنان:** احمد رحمتی.  
**شاهرود:** ناهید تبریزی مطلق.  
استان سیستان و بلوچستان:  
**راسک:** زهره احمدیار. علی رضا و مختاره اربابی. ایلیا و عیسی نوراحمدی. حسن رحیمی. زهرا سالاری. مهدی خوبانی. نعمان رسنی نژاد.  
**زابل:** لیلا فهیم زاده. ام البنین نیک نظر خمکی. فاطمه مرادی.  
**زاهدان:** صدیقه نوری. قاسم علی قربانی. محمدعلی زورقی. فاطمه دهباشی.

#### استان فارس:

**شیراز:** محمدحسین نگهداری.  
**کازرون:** ناهید مشایخ.  
**گراش:** شکراله و مریم فرجی. فاطمه جهانگیری. حلیمه کرباسچی. زهرا پرچی.  
**لارستان:** سمیه گشاده رو.

#### استان قزوین:

**قزوین:** محمدرضا نوری. زهرا آذربایجانی. مرتضی حسینی.

#### استان قم:

**قم:** جنت بابائی. علی صفدر حسینیان. محمدرضا و سوگند حسینیان. مرضیه حسابی نژاد. فاطمه جعفری. لیلا قزوینیان. محدثه و هادی مالکی. اشرف گلشنان. طاهره شیرازی. مریم حاجی محمدی. فرشته سادات جوهری. اعظم نیک نامی. سیدجعفر نوربخش.

# نامه های شما را خواندیم

(اسامی به تفکیک استان / شهر می باشد)

شهری: بتول زمانه.

#### استان خراسان جنوبی:

**بیرجند:** علیرضا خوشحال (دو نامه).  
**بشرویه:** بهاره جمالی معصومی.  
**خضری:** محمد خضری. طاهره خضری.  
**قاینات:** اسماعیل جابری.

#### استان خراسان رضوی:

**جوبن:** فاطمه پورمهدی. سمانه هادیان.  
**گناباد:** زهرا صفری (دونا مه).

اسامی برندگان با یک شماره تاخیر اعلام می‌شود. تعداد برندگان شش نفر (سه نفر برنده جدول، سه نفر برنده مسابقه تستی). رمز جدول این شماره: نام کتابی است از یکی از علمای بزرگ، به همراه نام مؤلف، آن را برپایمان ارسال کنید.

مهلت ارسال جواب مسابقه تستی و رمز جدول این شماره: ۲۰ آبان ۱۳۹۲.

رمز جدول امان ۴۱: کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» تألیف عالم جلیل القدر شیخ صدوق.

برندگان رمز جدول امان ۴۱: معصومه مظفری، زنگان / طاهره پذیرایی، شیراز / سنا، بحرانی، آبادان.

برندگان مسابقه تستی امان ۴۱: زینب حبیبی، لنگرود / اعظم نیک‌نامی، قم / سمیه خسروی، کرمانشاه.

## سوالات تستی

طراح: محمد جواد کمار

### عمودی

۱. گوجه غلیظ شده. از صفات مذموم و ناپسند. گوه‌ر نشان و آراسته.
۲. نام یکی از همسران امام حسین (علیه السلام) دریا. خاندان.
۳. برکت، جهت، زنده.
۴. شهر مذهبی، قلب، رودخانه مرزی. تکرار یک حرف.
۵. از ماه‌ها. ضمیر اشاره.
۶. مجرای خون. جمع اجل. عمل دستگاه گوارش. تکیه دادن.
۷. حرف همراهی. بدی، ضمیر غایب.
۸. رأس، پهلوان. مرطوب، فلزی است.
۹. عمومی عرب. پزشکی. شهر مذهبی نزدیک تهران.
۱۰. حرف انتخاب. ضمیر وزنی. حرف بیست‌و‌هشتم الفبا.
۱۱. دون بدون حرف وسط. بی‌زبان. مفرد اهرام.
۱۲. «و ما علیک الا ال...». بیان‌کننده.
۱۳. جام آن معروف است. جمع رأی. جدید.
۱۴. از دعا‌های امام زمان (علیه السلام). ولادت حضرت معصومه (علیه السلام) به این روز نام‌گذاری شده است.

### افقی

۱. شبی که معادل هزارماه است. خوشبخت. کوشش.
۲. نیکی. هواپیمای جنگی. انار به عربی. جمع بدون سر.
۳. \*
۴. شهادتش در این ماه مبارک رقم خورده است.
۵. تلفظ یکی از حروف الفبا. جلب‌کننده. هزاران به عربی.
۶. طویل. درس‌خوانده و باسواد.
۷. نام طایفه‌ای است. حرفه.
۸. \*
۹. کودتای امریکایی در روز ... به وقوع پیوست.
۱۰. مفرد امواج. زبان. چهره.
۱۱. نصفه. وسایل جنگی.
۱۲. پروردگار.
۱۳. از القاب حضرت ولی عصر (علیه السلام) نام گلی زیباست.
۱۴. یازدهم ذی‌قعدة سالروز ولادت باسعادت ایشان است. نان به خودمانی.

۱. امام زمان برای قیام خود از چه امکاناتی استفاده می‌کنند؟  
(الف) امدادهای غیبی  
(ب) اسباب و علل عادی  
(ج) هر دو مورد
۲. چرا در زمان امام حسن مجتبی (علیه السلام) به مباحث مهدوی کمتر پرداخته شده است؟  
(الف) همزمانی حکومت ظاهری امام مجتبی (علیه السلام) با دوران معاویه  
(ب) فراهم نبودن زمینه طرح مباحث علمی و اعتقادی تشیع  
(ج) هر دو مورد
۳. چرا گاهی وقت‌ها دعای افراد مستجاب نمی‌شود؟  
(الف) استجابات به مصلحت نیست  
(ب) به جای اجابت دعا بلایی دفع می‌شود  
(ج) هر دو مورد
۴. از حقوق فرزند بر والدین:  
(الف) انتخاب نام نیک  
(ب) تربیت صحیح  
(ج) هر دو مورد
۵. ولایت مداری در دعا‌های وارده، به چه جوانبی اشاره دارد؟  
(الف) اطاعت و ولایت‌پذیری از امام  
(ب) دفاع از امام  
(ج) هر دو مورد
۶. راه‌های رسیدن به معرفت امام:  
(الف) تفکر  
(ب) انجام دادن واجبات و مستحبات  
(ج) هر دو مورد
۷. مراد از شناخت امام .....  
(الف) شناخت ظاهری و اوصاف فردی  
(ب) شناخت جایگاه حقیقی و معنوی امام  
(ج) هر دو مورد
۸. این حدیث از کیست؟ «خیرکم من تعلم القرآن و علمه»  
(الف) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)  
(ب) حضرت علی (علیه السلام)  
(ج) امام مجتبی (علیه السلام)
۹. شرط بهره‌مندی از امدادهای غیبی چیست؟  
(الف) مجاهدت در راه خدا  
(ب) اخلاص و حسن نیت  
(ج) هر دو مورد
۱۰. کدام عمل است که انجام آن برابر با هزار حسنه و پاک شدن ده هزار گناه است؟  
(الف) نماز  
(ب) روزه  
(ج) یاد دادن قرآن

|    |    |    |    |    |   |    |    |   |   |   |   |   |   |    |
|----|----|----|----|----|---|----|----|---|---|---|---|---|---|----|
| ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸  | ۷  | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |    |
|    |    |    |    |    |   |    | *  |   |   |   |   |   |   | ۱  |
|    |    |    |    | ۱  |   |    |    |   |   |   |   |   |   | ۲  |
|    |    |    |    |    |   |    |    |   |   |   |   |   | * | ۳  |
|    |    |    |    |    |   | ۱۱ |    |   |   |   |   |   |   | ۴  |
|    | *  |    |    |    |   |    |    |   |   |   | ۷ |   |   | ۵  |
|    |    |    | *  |    |   |    |    |   |   |   |   |   |   | ۶  |
|    |    |    |    |    |   |    |    |   | * |   |   |   |   | ۷  |
|    |    |    |    |    |   |    |    |   |   |   |   |   |   | ۸  |
|    |    | ۹  |    |    |   | ۱۲ |    | ۸ |   | ۵ |   |   |   | ۹  |
|    |    |    |    |    |   |    |    |   |   |   |   | ۲ | * | ۱۰ |
|    |    |    |    |    |   |    |    |   |   |   |   |   |   | ۱۱ |
|    |    |    |    |    |   |    |    |   |   |   |   |   |   | ۱۲ |
|    | *  |    |    |    |   |    |    |   |   |   |   |   |   | ۱۳ |
|    |    |    | ۴  |    |   |    |    |   | ۳ |   |   |   |   | ۱۴ |
|    |    |    |    |    |   |    | ۱۰ |   |   |   |   |   |   |    |

# امان ۴۳

فرم این صفحه را برای این شماره عوض کردیم، شاید بهتر باشد!  
به این کاغذ بسنده نکنید، از کاغذ و پاکت‌های دیگر استفاده کنید... چشم به راهیم...

قول می‌دهم آقا... (یک قول به امام زمان (عج) بدهید. کمی فکر کنید، قولی ندهید که نتوانید به آن عمل کنید!)

(امان در یک جمله) امان یعنی...

کلامی با آقا...

دل نوشته...

پیشنهاد و انتقاد:



نیازی به چسباندن تمبر نیست.

قم صندوق پستی ۳۹۷۵ - ۳۷۱۸۵  
تلفکس: ۰۲۵۳۷۸۳۲۵۰۰

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۹۲ - ۳۷۱۸۴ پرداخت  
شده است و نیازی به چسباندن تمبر نیست.  
لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بیندازید

محل نوشتن نام کتاب به همراه مؤلف آن

پاسخنامه مسابقه تستی

|                          |                          |                          |                          |                          |                          |                          |                          |                          |                          |     |
|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|-----|
| ۱۰                       | ۹                        | ۸                        | ۷                        | ۶                        | ۵                        | ۴                        | ۳                        | ۲                        | ۱                        |     |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | الف |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ب   |
| <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ج   |

مشخصات شرکت کننده در مسابقه

|                        |            |                       |
|------------------------|------------|-----------------------|
| نام و نام خانوادگی:    | تولد:      | تجهیزات:              |
| استان:                 | شهرستان:   | کد پستی (الزامی است): |
| نشانی دقیق:            |            |                       |
| کد شهر:                | تلفن ثابت: | تلفن همراه:           |
| پست الکترونیک (email): |            |                       |